



## فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام

● سال اول | شماره ۱ | بهار ۱۴۰۴ ●

- |                              |   |
|------------------------------|---|
| مدیر مسئول: دکتر حمید خسروی  | صاحب امتیاز: دانشگاه جامع انقلاب اسلامی   |
| امور اجرایی: دکتر حسین عباسی | سردبیر: دکتر محمدجعفر جوادی ارجمند        |
| ویراستار: سید حسین حسینی     | مدیر داخلی: دکتر محمد علی نظری            |
| ناشر:                        | ویراستار انگلیسی: دکتر نیلوفر مقدمی خمایی |
| طراح جلد:                    | صفحه‌آرا: محمد صادقی                      |
| بهاء: ۰۰۰۰ ریال              | شمارگان: ۲۰۰ جلد                          |

وبسایت نشریه: <https://nrig.cuir.ac.ir>

کلیه حقوق © محفوظ است.

مسئولیت مطالب مطرح شده در مقالات، به عهده نویسنده یا نویسندگان آن است.

نشانی: تهران- میدان سپاه- خیابان پادگان ولیعصر#- پلاک ۳- ساختمان جنوبی- طبقه هفتم

### اعضاء هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- دکتر هادی النبى التمیمی / استاد دانشگاه علوم اسلامی نجف اشرف
- دکتر محمد جواد جوادی ارجمند / استاد دانشگاه تهران
- دکتر محمد حسین دانش‌کیا / دانشیار دانشگاه معارف اسلامی
- دکتر احمد حسین شریفی
- دکتر محمد جواد سبحانی‌فر / دانشیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام
- آیت‌الله دکتر محمد حسن گلی شیردار / استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام
- دکتر نجف لکزایی / استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام
- دکتر سید محمدرضا محمود پناهی / استادیار دانشگاه پیام‌نور تهران
- دکتر مصطفی ملکوتیان / استاد دانشگاه تهران
- دکتر کیکی میخائل / استاد دانشگاه اسلامی رادان فتح

## راهنمای تدوین و ارسال مقاله

### برای ارائه به فصلنامه علمی مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام

- ۱- مقاله‌های قابل چاپ در مجله «مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام»، مقالات اصیلی هستند که حاوی ایده‌ها، رویکردها و روش‌های نوین و حاصل یافته‌های تحقیقات علمی باشند، به نحوی که به پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی از لحاظ نظری و کاربردی یاری رسانند.
- ۲- مقاله‌ها باید جدید و حاصل تحقیقات نویسنده یا نویسندگان باشد و پیشتر در جایی دیگر به چاپ نرسیده باشند.
- ۳- مسئولیت کامل مطالب ارائه شده در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است. مجله در این زمینه هیچ مسئولیتی را عهده‌دار نمی‌شود.
- ۴- مقالاتی که توسط دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با همکاری استادان راهنما و یا مشاور تهیه می‌شود، ضرورتاً باید با امضای استاد مربوطه به فصلنامه ارسال گردد؛ در عین حال نویسنده مسئول و ترتیب اسامی نویسندگان به همان ترتیبی که در سایت ثبت شده باشد، در مقاله خواهد آمد و پس از آن غیر قابل تغییر خواهد بود.
- ۵- حداکثر حجم مقاله شامل متن، شکل‌ها، نمودارها و جدول‌ها حداکثر ۱۰ هزار کلمه است.
- ۶- برای نگارش مقاله، آموزه‌های مندرج در این صفحه را دنبال بفرمایید.
- ۷- مقالات در چارچوب ساختار زیر که حاوی مقدمه، داده‌ها و روش کار، شرح و تفسیر نتایج، نتیجه‌گیری و منابع و ماخذ است، تدوین می‌شود:

**عنوان مقاله** عنوان بایستی با سؤال اصلی مقاله و محتوای آن تناسب داشته باشد، رسا و بدور از ابهام و ابهام باشد و حتی الامکان کوتاه باشد و هماهنگ با موضوعات و محورهای اعلامی فصلنامه باشد.

**چکیده** ۱- مختصر، روان و گویا ۲- موضوعات اساسی چکیده (سؤال، روش، یافته‌ها و مهمترین پیشنهادها).

**کلیدواژگان** حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه به تناسب موضوع و محتوای مقاله.

### ۱. مقدمه و بیان مسئله

مقدمه موضوع) شروع بحث و بیان موضوع با توجه به حوزه و رشته کلی مورد بحث و مباحث روز ضرورت موضوع) بیان نیازها و ضرورت موضوع مقاله با توجه به مطالعات پیشین و شواهد موجود و یا نقدهای موجود

اهمیت موضوع) بیان اهمیت و فواید و کارکردهای بررسی موضوع مقاله از لحاظ نظری و عملی (مساله اصلی) ۱- بیان روشن و کامل مسئله و سوال یا سئوالات اصلی مقاله ۲- بیان اهداف (سوالات) مقاله و تنظیم مقاله در راستای حصول آنها نحوه سازماندهی مقاله) بیان نحوه سازماندهی مقاله در راستای پاسخ به سئوالات (یا تحقق اهداف مقاله)

### ۲. ادبیات موضوع و پیشینه (حداکثر پنج صفحه)

۱-۲. ادبیات نظری (چارچوب نظری، مبانی نظری، نظریه‌ها و ....) (حداکثر سه صفحه و نیم)

جامعیت و کاربردی بودن مطالب و نظرات ارائه شده؛ ارتباط منطقی ادبیات نظری با سوالات و اهداف مقاله؛

ارائه الگوی مفهومی و یا چارچوب نظری مشخص و کارا برای مقاله

۲-۲. پیشینه پژوهش (حداکثر یک صفحه و نیم) کفایت مطالعات و مقالات پیشین مرتبط با موضوع؛ دسته بندی و ایجاد ارتباط منطقی بین نظریات و مطالعات پیشین؛ مرور پژوهش‌ها و

مطالعات انجام شده در مورد موضوع و مسئله تحقیق به نحوی که حداقل هشت تا ده مقاله علمی پژوهشی و چند کتاب معتبر پنج سال اخیر مورد بررسی قرار گرفته و مهمترین یافته‌ها و روش هر یک در قالب جدولی ارائه شوند.

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین:

۳. روش پژوهش (حداکثر در دو صفحه) رعایت اصول روش تحقیق و چارچوب مقالات علمی-پژوهشی: ۲- استفاده صحیح، متناسب و کارآمد از روش‌شناسی ادعا شده در مقاله: ۳- نوآوری در روش و یا ابتکار در کاربرد روش‌های موجود: ۴- ارائه توضیحات کافی در مورد روش تحقیق: ۴- بیان جزئیات ضروری روش‌شناسی مقاله

نوع تحقیق) تحقیق بنیادی، توسعه‌ای یا کاربردی است

استراتژی کلی تحقیق) کمی یا کیفی و در هر کدام از چه شیوه‌ای و ...

تعریف مفاهیم یا متغیرها) (نظری و عملیاتی) (مشخص کردن و ارائه تعریف روشن و صحیح

از متغیرها و مفاهیم کلیدی مقاله

روش‌های گردآوری داده‌ها) پیمایشی یا کتابخانه‌ای یا ...

روش‌های تحلیل داده‌ها

جامعه و نمونه) ۱- تعریف جامعه و نمونه مطالعه، ۲- روش نمونه‌گیری، ۳- حجم نمونه و

روش محاسبه ۴- روش

روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات) روش‌ها و آزمون‌های مورد استفاده و نتایج هر کدام

مراحل انجام و به کارگیری روش) شرح مختصر و مفید روش گفته شده

توضیحات لازم در خصوص روش‌های جدید به نحوی که اولاً معرف روش بوده و ثانیاً

بیانگر و روشن کننده رویکرد استفاده شده باشد.

۴. یافته‌های پژوهش (حداکثر در شش صفحه مقاله) ۱- یافته‌ها برآمده از بکارگیری

روش‌شناسی و ادبیات نظری و مطالعات پیشین: ۲- استفاده به‌جا و به اندازه از جداول، اشکال و

الگوها به اقتضای مقاله: ۳- دسته‌بندی و ارائه منطقی یافته‌ها به تناسب اهداف و سوالات مقاله: ۴-

پوشش‌دهی یافته‌ها نسبت به سوالات و اهداف مقاله

## ۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱-۵. بحث) مقایسه یافته‌های مقاله با نتایج مطالعات پیشین و بیان دلایل شباهت و تفاوت آنها

با هم

۲-۵. نتیجه‌گیری) ۱- ارائه نتیجه‌گیری مشخص، مختصر و قابل استفاده ۲- ارتباط درست و

منطقی نتایج با یافته‌ها و اهداف مقاله

۳-۵. پیشنهادها) پیشنهادها مبتنی بر یافته‌های مقاله ۲- در راستای توسعه نظری و یا کاربردی

نتایج مقاله باشد. ۳- کاربردی و راهبردی بودن پیشنهادات: اولویت با ارائه پیشنهادات راهبردی

می‌باشد

۶. منابع) استفاده از منابع معتبر و مقالات علمی و پژوهشی جدید مربوط به حداکثر ۵ سال

اخیر (حداقل ۶۰ درصد منابع)؛ رعایت اصول ماخذنویسی: استفاده کافی از منابع با توجه به موضوع

مقاله؛ تطبیق منابع با ارجاعات داده شده در متن؛ منابع به ترتیب حروف الفبایی شماره‌گذاری شده و

برای درج ابتدا منابع فارسی (در سه دسته به ترتیب مقاله‌ها، کتابها و منابع اینترنتی) و سپس منابع

لاتین (در سه دسته گفته شده قبلی) آورده شوند.

ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز به گونه‌ای که ابتدا نام خانوادگی مؤلف یا مؤلفان و

سپس سال انتشار و در نهایت شماره صفحه به این صورت آورده شود: (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۰) و

برای ارجاعات به منابع لاتین (Ahmadi, ۲۰۱۶, p ۲۰):

برای منابع با بیش از دو نویسنده، نام خانوادگی نویسنده اول و به جای نام سایر نویسندگان،

«همکاران» ذکر گردد؛ مانند: (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۰) و برای ارجاعات

لاتین (Ahmadi et al., ۲۰۱۶, p ۲۰)

۱-۶. منابع فارسی

۲-۶. منابع لاتین

---

## فهرست مطالب

- سخن سردبیر ..... ۹
- الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی  
پیر بوردیو / سید محمدرضا محمودپناهی، زهرا پورجباری، بهاره جعفری ..... ۱۱
- سبک زندگی سیاسی دیپلمات شهید انقلاب اسلامی در دیپلماسی مقاومت / عباسعلی  
رهبر ..... ۳۹
- بازی دوگانه آمریکا در شرق مدیترانه برای سلطه بر بازار گاز اروپا / سیدمهدی مدنی  
الخوانساری، حبیب‌الله فاضلی ..... ۶۵
- خوانش پسااستعماری کارکرد افسانه‌های هرمزگان در مجموعه داستان «ترس و لرز»  
غلامحسین ساعدی با نگاهی به دیدگاه‌های پساشرق‌شناسی ادوارد سعید / احسان  
علبرضایی، علیرضا داوری ..... ۸۷
- گفتمان‌های شیعی در اندونزی بررسی عملکرد جامعه اهل‌بیت اندونزی (ابی) / محمدعلی  
نظری ..... ۱۱۵
- واکاوی راهبرد ترکیه در آسیای میانه و تاثیر آن بر نفوذ روسیه در منطقه (۲۰۱۴-۲۰۲۱) /  
دکتر احمد یوسف‌پور، دکتر محمدولی مدرس ..... ۱۳۷



---

## سخن سردبیر

به نام خدا

سپاس از خداوند متعال و بندگان عالم او. کسانی که به پرورش و نشر علم می پردازند. با وجود همه سختی ها در این مسیر، با قاطعیت وارد آن می شوند. حال که با یاری خداوند و توجه محبت آمیز نویسندگان گرامی، اولین شماره از فصلنامه علمی "مطالعات منطقه ای جهان اسلام" را منتشر نموده ایم، بر خود لازم می دانیم که از زحمات کلیه نویسندگان و عوامل فصلنامه تشکر به عمل آوریم. به یقین و به رغم تلاش بی وقفه همکاران، نخستین شماره ی فصلنامه خالی از نقص و کاستی نخواهد بود. امیدواریم محققان، اساتید و دانشجویان با بهره گیری از نظرات سازنده خود ما را در بارور ساختن بیش از پیش نشریه، هم در شکل و هم در محتوا یاری فرمائید. فصلنامه علمی «مطالعات منطقه ای جهان اسلام» با هدف ارائه تازه ترین یافته های علمی در خصوص اندیشه های رهبری انقلاب اسلامی و نظریه ها، مأموریت ها و کارکردهای انقلاب در زمینه مطالعات منطقه ای جهان اسلام، آماده دریافت و بررسی مقالات محققان گرانقدر و اساتید محترم می باشد. در این راستا، از کلیه اساتید، صاحب نظران، کارشناسان، دانشجویان، محققان و علاقمندان از سراسر کشور دعوت می نماید مقالات و دستاوردهای علمی خود را برای انتشار به این فصلنامه ارسال نمایند. این مجله به دنبال آن است با فعالیت خود و با دریافت مقالات و انتشار آن به طور منظم، دستاوردهای علمی پژوهشگران کشور را به شکل شایسته ای در اختیار علاقه مندان قرار دهد.



# الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو

سید محمدرضا محمودپناهی<sup>۱</sup>

زهرا پورجباری<sup>۲</sup>

بهاره جعفری<sup>۳</sup>

## چکیده

در گام دوم انقلاب اسلامی، بازنگری در الگوهای آموزشی به عنوان ابزاری اساسی برای تحقق

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده هیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول): Email:

[Smpanahi@pnu.ac.ir](mailto:Smpanahi@pnu.ac.ir)

۲. کارشناس ارشد مطالعات سیاسی جهان اسلام (poorjabarizahrav@gmail.com).

۳. کارشناس ارشد مطالعات سیاسی جهان اسلام (bahareh.jafari<sup>۹۸۷</sup>@gmail.com).

اهداف بلندمدت انقلاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به چالش‌های جهانی و تحولات فرهنگی و اجتماعی، نیاز به الگویی آموزشی که همسو با ارزش‌های اسلامی و اهداف انقلاب باشد، بیش از پیش احساس می‌شود. در این باره نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو می‌تواند به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای طراحی الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی مفید واقع شود. این نظریه بر نقش سیستم آموزشی در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد و نشان می‌دهد چگونه آموزش می‌تواند از طریق سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی به تقویت هویت‌های اجتماعی و فرهنگی کمک کند. بر اساس این نظریه، الگوی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی باید نه تنها به تربیت نسلی متفکر، مسئول و متخصص بپردازد، بلکه از طریق اصلاح محتوای درسی و روش‌های آموزشی هم باید زمینه‌ساز حفظ هویت اسلامی و مقابله با تهدیدات فرهنگی و اجتماعی باشد. پژوهش حاضر به تحلیل الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی با استفاده از مفاهیم و اصول نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو و نیز بررسی چگونگی هم‌جهت این نظریه با اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی در زمینه آموزش و پرورش می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند برای تحقق جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، سیستم آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شود که به تقویت عدالت اجتماعی، توسعه هویت اسلامی و خودکفایی فرهنگی کمک کند.

#### کلیدواژه‌ها:

گام دوم انقلاب اسلامی، جامعه‌پردازی آموزشی، نظریه بازتولید فرهنگی، عدالت اجتماعی، هویت اسلامی.

## مقدمه

گام دوم انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۹۹ توسط مقام معظم رهبری بیان شد، نقطه عطفی در مسیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران است. در این بیانیه تأکید زیادی بر تربیت نسل‌های آینده با اتکا به ارزش‌های اسلامی و انقلابی شده است. به‌ویژه موضوعی که در این مسیر اهمیت زیادی دارد، اصلاح و بازسازی نظام آموزشی کشور است تا همسو با اهداف انقلاب، نسل‌های آینده تربیت شوند. در این راستا یکی از مفاهیمی که برجسته می‌شود، «جامعه‌پردازی آموزشی» است. این مفهوم به این معناست که نظام آموزشی نه تنها به انتقال دانش می‌پردازد، بلکه در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و اجتماعی نسل‌های آینده نیز نقش دارد. نظریه «بازتولید فرهنگی» پیر بوردیو که در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد، بیان می‌کند که نظام آموزشی می‌تواند نه فقط به انتقال اطلاعات و دانش بپردازد، بلکه در بازتولید فرهنگ و ایدئولوژی‌ها نیز نقش اساسی ایفا کند. در ایران، پس از انقلاب اسلامی، نظام آموزشی به عنوان یکی از ارکان مهم جامعه‌پردازی اسلامی مطرح شده است. با توجه به گام دوم انقلاب اسلامی که هدف آن تربیت نسلی متعهد به اصول اسلامی و انقلابی است، ضرورت بازنگری و طراحی مدل‌های آموزشی جدید کاملاً محسوس است. این مدل‌ها باید به گونه‌ای باشند که نسل‌های آینده را از لحاظ علمی، فرهنگی و اخلاقی آماده و هویت اسلامی و انقلابی آنها را تقویت کنند.

تربیت نسل‌های آینده با توجه به اصول اسلامی و انقلابی نه تنها به علم و دانش محدود نمی‌شود، بلکه به طور همزمان باید به تقویت باورهای دینی، فرهنگی و انقلابی نیز بپردازد. به این ترتیب نسل‌های آینده باید نه تنها قادر باشند با چالش‌های علمی و فناوری روز مقابله کنند، بلکه باید هویت اسلامی خود را در برابر تهاجمات فرهنگی و جهانی‌شدن حفظ نمایند. در این راستا طراحی یک الگوی آموزشی که بتواند این نیازها را برآورده کند، یک ضرورت است. این نسل باید در کنار دانش، به اصول اخلاقی و دینی نیز پایبند باشد تا از این طریق بتواند نقشی مؤثر در جامعه اسلامی ایفا کند. سیستم آموزشی ایران در حال حاضر با چالش‌های مختلفی روبه‌روست که می‌تواند مانع دستیابی به اهداف گام دوم انقلاب اسلامی شود. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کمبود منابع مالی، نبود

هماهنگی میان نهادهای مختلف آموزشی، ناتوانی در تطبیق برنامه‌های آموزشی با نیازهای اجتماعی و فرهنگی و مشکلات ساختاری و مدیریتی اشاره کرد. این مشکلات نه تنها از جنبه‌های اقتصادی بلکه از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز بر این سیستم تأثیر گذاشته است. بنابراین برای اینکه نظام آموزشی ایران بتواند به طور مؤثر در مسیر تربیت نسل‌های آینده عمل کند، نیاز به تغییرات اساسی در این سیستم وجود دارد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی است. این پژوهش به دنبال آن است که بررسی کند چگونه نظام آموزشی ایران می‌تواند با توجه به نظریه بازتولید فرهنگی، نقش مؤثری در شکل‌دهی هویت اسلامی و انقلابی نسل‌های آینده ایفا کند. علاوه بر این پژوهش به شناسایی چالش‌ها و موانع موجود در مسیر عملیاتی کردن این الگو پرداخته و راهکارهای رفع این مشکلات را نیز ارائه خواهد داد. هدف دیگر پژوهش، طراحی یک الگوی آموزشی جدید است که بتواند در تحقق اهداف گام دوم انقلاب اسلامی اثرگذار باشد.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که با توجه به چالش‌ها و مشکلات موجود در سیستم آموزشی ایران، چگونه می‌توان الگویی مناسب برای جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی طراحی کرد؟ این الگو باید همزمان به نیازهای علمی و فرهنگی نسل‌های آینده پاسخ دهد و هویت اسلامی و انقلابی آنها را تقویت کند. در این راستا بررسی و تحلیل رابطه بین مشکلات کنونی سیستم آموزشی و اهداف گام دوم انقلاب اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است.

سیستم آموزشی ایران با چالش‌های مختلفی مواجه است که مانع از تحقق اهداف گام دوم انقلاب اسلامی می‌شود. این چالش‌ها شامل کمبود منابع مالی، مشکلات ساختاری و مدیریتی، ناتوانی در هماهنگی برنامه‌های آموزشی با نیازهای اجتماعی و همچنین مقاومت‌های فرهنگی و اجتماعی در برابر تغییرات آموزشی هستند. این چالش‌ها نیاز به بازنگری اساسی در ساختار نظام آموزشی کشور را به طور جدی مطرح می‌کنند. برای اینکه بتوان این مشکلات را حل کرد، اصلاحات در سیستم آموزشی به‌ویژه در نحوه طراحی و اجرای الگوهای آموزشی ضروری است. چالش‌های موجود در سیستم آموزشی کشور به طور مستقیم با اهداف گام دوم انقلاب اسلامی مرتبط‌اند. این اهداف بر تربیت نسلی متعهد به اصول اسلامی و انقلابی تأکید دارند. مشکلات موجود در سیستم

آموزشی می‌تواند مانع دستیابی به این اهداف شود. بنابراین اصلاحات در سیستم آموزشی برای تحقق این اهداف ضروری است. در واقع اگر این مشکلات به طور جدی بررسی نشوند، دستیابی به نسل‌های آینده‌ای که توانایی مقابله با چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را داشته باشند، دشوار خواهد بود.

برای تحقق اهداف گام دوم انقلاب اسلامی، طراحی یک الگوی آموزشی جامع و متناسب با ارزش‌های اسلامی و انقلابی ضروری است. این الگو باید به گونه‌ای باشد که تمامی ابعاد آموزشی، فرهنگی و اجتماعی را در بر گیرد؛ همچنین باید به گونه‌ای طراحی شود که نسل‌های آینده را قادر سازد با حفظ هویت اسلامی و انقلابی خود، در دنیای مدرن و در مواجهه با چالش‌های جهانی شدن به موفقیت دست یابند. طراحی این الگو نیازمند هم‌افزایی میان نهادهای مختلف آموزشی و فرهنگی، همچنین توجه به اصول اسلامی و انقلابی در تمامی مراحل آموزشی است.

در نهایت این پژوهش به دنبال آن است با تحلیل دقیق و علمی راهکارهایی را برای طراحی و عملیاتی کردن این الگوی آموزشی جدید ارائه کند تا نظام آموزشی ایران بتواند در راستای اهداف گام دوم انقلاب اسلامی عمل کند و نسل‌های آینده را به طور مؤثر تربیت نماید.

## ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	اهداف یا سؤال اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
۱	الگوی جامعه‌پردازی نظام مردم‌سالاری دینی بر اساس بیانیه گام دوم	سید محمدرضا محمودپناهی، ۱۴۰۲	بررسی شاخصه‌های الگوی جامعه‌پردازی در بیانیه گام دوم	الگوی جامعه‌پردازی در بیانیه گام دوم متفاوت از الگوی دولت-ملت غربی است و در جهت ملت-امت اسلامی می‌باشد. این الگو با پیشرفت همه‌جانبه بر پایه الگوی ایرانی-اسلامی و تقویت هویت

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	اهداف یا سؤال اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
	انقلاب اسلامی			ملّی و اسلامی، زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است.
۲	تبیین معنا و مفهوم جامعه‌پردازی و جامعه‌سازی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)	اصغر افتخاری و محمدباقر باباهادی، ۱۴۰۳، توصیفی-تحلیلی	تبیین مفهوم جامعه‌پردازی در گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم	مفهوم جامعه‌پردازی در بیانیه گام دوم در کنار خودسازی و تمدن‌سازی، نشان‌دهنده ارتباط این سه مفهوم و فرایند پنج‌مرحله‌ای تحقق تمدن نوین اسلامی است.
۳	نقش و جایگاه آموزش و پرورش در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای	نازیلا ابراهیمی و خدایار پورحسین، ۱۴۰۳، مروری	بررسی نقش آموزش و پرورش در تحقق اهداف بیانیه گام دوم	آموزش و پرورش نقشی کلیدی در تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص دارد که برای پیش‌برد اهداف بیانیه گام دوم ضروری است.
۴	جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه «نظام انقلابی»	سیدابراهیم سرپرست، سادات، ۱۳۹۸، تحلیلی	بررسی رسالت جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب با تأکید بر نظریه نظام انقلابی	جامعه‌پردازی به عنوان مرحله‌ای پس از نظام‌سازی و دولت‌سازی، مقدمه‌ای برای تحقق تمدن اسلامی-ایرانی در شکل نوین آن است.

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	اهداف یا سؤال اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
۵	شاخصه‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های جامعه‌پردازی جهادی در گام دوم انقلاب اسلامی	روح‌الله قاسمی و مهدی سیاوشی، ۱۴۰۱، تحلیلی	تعیین شاخصه‌ها و عوامل مؤثر بر جامعه‌پردازی جهادی در گام دوم انقلاب	ارزش‌های عدالت، مبارزه با فساد، استقلال و آزادی به عنوان ارزش‌های اصلی گام دوم شناسایی شدند. عوامل مؤثر شامل نیروی انسانی متعهد، اقتصاد مقاومتی و علم و پژوهش هستند.
۶	طراحی الگوی راهبردهای فرهنگی تحول نظام آموزش عالی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	محمدرضا شرفی و همکاران، ۱۴۰۰، کیفی (تحلیل محتوا)	شناسایی راهبردهای فرهنگی برای تحول در نظام آموزش عالی بر اساس بیانیه گام دوم	تأکید بر نقش جوانان و جایگاه علم و دانش در بیانیه گام دوم و لزوم تحول در نظام آموزش عالی با توجه به این مؤلفه‌ها.
۷	واکاوی سبک زندگی اسلامی ایرانی و ابعاد تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی	علی سورانی و همکاران، ۱۴۰۲، تحلیلی	بررسی تأثیر سبک زندگی اسلامی ایرانی بر تحقق تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب	رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم می‌تواند راهنمای عملی برای جامعه کنونی و حل بسیاری از موانع پیشرفت ایران اسلامی باشد.

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	اهداف یا سؤال اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
۸	نقش مردم در جامعه‌پردازی تمدن نوین اسلامی با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب	سحر نعمتی و حکیمه قاسم‌پور قاضی محله، ۱۳۹۸، توصیفی-تحلیلی	بررسی نقش مردم در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم	تأکید بر اهمیت مشارکت مردمی در فرایند جامعه‌پردازی و نقش آن در دستیابی به تمدن نوین اسلامی.
۹	بیانیه گام دوم انقلاب: مبانی نظری و شاخص‌های «جامعه اسلامی» در اندیشه امام خاتمه‌ای	محمد رضا شرفی، ۱۴۰۰، تحلیلی	تبیین مبانی نظری و شاخص‌های جامعه اسلامی در بیانیه گام دوم	ارائه شاخص‌های جامعه اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم و تأکید بر نقش آن در مسیر تمدن‌سازی اسلامی.
۱۰	نقش نظام انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب و ارتباط آن با تعیین ساختار کلان مهدوی	محمد رضا شرفی، ۱۴۰۲، توصیفی-تحلیلی	بررسی نقش نظام انقلابی در بیانیه گام دوم و ارتباط آن با ساختار جامعه مهدوی	تبیین ارتباط بین نظام انقلابی مطرح‌شده در بیانیه گام دوم و ساختار کلان جامعه مهدوی و نقش آن در تحقق اهداف انقلاب اسلامی.

در سال‌های اخیر، تلاش برای بازاندیشی در سیاست‌گذاری آموزشی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در راستای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، وارد مرحله‌ای تازه شده است. نوآوری این مقاله در ارائه الگویی مفهومی و کاربردی از جامعه‌پردازی آموزشی، مبتنی بر نظریه بازتولید فرهنگی پیر بردیو، نه تنها بر تبیین وضعیت موجود تأکید دارد، بلکه در صدد است از خلال بازخوانی مفاهیم کلیدی چون میدان، منش (Habitus)، سرمایه فرهنگی و خشونت نمادین، امکان طراحی سازوکاری بومی برای تحول در سیاست‌گذاری آموزشی ایران را فراهم کند. این نوآوری از دو جهت دارای اهمیت است: نخست، در ادبیات علوم اجتماعی و سیاسی ایران، اغلب نظریه بازتولید فرهنگی بردیو به صورت انتزاعی یا انتقادی در حیطه آموزش بررسی شده، بدون آنکه تلاشی جدی برای بومی‌سازی آن در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی و اهداف تمدنی آن صورت گرفته باشد. دوم، نوآوری حاضر با پیوند میان جامعه‌پردازی آموزشی و منظومه فکری انقلاب اسلامی می‌کوشد الگویی ناظر به ارتقای سرمایه فرهنگی بومی و مقاومت‌سازی هویت دینی-ملی ارائه کند.

مطالعات موجود در حوزه‌هایی چون سیاست‌گذاری آموزشی، بازتولید فرهنگی و آموزش به مثابه میدان اجتماعی، عمدتاً با رویکردهای انتقادی مارکسیستی یا لیبرال دموکراتیک صورت گرفته‌اند؛ درحالی‌که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خواستار بازتعریف سیاست‌های آموزشی بر مبنای اصولی چون عدالت آموزشی، ارتقای اخلاق، تقویت هویت اسلامی-ایرانی و تقویت مشارکت اجتماعی است. نوآوری مقاله حاضر در آن است که با بهره‌گیری خلاقانه از چارچوب بردیو، به جای تکرار رویکردهای انتقادی صرف، از ظرفیت تحلیلی آن برای طراحی سیاست‌های انقلابی، فرهنگ‌ساز و مشارکت‌محور استفاده شود. از منظر بردیو، آموزش نه صرفاً انتقال دانش بلکه بستری برای بازتولید نابرابری‌ها و سلطه فرهنگی است؛ اما در الگوی پیشنهادی این مقاله، با بازتفسیر مفاهیم کلیدی بردیو در بستر انقلاب اسلامی، آموزش به مثابه ابزاری برای ارتقای عدالت فرهنگی، تقویت سرمایه فرهنگی انقلابی و اصلاح میدان‌های نهادینه شده قدرت در حوزه آموزش بازسازی می‌شود. این نوآوری از رهگذر تعامل مفهومی میان سه حوزه کلیدی شکل می‌گیرد: (۱) سیاست‌گذاری آموزشی با رویکرد تمدنی؛ (۲) نظریه بازتولید فرهنگی و منطق میدان‌ها؛ (۳) گفتمان گام دوم انقلاب اسلامی و افق تمدن نوین اسلامی.

از دیگر جنبه‌های متمایز نوآوری این مقاله تکیه بر پیوند میان سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی-مردمی است. بر خلاف نگاه‌های منفعلانه به سرمایه فرهنگی که صرفاً به آن به مثابه ابزاری برای بازتولید نابرابری می‌نگرند، مقاله حاضر در راستای مبانی گفتمان اسلامی، سرمایه فرهنگی را به عنوان ظرفیت‌سازی برای تقویت جامعه مدنی، مشارکت اجتماعی و سبک زندگی اسلامی معرفی می‌کند. الگوی پیشنهادی، ضمن نقد بازتولید منفعلانه ساختارهای فرهنگی، بر فرایند بازآفرینی فرهنگی کنش‌مند در میدان آموزش تأکید دارد. در این چارچوب، نظام آموزشی به عنوان عرصه‌ای برای تقویت منش انقلابی، ترویج هویت اسلامی-ایرانی و انتقال ارزش‌های مقاومت فرهنگی در نظر گرفته می‌شود؛ همچنین مقاله با مقایسه تطبیقی میان سیستم‌های آموزشی کشورهای مختلف در مسیر ساخت تمدن‌سازی (نظیر مالزی، ترکیه، چین) تلاش دارد ویژگی‌های ممتاز یک الگوی بومی-تمدنی برای ایران را استخراج کند. توجه ویژه به نقش دانشگاه در تربیت کنشگران تمدنی، بررسی اخلاق در سیاست‌گذاری آموزشی و توجه به پیوند میان تعلیم دینی و سیاست‌گذاری عمومی، از دیگر نوآوری‌های محتوایی مقاله است. در نهایت مقاله با طراحی چارچوبی مفهومی شامل سه سطح (خُرد: منش دانش‌آموز/دانشجو، میانی: میدان آموزشی، کلان: سیاست‌گذاری و گفتمان انقلاب)، مدلی برای مداخله فعال در فرایند بازتولید فرهنگی ارائه می‌دهد که قابلیت به‌کارگیری در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و فرهنگی کشور را داراست.

## ۲. ابزار گردآوری اطلاعات: تحلیل محتوای اسناد بالادستی، بیانیه‌ها و مطالعات پیشین

در تحلیل محتوای اسناد بالادستی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌ویژه با توجه به نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو، مشاهده می‌شود که نظام آموزشی در ایران به عنوان ابزاری برای بازتولید هویت اسلامی و انقلابی عمل می‌کند و نقش آن تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود؛ بلکه در شکل‌دهی به روابط اجتماعی و فرهنگی نسل‌های آینده نیز تأثیرگذار است. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تأکید ویژه‌ای بر تربیت نسلی متعهد به اصول اسلامی و انقلابی شده است که این امر اهمیت آموزش را در ساخت هویت فردی و اجتماعی نسل‌های آینده برجسته می‌کند (خامنه‌ای،

۱۳۹۹: ۴۶ و ۵۲). از دیدگاه بوردیو، مفهوم «کاپیتال فرهنگی» تأثیر بسزایی بر فرایندهای آموزشی و اجتماعی دارد (Bourdieu, ۱۹۷۷: ۹۵) و به همین دلیل نظام آموزشی ایران، علاوه بر ارتقای علمی، برای تقویت فرهنگ انقلاب اسلامی نیز طراحی شده است. الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، با تأکید بر تحول بنیادین در نظام آموزشی، در تلاش است نسلی پرورش یابد که از یک سو از نظر علمی توانمند و از سوی دیگر از نظر فرهنگی و اجتماعی ریشه‌دار و مسئولیت‌پذیر باشد. این فرایند باید در تعامل میان دولت، مدارس، دانشگاه‌ها و خانواده‌ها به طور جامع و چندبعدی جاری شود (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۲۰۲۰: ۳/ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۲۰۱۶: ۱۲).

### ۳. روش تحلیل داده‌ها: تحلیل کیفی محتوای اسناد و تطبیق با اصول اسلامی

تحلیل کیفی محتوای اسناد به‌ویژه اسناد بالادستی مانند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به بررسی دقیق جملات و گزاره‌ها می‌پردازد تا ارزش‌ها، هویت‌ها و ساختارهای اجتماعی نهفته در آنها شناسایی شود. در این فرایند، تحلیلگر باید تلاش کند اهداف آموزشی مطرح‌شده در این اسناد را با آموزه‌های اسلامی تطبیق دهد. اصول اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی اسلام باید در کنار نظریه‌های جامعه‌شناختی چون نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو بررسی شوند. بوردیو تأکید دارد که آموزش می‌تواند نه تنها دانش بلکه سرمایه‌های فرهنگی - مانند فرهنگ اسلامی - و اجتماعی - مثل عدالت اجتماعی و وحدت ملی - را نیز بازتولید کند. این تحلیل به‌ویژه در گام دوم انقلاب اهمیت دارد؛ زیرا تمرکز آن بر تربیت نسل جدید با ارزش‌های اسلامی و انقلابی است. پژوهشگر باید بداند که چگونه این اسناد و بیانیه‌ها به طور غیرمستقیم سرمایه‌های فرهنگی را در جامعه تولید و آنها را وارد سیستم آموزشی می‌کنند.

الگوی جامعه‌پردازی نظام مردم‌سالاری دینی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌تواند اصول مردم‌سالاری را با ارزش‌های دینی و مشارکت اجتماعی هماهنگ کند. این مدل بر مبنای اصول اخلاقی و معنوی اسلام استوار است و برای تحقق هدف تقویت همبستگی اجتماعی، مفاهیم دینی باید در اسناد آموزشی گنجانده شوند تا جامعه‌ای بر اساس اصول اسلامی شکل گیرد (محمودپناهی،

۱۴۰۲: ۴۵). مفهوم جامعه‌پردازی در گفتمان انقلاب اسلامی طبق اندیشه‌های امام خامنه‌ای تأکید دارد که فرایند ساخت جامعه باید بر مبنای اصول اسلامی و اهداف انقلاب باشد. بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان نقشه راهی برای طراحی اسناد آموزشی، نقش مهمی در تقویت هویت اسلامی و ارزش‌های اجتماعی دارد و به تحقق جامعه‌ای مبتنی بر اصول اسلامی کمک می‌کند (افتخاری و باباهادی، ۱۴۰۳: ۱۱۲). الگوی راهبردهای فرهنگی تحول نظام آموزش عالی نیز با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به ضرورت هماهنگ‌سازی محتوای آموزشی با آرمان‌های اسلامی اشاره دارد. این بیانیه می‌تواند نظام آموزش عالی را به سمت تربیت نسلی متعهد و ارزش‌مدار هدایت کرده و نقش مؤثری در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی ایفا نماید (شرفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۷).

مقاله «نقش مردم در جامعه‌پردازی تمدن نوین اسلامی» تأکید می‌کند که برای تحقق تمدن نوین اسلامی، مشارکت فعال مردم در فرایند آموزشی و فرهنگی ضروری است. این مشارکت باید با هماهنگی کامل با اصول اسلامی در آموزش و ساختارهای اجتماعی صورت گیرد تا فرهنگی اسلامی-ایرانی ترویج یافته، جامعه‌ای بر اساس این ارزش‌ها شکل گیرد (نعمتی و قاسم‌پور، ۱۳۹۸: ۶۴). مقاله «نقش نظام انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب» بر تأثیرات نظام انقلابی در شکل‌گیری جامعه مهدوی تأکید دارد و نشان می‌دهد برای دستیابی به این جامعه، اسناد آموزشی باید با اصول اسلامی هماهنگ شوند. بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان نقشه راهی مهم، جهت‌گیری‌های تحولی را در مسیر تحقق جامعه مهدوی و برنامه‌ریزی‌های کلان با تأکید بر اصول اسلامی مشخص می‌کند (شرفی، ۱۴۰۲: ۳۵).

#### ۴. تحلیل تطبیقی برخی از الگوهای آموزشی در کشورهای دیگر و بررسی نقاط قوت و ضعف آنها

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی با نگاهی به نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو به دنبال آن است که نظام آموزشی را به بستری برای تربیت نسلی آگاه، متعهد و مسئولیت‌پذیر تبدیل کند. در این مسیر، نگاهی تطبیقی به الگوهای موفق جهانی، مانند سیستم آموزشی فنلاند و ژاپن نشان می‌دهد هر جامعه بر اساس فرهنگ و ارزش‌های خود، نظام آموزشی خاصی را شکل

می دهد. فنلاند با تأکید بر عدالت آموزشی و پرورش فردیت دانش آموزان، بستری را فراهم کرده که هر فرد بر اساس توانایی‌های خود رشد کند (Sahlberg, ۲۰۱۱: ۲۳). از سوی دیگر ژاپن با تمرکز بر انضباط و کار گروهی، نسلی را تربیت کرده که به انسجام اجتماعی و نظم پایبند است (Tsuneyoshi, ۴۵: ۲۰۱۳). اما در هر دو الگو، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. اینجا جایی است که نظریه بوردیو وارد عمل می‌شود؛ به باور او آموزش صرفاً انتقال دانش نیست، بلکه بستری برای بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است (Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۱۷). بنابراین الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در ایران نیز باید به گونه‌ای طراحی شود که همگام با ارزش‌های اسلامی و انقلابی، ظرفیت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان را تقویت کند.

با این حال چالش‌های متعددی پیش روی این الگو قرار دارد. یکی از مهم‌ترین مسائل، چگونگی ترکیب ارزش‌های اسلامی با نیازهای روز دنیای مدرن است؛ یعنی چگونه می‌توان در عین حفظ هویت دینی و فرهنگی، فضایی ایجاد کرد که خلاقیت، تفکر انتقادی و مهارت‌های عملی در دانش‌آموزان تقویت شود. نگاهی به تجربه فنلاند در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی (Sahlberg, ۲۰۱۱: ۲۹) و سیستم ژاپنی در ایجاد نظم و تربیت اخلاقی (Tsuneyoshi, ۲۰۱۲: ۵۲) می‌تواند الهام‌بخش باشد. اما آنچه مهم است، بومی‌سازی این تجارب بر اساس نیازهای جامعه ایران است. در نهایت الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی باید بستری باشد که نه تنها به انتقال دانش بلکه به پرورش انسان‌هایی متفکر، آگاه و متعهد کمک کند؛ افرادی که در برابر چالش‌های جهانی، ریشه در هویت اسلامی-ایرانی خود داشته باشند و در عین حال با دنیای مدرن تعامل سازنده‌ای برقرار کنند.

## ۵. مبانی نظری پژوهش

بر اساس دیدگاه بوردیو (Bourdieu, ۱۹۷۷)، نظام آموزشی به عنوان یک نهاد اصلی در فرایند اجتماعی‌سازی فرد عمل می‌کند و از طریق ساختارهای پنهان خود، سرمایه‌های فرهنگی موجود در جامعه را حفظ و تقویت می‌کند. وی اشاره می‌کند که «مدارس نه تنها دانش منتقل می‌کنند، بلکه روابط قدرت را هم تثبیت می‌کنند» (Bourdieu & Passeron, ۱۹۹۰: ۴۲). این فرایند، امری غیرقابل

مشاهده است و از طریق مکانیزم‌هایی چون «گفتار معلم»، «روش ارزشیابی» و «نظام رتبه‌بندی» صورت می‌پذیرد که به شکل غیرمستقیم فرهنگ غالب را در قالب معیارهای شناختی و اخلاقی به دانش‌آموزان القا می‌کنند.

طبق نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو، سرمایه فرهنگی عبارت است از منابع فرهنگی (دانش، مهارت، سبک زبان، سلیقه‌های هنری) که افراد از محیط خانوادگی خود به دست می‌آورند و به موفقیت آنها در نظام آموزشی کمک می‌کند (Bourdieu, ۱۹۸۶: ۲۴۱). بنابراین نظام آموزشی نه تنها به انتقال دانش می‌پردازد، بلکه فرهنگ و ایدئولوژی طبقات برتر را بازتولید می‌کند و در واقع اقتدار فرهنگی-اجتماعی را به عنوان یک نوع سلطه نرم ادامه می‌دهد (Bourdieu, ۱۹۷۷: ۸۲).

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو، به دنبال ایجاد نظام آموزشی است که علاوه بر تقویت دانش علمی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی را در نسل جوان نهادینه کند. طبق دیدگاه بوردیو، آموزش تنها به عنوان انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه ابزاری است برای بازتولید هنجارها و ارزش‌های اجتماعی (Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۱۷). بنابراین نظام آموزشی انقلاب اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموزان را به افرادی متعهد، آگاه و مسئولیت‌پذیر تبدیل کند. در همین راستا، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر تحول در نظام آموزشی تأکید دارد؛ به گونه‌ای که علاوه بر رشد علمی، زمینه‌ساز ارتقای بصیرت سیاسی و مسئولیت‌پذیری در نسل جوان باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۵). این تحول باید از آموزه‌های اسلامی سرچشمه بگیرد تا نسلی از متخصصان و متعهدان به انقلاب اسلامی پرورش یابد و الگویی برای سایر کشورهای اسلامی ارائه دهد.

در چارچوب نظری این الگو، مفاهیم بوردیو مانند «سرمایه فرهنگی»، «سرمایه اجتماعی» و «خشونت نمادین» می‌توانند به‌ویژه در زمینه بازتولید فرهنگ و سلسله‌مراتب اجتماعی در نهادهای آموزشی به طور مؤثری به کار گرفته شوند (Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۲۲). در گام دوم انقلاب اسلامی، هدف از این جامعه‌پردازی آموزشی تربیت نسلی است که علاوه بر موفقیت‌های علمی، بتواند ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی را در هویت جمعی خود تقویت کند. این الگو باید تأکید ویژه‌ای بر عدالت اجتماعی و بازتولید هویت اسلامی-ایرانی در نهادهای آموزشی داشته باشد تا از این طریق

سیستم آموزشی به ابزاری مؤثر برای تقویت عدالت و هویت ملی تبدیل شود (Bourdieu & Passeron, ۱۹۷۷: ۳۴/ Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۳۱).

## ۶. تعریف مفاهیم کلیدی: جامعه‌پردازی آموزشی، گام دوم انقلاب اسلامی، تربیت اسلامی و عدالت اجتماعی.

### الف) جامعه‌پردازی آموزشی

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی پیر بردیو، بر این باور است که آموزش نه تنها به عنوان ابزاری برای انتقال دانش بلکه به عنوان فرایندی برای انتقال هنجارها و ارزش‌های فرهنگی عمل می‌کند (Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۱۷). در این دیدگاه، نظام آموزشی باید به ابزاری برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی تبدیل شود و به جای بازتولید روابط قدرت و نابرابری‌های اجتماعی، به عنوان نیرویی برای تحول اجتماعی و تقویت هویت اسلامی عمل کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۵). این الگو به طور ویژه در تلاش است سرمایه فرهنگی را از ابزاری برای حفظ قدرت، به نیرویی برای ایجاد جامعه‌ای مستقل و عدالت‌محور تبدیل کند.

### ب) بیانیه گام دوم انقلاب

گام دوم انقلاب اسلامی که توسط مقام معظم رهبری در سال ۲۰۱۹ میلادی مطرح شد، به عنوان چشم‌اندازی برای تداوم اصول انقلاب اسلامی، توسعه فرهنگی و اجتماعی و تقویت هویت ملی و دینی ایران تعریف می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۱۲). این گام به‌ویژه بر بازسازی معنوی جامعه، تقویت خودباوری و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی تأکید دارد؛ درحالی‌که هدف اصلی آن ایجاد تمدن اسلامی و تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی است. همچنین این بیانیه، اهمیت همبستگی کشورهای اسلامی و مقابله با سلطه‌گری جهانی را برجسته می‌کند.

### ج) تربیت اسلامی و عدالت اجتماعی

تربیت اسلامی به عنوان فرایندی جامع، نه تنها به رشد علمی و فکری انسان‌ها بلکه به ارتقای

اخلاقی، اجتماعی و دینی آنان می‌پردازد. این رویکرد بر اساس اصول اسلامی، به تحقق عدالت اجتماعی توجه دارد و هدف آن ایجاد جامعه‌ای عادلانه است که در آن برابری، انصاف و احترام به حقوق دیگران مد نظر قرار گیرد (مطهری، ۱۳۶۵: ۴۲). در این فرایند، عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ارکان تربیت اسلامی، تأکید می‌کند که فرصت‌های برابر و دسترسی به منابع برای همه افراد فراهم شود تا در نهایت افراد در جهت اهداف اجتماعی و دینی جامعه حرکت کنند.

#### د) بازتولید فرهنگی در نظریه بوردیو

بوردیو، یکی از مهم‌ترین اندیشمندان علوم اجتماعی، نظریه بازتولید فرهنگی را بر اساس مفاهیمی همچون «سرمایه فرهنگی»، «عادت‌واره» (Habitus) و «میدان» (Field) مطرح می‌کند.

- سرمایه فرهنگی به دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی اشاره دارد که از طریق خانواده و نظام آموزشی منتقل شده، به افراد امکان می‌دهد جایگاه اجتماعی خود را حفظ کنند یا ارتقا دهند.
- عادت‌واره الگویی ذهنی و رفتاری است که افراد در محیط اجتماعی خود شکل می‌دهند و به طور ناخودآگاه در رفتارهای روزمره آن را بازتولید می‌کنند.
- میدان فضایی اجتماعی است که افراد در آن برای به دست آوردن سرمایه‌های مختلف -مانند سرمایه فرهنگی، اقتصادی یا اجتماعی- رقابت می‌کنند.

از نگاه بوردیو، بازتولید فرهنگی معمولاً در راستای تثبیت قدرت و نابرابری‌های اجتماعی عمل می‌کند (برهنمن، ۲۰۱۸: ۱۰۰)؛ اما این مفهوم را می‌توان در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بازنگری کرد.

#### ه) تطبیق بازتولید فرهنگی و چارچوب جامعه‌پذیری آموزشی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که توسط رهبر انقلاب اسلامی ایران صادر شده است، بر ایجاد تمدن نوین اسلامی و دستیابی به «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» تأکید دارد. در این چارچوب بازتولید فرهنگی در چارچوب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به قرار زیر است:

## فرهنگ‌سازی بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم بر تقویت هویت اسلامی و ایرانی تأکید دارد تا بتواند در برابر سلطه فرهنگی غرب مقاومت کند. در این نگاه، بازتولید فرهنگی به ابزاری برای گسترش ارزش‌های اسلامی و عدالت اجتماعی تبدیل می‌شود (نوغانی، ۲۰۰۴).

## سرمایه فرهنگی در خدمت عدالت و پیشرفت

در حالی که بوردیو بازتولید فرهنگی را ابزاری برای حفظ نابرابری‌های اجتماعی می‌داند، بیانیه گام دوم از سرمایه فرهنگی به عنوان ابزاری برای پیشرفت، عدالت‌طلبی و توانمندسازی نسل جوان بهره می‌گیرد. در این باره نظام آموزشی و رسانه‌ای باید فضایی ایجاد کند که به کاهش شکاف‌های اجتماعی و پرورش انسان‌های متعهد به آرمان‌های اسلامی منجر شود (مؤید حکمت، ۲۰۱۳: ۱۵۹).

## بازتولید هویت فرهنگی در برابر جهانی‌سازی غربی

بیانیه گام دوم تأکید می‌کند که فرهنگ اسلامی باید مستقل از هژمونی غربی عمل کند و به جای تقلید از غرب، بر اساس ارزش‌های بومی و دینی گسترش یابد. در این نگاه، مفهوم بازتولید فرهنگی می‌تواند به ابزاری برای تقویت مقاومت فرهنگی و ایجاد تمدن نوین اسلامی تبدیل شود (آرمین منصوری و همکاران، ۲۰۲۲: ۳۰۳).

در نظریه بوردیو بازتولید فرهنگی ابزاری برای حفظ قدرت و نابرابری‌های اجتماعی است؛ اما در گفتمان بیانیه گام دوم، این مفهوم می‌تواند به ابزاری برای تحول اجتماعی و ایجاد عدالت تبدیل شود. برای این هدف:

۱. عادت‌واره‌های اجتماعی جدید باید با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی و در راستای نیازهای امروز جوانان شکل بگیرند.
۲. سرمایه فرهنگی باید در خدمت تقویت عدالت، اخلاق‌مداری و پیشرفت قرار گیرد.
۳. میدان فرهنگی باید از ابزاری برای تثبیت نابرابری‌ها به فضایی برای تحول‌آفرینی و تحقق مردم‌سالاری دینی تغییر کند.

این تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد چگونه می‌توان مفاهیم بوردیو را در فضای گفتمانی انقلاب اسلامی بازتفسیر کرد و از آن برای تحقق آرمان‌های تمدن نوین اسلامی بهره برد. الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، با الهام از نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو، به دنبال تحولی در نظام آموزشی است که نه تنها به تثبیت هنجارها و ارزش‌های موجود نپردازد، بلکه به ابزاری برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و ساخت تمدن نوین اسلامی تبدیل شود. بوردیو معتقد است نهادهای اجتماعی، از جمله آموزش، نقشی کلیدی در بازتولید قدرت و حفظ نابرابری‌ها ایفا می‌کنند (Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۱۷)؛ اما بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی این مفهوم را تغییر داده، آموزش را به ابزاری برای تحول اجتماعی، تقویت هویت اسلامی و تحقق عدالت تبدیل می‌کند. در این گفتمان، نظام آموزشی به عنوان عامل اصلی در انتقال ارزش‌های اسلامی و عدالت‌محور به نسل‌های آینده به‌ویژه جوانان در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد فرهنگی نه تنها در مقابله با سلطه فرهنگی غرب حرکت می‌کند، بلکه به عنوان نیروی برای پیشرفت، عدالت‌خواهی و تقویت هویت اسلامی عمل می‌کند. در این مسیر، سرمایه فرهنگی دیگر ابزاری برای حفظ قدرت‌های حاکم نیست، بلکه به نیروی برای ساخت جامعه‌ای مستقل و عدالت‌محور در راستای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی تبدیل می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۵).

لذا اصول محوری الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی به پنج اصل بنیادین تقسیم می‌شود: اول، تربیت عقلانی که بر تفکر انتقادی و استفاده از عقل برای حل مشکلات جامعه تأکید دارد. دوم، دین‌داری که به عنوان هسته اصلی هویت اسلامی جامعه مطرح است. سوم، خودکفایی علمی و فرهنگی که هدف آن کاهش وابستگی به علوم وارداتی و تأکید بر تولید و بومی‌سازی علم است. چهارم، عدالت اجتماعی که به دنبال فراهم کردن فرصت‌های برابر آموزشی برای همه افراد جامعه و تخصیص عادلانه منابع است. پنجم، خانواده‌محوری که نقش خانواده را در تربیت نسل جدید مهم می‌داند. این اصول در صورتی که به طور صحیح در سیستم آموزشی به کار گرفته شوند، می‌توانند به ایجاد یک جامعه اسلامی مبتنی بر عدالت و خودکفایی کمک کنند. در اینجا به طور مفصل به تبیین هر یک از این اصول و ارتباط آنها با یکدیگر پرداخته می‌شود.

- تربیت عقلانی در این الگو، به جای صرفاً انتقال اطلاعات علمی، بر پرورش افرادی تأکید دارد که قادر به تحلیل مسائل پیچیده و ارائه راه‌حل‌های مناسب با استفاده از تفکر انتقادی باشند. هدف آن است که فرد در مواجهه با اطلاعات مختلف، به طور فعال و با عقل خود به درک عمیق‌تری از مسائل اجتماعی، فرهنگی و دینی دست یابد (عالی، ۲۰۱۸: ۱۰۹).
  - دین‌داری به عنوان هسته اصلی هویت اسلامی در این مدل آموزشی، نه تنها یک اصل فردی بلکه یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی است. هدف این اصل آن است ایمان فردی و اجتماعی را تقویت و نسل جدید را با آموزه‌های دینی خود آشنا گرداند تا در برابر چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مقاومت کند (سیاحی‌زاده فرد، ۱۴۰۳: ۵).
  - اصل «خودکفایی علمی و فرهنگی» بر استقلال علمی و فرهنگی تأکید دارد و به جای وابستگی به علوم وارداتی، تولید علم بومی و متناسب با نیازهای جامعه اسلامی را در اولویت قرار می‌دهد. هدف این اصل، دستیابی به خودکفایی در عرصه‌های علمی و فرهنگی و بومی‌سازی دانش برای تحقق جایگاه جهانی است (نجاتی منظری و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۳۰).
  - عدالت اجتماعی در این مدل آموزشی بر تأمین فرصت‌های برابر برای تمام اقشار جامعه تأکید دارد و هدف آن جلوگیری از محرومیت افراد از آموزش باکیفیت است. این اصل به‌ویژه به اقشار محروم و حاشیه‌نشین توجه دارد و تلاش می‌کند با تخصیص عادلانه منابع، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کاهش یابد (سجودی و همکاران، ۲۰۲۴: ۲۲۶).
  - در این الگو، خانواده به عنوان اولین نهاد تربیتی و آموزشی با همکاری نهادهای آموزشی، نقش کلیدی در تربیت اخلاقی و شکل‌دهی به هویت فرهنگی و دینی نسل جدید ایفا می‌کند. این فرایند به طور همزمان آموزش‌های دینی، فرهنگی و علمی را در خانه و مدرسه به نسل جدید منتقل می‌کند (محمدی و فردین، ۲۰۱۹: ۱۴).
- در مجموع این پنج اصل محوری در کنار هم می‌توانند به طور مؤثر به ایجاد یک جامعه اسلامی مبتنی بر عدالت، خودکفایی، همبستگی اجتماعی و هویت دینی کمک کنند. تحقق این اصول در سیستم آموزشی جامعه می‌تواند تحول چشمگیری در ساختار آموزشی کشور ایجاد کرده و نسل‌های جدید را برای مقابله با چالش‌های جهانی و داخلی آماده کند.

نهادهای آموزشی نقش حیاتی در تحقق بخشیدن به این اصول دارند. معلمان و مربیان باید با درک عمیق از این اصول، آنها را در فرایند آموزشی خود به کار گیرند. این نهادها باید در همکاری با خانواده‌ها و نهادهای دینی، محیط آموزشی مناسب را برای پرورش نسلی با هویت اسلامی، خودکفایی علمی و فرهنگی و آگاهی اجتماعی فراهم کنند. همچنین توسعه نهادهای پژوهشی و سامانه‌های حمایتی می‌تواند به تحقق این اصول کمک کند. ایجاد مراکز علمی و پژوهشی بومی که در آنها تحقیق و توسعه علمی و فرهنگی به طور مستقل انجام شود، می‌تواند به تولید دانش و علمی متناسب با نیازهای داخلی جامعه اسلامی کمک کند (عسکری، الهی منش و پریراد، ۲۰۱۹: ۱۱۷).

با توجه به چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در دنیای کنونی، این الگو می‌تواند به عنوان راهبردی مؤثر برای مقابله با تهدیدات فرهنگی و ساخت تمدنی نوین اسلامی عمل کند. در این شرایط، اجرایی کردن این اصول در نظام آموزشی می‌تواند به تقویت هویت اسلامی و اجتماعی نسل جدید یاری رساند و آنها را برای مقابله با مشکلات جهانی و فرهنگی آماده کند. در نهایت الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی، به عنوان یک طرح جامع، می‌تواند به طور مؤثر برای ایجاد جامعه‌ای پیشرفته، عادلانه و اسلامی عمل کند. اگر این اصول به صورت جامع در سیستم آموزشی کشور عملیاتی شوند، می‌توانند به ایجاد یک جامعه مستقل و توسعه یافته کمک کنند که بتواند با چالش‌های جهانی و اجتماعی مقابله کند.

## ۷. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش درباره الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو، نشان می‌دهند هدف این الگو بازتولید هویت اسلامی و انقلابی در نسل‌های جدید است. در این مسیر، نظام آموزشی تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه به طور فعال در تقویت ارزش‌های فرهنگی، هویت ملی اسلامی و عدالت اجتماعی در جامعه نقش دارد. این رویکرد به دنبال تربیت نسلی است که هم از نظر علمی و فرهنگی مستقل باشد و هم هویت دینی خود را حفظ کند. در نتیجه هدف این الگو آن است که وابستگی به علوم غربی کاهش یابد و فرصت‌های برابر برای همه افراد در آموزش فراهم شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند با تغییرات مناسب

در سیستم آموزشی می‌توان به خودکفایی علمی و فرهنگی رسید و عدالت اجتماعی را در آموزش و پرورش تحقق بخشید.

## ۸. تحلیل ویژگی‌های الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی پیر بردیو، طراحی نظام آموزشی مبتنی بر هویت ملی اسلامی و اصول انقلابی را هدف قرار داده است. این الگو به جای صرف آموزش مباحث دینی، به تربیت انسان‌هایی می‌پردازد که قادر به تفکر انتقادی و تحلیل مسائل اجتماعی، فرهنگی و علمی از منظر اسلامی باشند. در این رویکرد، تربیت عقلانی و ارتقای توانایی تحلیل مسائل دینی و اجتماعی با استفاده از اصول اسلامی، در اولویت قرار دارد. این الگو بر تقویت دین‌داری به عنوان اصل بنیادین برای حفظ هویت دینی و مقابله با تهدیدات فرهنگی و اجتماعی تأکید می‌کند و تولید علم متناسب با نیازهای جامعه اسلامی و کاهش وابستگی به علوم غربی را هدف‌گذاری کرده است. همچنین این سیستم بر بومی‌سازی علم و تقویت نهادهای علمی و پژوهشی داخلی تأکید دارد تا جامعه اسلامی بتواند با حفظ هویت خود در دنیای مدرن پیشرفت کند. به طور کلی این الگو به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن علم و دین به طور متقابل از هم تقویت شوند و نسل‌های آینده بتوانند در عرصه‌های علمی و فرهنگی، با حفظ اصول اسلامی، به ارتقای جامعه کمک کنند.

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، با توجه به نظریه بازتولید فرهنگی پیر بردیو، به دنبال آموزش نسل‌های آینده است تا در دنیای مدرن، هم‌زمان با حفظ هویت اسلامی، توانایی مقابله با چالش‌های جهانی را پیدا کنند. این رویکرد نه تنها بر رقابت در عرصه‌های علمی و فرهنگی تأکید دارد، بلکه به پرورش افرادی متعهد به اصول اسلامی و ساخت آینده‌ای پایدار بر مبنای ارزش‌های اسلامی نیز می‌پردازد. هدف اصلی این الگو ایجاد جامعه‌ای است که در آن علم و دین نه تنها تضادی ندارند، بلکه به یکدیگر کمک می‌کنند. عدالت اجتماعی یکی از ارکان این الگوست که بر فرصت‌های آموزشی برابر برای تمامی اقشار به‌ویژه اقشار محروم، تأکید دارد و به دنبال از بین بردن نابرابری‌های آموزشی است. بر خلاف الگوهای غربی که بر فردگرایی تأکید دارند، این مدل بر

همبستگی اجتماعی و موفقیت جمعی تأکید می‌کند. در این رویکرد، رشد فردی زمانی ارزشمند است که به نفع جامعه باشد و در راستای اهداف اجتماعی و فرهنگی مشترک قرار گیرد و همچنین بر تقویت نهادهای اجتماعی و همکاری جمعی برای ارتقای آگاهی عمومی و فرهنگ جامعه تأکید دارد.

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی همچنین به نقش نهادهای دینی و فرهنگی در فرایند آموزشی توجه دارد. در این مدل، همکاری میان نهادهای آموزشی و دینی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این همکاری می‌تواند به‌ویژه در ترویج اخلاق اسلامی، ارزش‌های اجتماعی و دینی و تبیین جایگاه دین در زندگی فردی و اجتماعی مؤثر واقع شود. بنابراین آموزش نباید تنها به یادگیری مفاهیم علمی محدود شود، بلکه باید به طور جامع بر تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأثیرگذار باشد تا فرد نه تنها از نظر علمی بلکه از نظر اخلاقی و دینی نیز به رشد و تعالی دست یابد. از طرف دیگر این الگو به دنبال ایجاد محیطی آموزشی است که تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی و اجتماعی در آن نه تنها منجر به شکاف و تنش نشود، بلکه به عنوان فرصتی برای غنی‌سازی تجربیات آموزشی و پرورش روحیه همبستگی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. در این الگو، افراد با هر پیشینه فرهنگی و اجتماعی، فرصتی برابر برای آموزش دارند و می‌توانند در محیطی عادلانه رشد کنند. به این ترتیب هر فردی، فارغ از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند نقش مؤثری در ساخت جامعه‌ای اسلامی و پیشرفته ایفا کند. در مقایسه با نظام‌های آموزشی غربی که معمولاً بر فردگرایی، رقابت و تکثرگرایی تأکید دارند، الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی به دنبال ایجاد یکپارچگی و هماهنگی بیشتر در سطح جامعه است. این الگو به جای آنکه افراد را تنها به سوی موفقیت فردی و رقابت با یکدیگر سوق دهد، آنها را به سمت همبستگی و موفقیت جمعی هدایت می‌کند. به عبارت دیگر، در این مدل، موفقیت فردی تنها زمانی ارزشمند است که به موفقیت جمعی و بهبود وضعیت کلی جامعه کمک کند. این رویکرد می‌تواند در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی باعث تقویت انسجام اجتماعی شود و شکاف‌های موجود در جامعه را کاهش دهد.

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی همچنین به بازنگری در محتوای آموزشی و ساختار نظام آموزشی تأکید دارد. در این مدل، ضروری است محتوای آموزشی با نیازهای فرهنگی و دینی جامعه

اسلامی هم‌افق شود. این همسویی نه‌تنها به برطرف‌کردن چالش‌های روز جامعه اسلامی کمک می‌کند، بلکه از طریق ارتقای محتوای آموزشی که ارزش‌های دینی را در خود گنجانده است، نسلی متعهد و آگاه تربیت می‌شود. این امر به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی بسیار مهم است؛ زیرا این علوم باید با دیدگاه اسلامی و بومی تدریس شوند و از نظریه‌ها و مدل‌های غربی که با ارزش‌های اسلامی همخوانی ندارند، اجتناب شود. درنهایت الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی به عنوان یک طرح جامع و مؤثر برای تحول نظام آموزشی کشور مطرح می‌شود. این الگو در پی ایجاد بستری است که در آن نسل جدید نه‌تنها از نظر علمی بلکه از نظر فرهنگی و دینی نیز آماده باشد تا در مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی و تمدن‌نویین اسلامی گام بردارد. در شرایط کنونی که جوامع اسلامی با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی فراوانی مواجه‌اند، این الگو می‌تواند به عنوان نقشه‌راهی برای ایجاد جامعه‌ای پیشرفته، عادلانه و اسلامی عمل کند.

## نتیجه‌گیری

این پژوهش به طور کلی بر این نکته تأکید دارد که الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، با تکیه بر نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو، در پی شکل‌دهی هویت اسلامی و انقلابی در نسل‌های آینده است. با تحلیل اسناد بالادستی و بیانیه‌ها به‌ویژه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مشخص می‌شود که نظام آموزشی نه‌تنها به انتقال دانش می‌پردازد، بلکه در بازتولید فرهنگ و ایدئولوژی انقلاب اسلامی نیز نقش اساسی ایفا می‌کند. این الگو به‌ویژه بر تربیت نسلی متعهد به اصول اسلامی و انقلابی تأکید دارد که نقش مهمی در شکل‌دهی هویت فردی و اجتماعی نسل‌های آینده خواهد داشت. همچنین ویژگی‌های این الگو، مانند تربیت عقلانی، خودکفایی علمی و فرهنگی و عدالت اجتماعی، زمینه‌ساز توسعه یک سیستم آموزشی است که از وابستگی به علوم غربی رها شده و قادر به مقابله با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی عصر حاضر باشد. این ویژگی‌ها، در مواجهه با جهانی‌شدن، به عنوان الگویی مقاومتی در جهت حفظ هویت اسلامی و تقویت فرهنگ بومی عمل می‌کنند.

با این حال در مسیر عینیت‌بخشی به این الگو با چالش‌هایی همچون کمبود منابع مالی، عدم

هماهنگی میان نهادهای آموزشی و مقاومت‌های فرهنگی و اجتماعی روبه‌رویم. این پژوهش بر اهمیت ایجاد تغییرات ساختاری و مدیریتی در سیستم آموزشی تأکید دارد و به این نتیجه می‌رسد که با اصلاحات اساسی و تلاش‌های مشترک در زمینه سیاست‌گذاری آموزشی، می‌توان به نسل آینده‌ای تربیت‌شده در راستای آرمان‌های اسلامی و انقلابی دست یافت. در مجموع این الگو می‌تواند به شکل‌گیری نسلی متعهد و متخصص که به اصول انقلاب اسلامی پایبند است، کمک کند. با اجرای چنین الگویی، جامعه قادر خواهد بود هویت اسلامی خود را در برابر تهدیدات فرهنگی و اجتماعی حفظ کند و از ظرفیت‌های داخلی برای مقابله با چالش‌ها استفاده کند. این نسل همچنین می‌تواند با به‌کارگیری تخصص‌های علمی خود، به استقلال علمی کشور کمک کند و از وابستگی‌های فرهنگی و علمی به غرب بکاهد. در نهایت این الگو می‌تواند به تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی یعنی تربیت نسلی متعهد به آرمان‌ها و هدف‌های اسلامی منجر شود.

## پیشنهادها

برای اجرایی‌شدن این الگو پیشنهاد می‌شود اصلاحات در سیستم آموزشی به طور جدی و عملی آغاز شود. دولت و نهادهای آموزشی باید به طور هماهنگ سیاست‌های آموزشی را بازنگری کنند تا از انطباق کامل با ارزش‌های اسلامی و انقلابی اطمینان حاصل شود. علاوه بر این باید در سطح مدارس و دانشگاه‌ها برنامه‌های آموزشی مبتنی بر اصول اسلامی و انقلابی طراحی شود؛ همچنین برای موفقیت این برنامه‌ها، باید معلمان و استادان در دوره‌های آموزشی ویژه‌ای شرکت کنند که در آنها هم‌دانش تخصصی و هم آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی ارائه شود.

### ۱. راهکارهای عملی برای اجرایی‌سازی الگوی پیشنهادی

برای اجرایی‌کردن این الگو باید یک سیستم نظارتی و ارزیابی کارآمد ایجاد شود. این سیستم می‌تواند با کمک نهادهای دولتی و خصوصی بر روند اجرای این تغییرات نظارت کند و از تأثیرات آن در جامعه مطمئن شود. همچنین دوره‌های آموزشی برای معلمان و استادان باید به طور مستمر برگزار شود تا آنها بتوانند با شیوه‌های نوین تدریس و روش‌های آموزشی جدید آشنا شوند. علاوه بر این باید

---

توجه ویژه‌ای به تربیت نسل‌های آینده از طریق خانواده‌ها و نهادهای مردمی معطوف شود تا آموزش‌ها تنها به سیستم‌های دولتی محدود نشود.

## ۲. پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران آموزشی، معلمان و خانواده‌ها

پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران آموزشی به طور جدی و خاص به نیازهای فرهنگی و دینی نسل‌های آینده توجه کنند و برنامه‌ها و سیاست‌ها را بر اساس این نیازها طراحی کنند. معلمان نیز باید از برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای برخوردار شوند که آنها را به شیوه‌های جدید آموزشی و تربیتی آشنا کند. علاوه بر این خانواده‌ها نیز باید در تربیت نسل‌های آینده نقش مهمی ایفا کنند و آموزش‌های اخلاقی و دینی را در کنار آموزش‌های تخصصی به فرزندان خود ارائه دهند.

## ۳. پیشنهاد برای ادامه پژوهش در زمینه‌های مرتبط

- تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تأثیر آنها بر نظام‌های آموزشی در سطح جهان؛
- آینده‌پژوهی توسعه بومی‌سازی علوم انسانی و اجتماعی با تأکید بر تفکر انتقادی اسلامی؛
- بررسی نهادهای علمی و پژوهشی برای تقویت خودکفایی علمی؛
- بررسی تأثیر بومی‌سازی علوم بر بازتولید سرمایه فرهنگی در نظام آموزشی ایران.

## منابع

- برهنمن (۲۰۱۸). تبیین و نقد اهداف تربیت فرهنگی بورديو (بر اساس دیدگاه‌های امام خمینی (ره)). پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶ (۳۸)، ۷۷-۱۰۴.
- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۲۰۲۰). سند استراتژیک برای آینده انقلاب اسلامی. تهران: دفتر نشر معارف.
- خامنه‌ای، س.ع (۱۳۸۰). ولایت فقیه و تحولات اجتماعی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، س.ع (۱۳۹۸). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر مقام معظم رهبری.
- خامنه‌ای، س.ع (۱۳۹۹). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- سجودی، عادل، نیازی، و نقی‌پور ایوکی (۲۰۲۴). فراتحلیل مطالعات رابطه سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی در ایران (با تأکید بر متغیر تعدیل‌گر گروه سنی). دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/ نامه صادق)، ۳۱ (۱)، ۲۳۶-۲۰۹.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۲۰۱۶). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- سیاحی‌زاده فرد، سیدحسینعلی (۱۴۰۳). تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش کشور؛ وضعیت‌سنجی، چالش‌ها و الزامات سیاستی. گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۳۲ (۷)، ۱-۱۰.
- عالی (۲۰۱۸). بورديو و تحلیل مسائل اجتماعی در پژوهش تربیتی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۴ (۹۶)، ۱۱۷-۱۰۵.
- نجاتی منطری، عباس، سعیدی، جوادی حمید، و داودی، علی‌اصغر (۲۰۲۵). بازنمایی هویت در گفتمان اسلام سیاسی نوگرا پس از انقلاب اسلامی ایران. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، ۳ (۵)، ۱۳۹-۱۲۲.
- عسکری، الهی‌منش و پریرزاد (۲۰۱۹). مقایسه سیاست‌گذاری آموزشی ایران و ژاپن در مقطع ابتدایی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۹ (۳۰)، ۱۱۳-۱۳۲.

محمدی، و فردین (۲۰۱۹). دیدگاه بوردیو در باب میدان آموزش: فراسوی دیدگاه‌های تضاد و کارکردگرایی. پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۹ (۱)، ۵-۲۵.

مطهری، م. (۱۳۶۵). عدالت اجتماعی در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

منصوری، آرمین، سلیمانی خشاب، عباسعلی و علم‌الهدی، سیدعبدالرسول (۲۰۲۲). ارزیابی و نقش هویت‌های دینی و ملی در هویت انقلابی دانش‌آموزان نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۲ (۲۶)، ۲۹۳-۳۲۳.

مؤید حکمت (۲۰۱۳). درآمدی بر رویکرد روش‌شناختی پیر بوردیو به مفهوم سرمایه فرهنگی. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۴ (۱)، ۱۵۵-۱۷۸.

نوغانی، محسن (۲۰۰۴). آموزش و پرورش و بازتولید فرهنگی. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۲.

Bourdieu, P. (۱۹۷۷). *Reproduction in education, society and culture*. Sage Publications.

Sahlberg, P. (۲۰۱۱). *Finnish Lessons: What Can the World Learn from Educational Change in Finland?* Teachers College Press.

Tsuneyoshi, R. (۲۰۱۳). *Japanese model of schooling. Comparisons with the US*. Routledge.

Bourdieu, P. (۱۹۹۰). *The Logic of Practice*. Stanford University Press.

Bourdieu, P., & Passeron, J. C. (۱۹۹۰). *Reproduction in education. society and culture*, (Vol. ۴). Sage.

Bourdieu, P. (۱۹۸۶). The forms of capital. *Handbook of theory and research for the sociology of education*, Greenwood.



## سبک زندگی سیاسی دیپلمات شهید انقلاب اسلامی در دیپلماسی مقاومت

عباسعلی رهبر\*<sup>۱</sup>

### چکیده

سیاست خارجی هر کشوری نشان‌دهنده موضع آن کشور و نشئت گرفته از قانون اساسی و هویت آن کشور است. بعد از انقلاب اسلامی، شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» مطرح گردید و باب جدیدی را در استراتژی جهان اسلام گشود و توانست دیپلماسی مقاومت هوشمند را تولید نماید. در همین ارتباط سبک زندگی دینی یکی از مفاهیم بنیادین زندگی انسان است که نقشی مهم و تأثیرگذار در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، از جمله عملکرد شغلی دارد. هدف از این مقاله خوانش سبک زندگی سیاسی دیپلمات شهید انقلاب اسلامی در دیپلماسی مقاومت است. سؤال اصلی مقاله نیز در مورد چیستی منظومه سبک زندگی سیاسی دیپلمات شهید جهت تقویت دیپلماسی مقاومت است که این فرضیه اصلی مطرح می‌شود منظومه

۱. استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (aa.rahbar@atu.ac.ir).

---

سبک زندگی سیاسی دیپلمات شهید برای ارتقای دیپلماسی مقاومت مبتنی بر دو عامل پیوند دیپلماسی - میدان و دیپلماسی - اخلاق با تأثیر از ارزش‌های انقلاب اسلامی، مقاومت اسلامی و فضایل شخصیتی وزیر شهید در دولت شهید رئیسی بوده است. روش مقاله نیز با هدف کاربردی و از نوع کیفی با رویکرد تفسیری و همچنین با استفاده از روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای است که به بازتاب رسانه‌ها در مورد موضوع مقاله می‌پردازد.

#### کلیدواژه‌ها:

دیپلماسی مقاومت، اخلاق، سیاست، سبک زندگی.

سیاست خارجی هر کشوری نشان‌دهنده موضع آن کشور و نشئت گرفته از قانون اساسی و هویت آن کشور است. بعد از انقلاب اسلامی شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» مطرح گردید و باب جدیدی را در استراتژی جهان اسلام گشود که به معنای انزوای ایران از جهان نیست، بلکه به معنای مشخص‌بودن مرزها و حریم واقعی ملت ایران است. امروز به واسطه شرایط جدید جامعه بین‌الملل، عرصه دیپلماسی سیاست خارجی به عرصه مبارزه تبدیل شده است که در این جبهه خطیر برای تأمین منافع ملی و حفظ استقلال و عزت کشور باید با روحیه‌ای انقلابی و پافشاری بر نظام معنایی اسلام حقیقی و تأکید بر هویت اسلامی و حسن ظن به وعده‌های الهی و اتصال به قدرت بی‌نظیر نیروی مردمی و خوداتکایی، لزوم تشکیل ائتلاف و واکنش سریع، رویکرد حکیمانه و عزت‌مدارانه به مسائل جبهه مقاومت داشته باشیم که برای نیل به این مقصود، توجه و بهره‌گیری از رهنمودهای هوشمندانه مقام معظم رهبری به عنوان مفسر آموزه‌های انقلاب و مبین قدرت نرم جبهه مقاومت ضروری به نظر می‌رسد.

ایشان در همین اتفاقات اخیر منطقه‌ای اشاره داشتند که یکی از کارهای مهمی که [عملیات] طوفان الاقصی انجام داد، این بود که نشان داده شده چگونه یک گروه اندک - اینها در مقابل آنها کم‌اند دیگر؛ تعدادشان کمتر است - با تدارکات و امکانات بسیار کم اما با ایمان و عزم راسخ می‌توانند محصول سال‌ها تلاش جنایت‌کارانه دشمن را در ظرف چند ساعت دود کنند و به هوا بفرستند؛ می‌تواند دولت‌های متکبر و مستکبر عالم را تحقیر کند. فلسطینی‌ها هم رژیم غاصب را هم پشتیبانان رژیم غاصب را تحقیر کردند با عمل خودشان، با شجاعت خودشان، با اقدام خودشان و امروز با صبر خودشان. این یک درس بزرگ است. البته این جنایت‌ها بشریت را تکان داد، همه را تکان داد (درس بزرگ طوفان الاقصی به روایت رهبر انقلاب، ۱۴۰۲/۸/۱۰، در: [farhikhtegandaily.com](http://farhikhtegandaily.com)).

در ادامه ضمن بیان مفاهیم مهم به بخشی از سیاست خارجی دولت سیزدهم و حمایت از محور مقاومت و عرصه سبک زندگی دیپلماتیک شهید مجاهد دیپلمات مرحوم دکتر امیر عبداللہیان با بهره‌مندی از جمع اولیه از نظرات کارشناسان و دیپلمات‌هایی که با دستاوردهای مهم ایشان در عرصه دیپلماسی مقاومت آشنا بودند، اشاره می‌کنم.

لازم است یادآوری شود امیرعبداللہیان در سال ۱۳۷۱ وارد وزارت امور خارجه شد. وی ابتدا به عنوان کارشناس سیاسی اداره اول خلیج فارس مشغول به کار شد. این شهید دیپلمات سال ۸۶ بالاترین پست خود را در وزارت خارجه آن زمان دریافت کرد و سفیر ایران در بحرین شد. سپس در سال ۸۹ نیز به عنوان مدیر کل حوزه خلیج فارس وزارت امور خارجه برگزیده شد که پست حساسی نیز محسوب می‌شود. شهید امیرعبداللہیان در سال ۱۳۹۰ توانست معاونت عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه را در دست بگیرد و در سال ۱۴۰۰ وزیر خارجه دولت شهید رئیسی گردید.

## ۱. نظام مفهومی

### الف) سبک زندگی سیاسی

«سبک» در لغت به معنای شیوه‌های متمایز در انجام دادن کارها، شیوه یا آداب رفتاری متمایز است. معنای لغوی واژه «سبک زندگی» به چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسان‌ها چه فردی و چه گروهی تعریف شده است که مشتمل بر اشکال حیات فردی و اجتماعی است. بی‌تردید سبک زندگی دینی یکی از مفاهیم بنیادین زندگی انسان است که نقشی مهم و تأثیرگذار در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، از جمله عملکرد شغلی، دارد. در سال‌های اخیر تأثیر سبک زندگی دینی بر عملکرد شغلی به موضوعی پر مباحثه در پژوهش‌ها تبدیل شده و برخی مطالعات بر تأثیر مستقیم سبک زندگی دینی یا اثر آن بر متغیرهای میانجی بر عملکرد شغلی تأکید دارند. یافته‌ها نشان دادند سبک زندگی دینی با تأثیر بر انگیزه، خودنظارتی، مشارکت، وجدان کاری و سرمایه اجتماعی می‌تواند بر عملکرد شغلی تأثیرگذار باشد. با این حال این رابطه پیچیده و چندوجهی است و از عواملی چون تعدیل‌کننده‌های مختلف اثر می‌پذیرد (عابدی جعفری و صالحیان، ۱۴۰۳: ۳۷).

در بیشتر نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی سبک زندگی، به آرمان و اهداف فردی و اجتماعی مردم که پشتوانه سبک زندگی آنان است، توجه نشده یا کمتر توجه شده است؛ اما بررسی سبک زندگی بر اساس آموزه‌ها و جهان‌بینی اسلامی نمی‌تواند نسبت به اهداف و آرمان‌های فردی و اجتماعی بی‌تفاوت باشد. نتیجه اینکه سبک زندگی اسلامی دارای یک آرمان و تعدادی هدف است. اهداف زندگی خود بر دو نوع خرد و کلان و وسیله‌ای و نهایی (آرمان) قابل تقسیم‌اند. آرمان زندگی

در قرآن بر اساس تفسیرهای مختلف یکی از سه مورد زندگی پاکیزه، عبودیت و عبادت می‌تواند باشد که به نظر می‌رسد همه آنها بیان‌کننده یک چیزند (کافی، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

سبک زندگی سیاسی «در اصطلاح مجموعه‌ای نظام‌مند از شیوه‌های مواجهه خاص با مهم‌ترین وظایف زندگی در حیطه زندگی سیاسی است که به منظور نیل به اهداف سیاسی حاصل از باورهای اثرپذیرفته از عواطف و شرایط محیطی شکل می‌گیرد» شیوه خاص مواجهه با مهم‌ترین وظایف زندگی در حیطه زندگی سیاسی است که به منظور نیل به اهداف سیاسی حاصل از باورهای اثرپذیرفته از عواطف و شرایط محیطی شکل می‌گیرد. نهادینه شدن یک «سبک زندگی سیاسی» به عنوان فرهنگ غالب، علاوه بر عوامل فاخر بینشی، عاطفی و مقتضیات شرایط منوط به برخورداری از مؤلفه‌های سبک‌ساز است (عنوانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۴).

### مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک‌ساز در ساحت زندگی سیاسی

مؤلفه‌های متعددی در ارتقای شیوه و سیره زندگی و تبدیل آن به سبک در ساحت‌های مختلف زندگی دخیل‌اند. برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- قانونمندی و برخورداری از ساختاری متحد و منسجم؛
- خودانگیختگی و خلاقیت؛
- ابداع‌های تسهیل‌کننده دسترسی به اهداف؛
- پویایی و اجتناب از انفعال؛
- قربت سبک با فطرت انسانی (عنوانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۶-۵۷)؛
- ساختارشکنی و قاعده‌افزایی (مایر، ۱۳۸۷: ۲۳۲).

### ب) مقاومت اسلامی

مقاومت اسلامی از بنیان‌های فلسفی واقع‌گرایی انتقادی (رک: سوری، ۱۴۰۳) برخوردار است؛ به این معنا که این جهان‌بینی مبتنی بر نقد وضع موجود و تلاش برای نظم مطلوب است. در این راستا جهان‌بینی مقاومت اسلامی علی‌رغم پذیرش برخی از واقعیت‌های موجود در روابط بین‌الملل،

خواهان تجدیدنظرطلبی در بنیان‌های نظم موجود است که وجوه آن را می‌توان ضدیت با هژمون، عدالت‌طلبی، استکبارستیزی خلاصه کرد. در مقاومت اسلامی با وجود پذیرش موازینی چون مرزهای بین‌المللی و شناسایی موجودیت دولت‌ها به عنوان کنشگران اصلی نظام بین‌الملل، ساختار حاکم که مبتنی بر هژمونی است، مورد انتقاد است. همان‌طور که در بحث قبل اشاره شد، مقاومت اسلامی فراتر از ساختار موجود نظام بین‌الملل رفته و اساساً نظم مبتنی بر این ساختار را به چالش می‌کشد. بر این اساس نظم مطلوبی را جست‌وجو می‌کند که پایه‌های آن مبتنی بر اصولی چون عدالت، برابری، فقدان ظلم و معنویت‌گرایی است. در این نظم مطلوب تعالی‌گرایی مهم‌ترین هدفی است که دنبال می‌شود. در جهان‌بینی مقاومت اسلامی، مقاومت در برابر ظلم نباید در مرزهای ملی متوقف شود. این نوع مقاومت در برابر هر گونه استبداد و عدالت‌خواهی وظیفه‌ای دینی است.

بر همین مبنای آموزه مقاومت اسلامی نیز معطوف به تحقق چشم‌اندازی روشن از جهان بر مبنای رهایی است. مقاومت اسلامی چشم‌انداز روشن و امیدوارکننده‌ای از آینده جهان ارائه می‌دهد و سرنگونی نظام سلطه کنونی و برپایی حکومت عدل جهانی را امری اجتناب‌ناپذیر و حتمی‌الوقوع قلمداد می‌کند. باید توجه داشت که اسلام بر خلاف نظریه انتقادی هدایت انقلاب رهایی‌بخش را تماماً به کارگزاری انسان‌ها و انباده است که با سرگرم شدن آنان به لذات کاذب همه امید رهایی از بین برود، بلکه رهایی‌بخشی برنامه از پیش تعیین شده خداوند به عنوان فعال مایشاء عالم هستی برای فرجام کار جهان محسوب می‌شود و اراده قاهر او پشتوانه اجرای این برنامه است. قطعی بودن حاکمیت بندگان صالح در پایان تاریخ و غلبه جریان حق بنا به خواست خداوند در دو آیه ذیل از قرآن کریم تصریح شده است: «لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) یکی از بارهای معنایی «مقاومت» عدم انحراف و پیروی از حق و عدالت است. همان‌طور که در این آیات اشاره شده است: «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا...» و در راه خدا با کسانی که با شما سر جنگ دارند، کارزار کنید، اما تعدی روا مدارید...» (بقره: ۱۹۰).

نتایج تحلیل مضمون مقاومت مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نشان داد که الگوی مقاومت اسلامی مشتمل بر پنج بُعد یا حیظه و ۲۷ مؤلفه است: بعد معنویت‌گرایی و تکلیف‌محوری دربرگیرنده پنج مؤلفه است: ایمان و انس با قرآن در اجتماع؛ تکلیف‌گرایی به جای نتیجه‌گرایی؛ عزم و

اراده جدی در راستای عزت‌مندی؛ تعالی خواهی فرامادی؛ باور به فرهنگ و هویت اسلامی. بعد وحدت مسلمین و همگرایی در جهان اسلام دربرگیرنده آگاهی سیاسی و انسجام دینی، مقابله با توطئه و تکفیر، امت‌گرایی در جهان اسلام، بیداری اسلامی، تقریب مذاهب است. بعد تقویت بنیه و دانش دفاعی - نظامی سه مؤلفه خوداتکایی و واجب‌بودن اقتدار نظامی و توان بازدارندگی، مقابله با جنگ نامتقارن و تهدیدات نرم، آمادگی همه‌جانبه، پیشرفت تسلیحات نظامی و ارتقای دانش دفاعی را در بر می‌گیرد. بعد تحریم همه‌جانبه رژیم صهیونیستی دربرگیرنده يك مؤلفه بوده که شامل فشارهای همه‌جانبه علیه رژیم صهیونیستی می‌گردد (نوری گلجایی و سپهر، ۱۴۰۳: ۱۱۶).

### ج) دیپلماسی مقاومت

جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش داشته است با تأکید بر وجوه همگرایانه برای مقابله با رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن مشترک جهان اسلام، به الهام‌بخشی جنبش‌های اسلام‌گرا و پشتیبانی از گروه‌های هم‌راستا در غرب آسیا مبادرت نماید و این حمایت، طیفی از همکاری‌های مادی و فنی تا حمایت‌های معنوی را در بر می‌گیرد که از آن با عنوان «دیپلماسی مقاومت» یاد می‌شود.

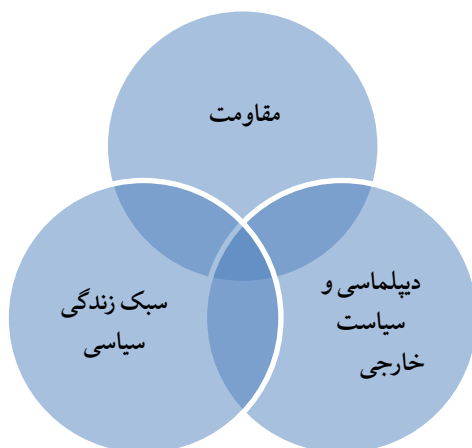
مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی ایران دارای دو وجه سلبی و ایجابی است. مهم‌ترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه‌ستیزی است و دوم نفی استکبار و استبدادستیزی است. در مقابل وجوه ایجابی آن ناظر بر مفاهیمی چون عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی و معنویت‌گرایی است (ر.ک: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱).

جمهوری اسلامی ایران در «دیپلماسی مقاومت» با تأکید بر شبکه‌سازی رسمی و غیررسمی برای تقویت محور «مقاومت» در راستای اصول و مبانی برآمده از اسلام، قانون اساسی و اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، اولویت را به مسئله فلسطین داده و از اقدام گروه‌های مبارز فلسطینی در مقابله با رژیم اشغالگر قدس فارغ از افتراقات مذهبی و اختلافات روشی حمایت می‌کند. درواقع رویکرد جمهوری اسلامی ایران در «دیپلماسی مقاومت» بر «وحدت در عین کثرت» به معنای

حمایت از آرمان و راهبرد گروه‌های «مقاومت» فلسطینی در مبارزه با رژیم صهیونیستی به رغم اختلاف در شیوه‌ها و تاکتیک‌ها استوار است (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۸: ۲۷).

جنگ و دیپلماسی، دو ابزار مدیریت قدرت در عرصه بین‌المللی به شمار می‌روند. روشن است که دیپلماسی ابزاری است که با پشتوانه مولفه‌های قدرت می‌تواند تثبیت و تحصیل منافع ملی را به دنبال داشته باشد. یکی از مهم‌ترین منابع قدرت که پشتوانه دیپلماسی قرار می‌گیرد، قدرت معنایی و گفتمانی است. مقاومت اصلی‌ترین گفتمان جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و فرامنطقه‌ای است و دیپلماسی مقاومت با پشتوانه قدرت این گفتمان به دنبال تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی در تحولات مختلف بین‌المللی است (ر.ک: نیک‌سیرت و کولیوند، ۱۴۰۱).

دولت‌ها همواره سعی می‌کنند در سیاست خارجی خود، آن جهت‌گیری را برگزینند که تأمین‌کننده حداکثر منافع ملی و امنیتی برای آنها باشد. جمهوری اسلامی ایجاد و حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی پایدار و حقیقی را منوط به اتخاذ و کاربست جهت‌گیری و گفتمان مقاومت در سیاست خارجی خود و در قالب پارادایم برخورد با سلطه می‌داند؛ جهت‌گیری مقاومت در قالب پارادایم برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از متن اسلام ناب محمدی و با هدف غرب‌زدگی‌زدایی از مناسبات قدرت و سیاست بین‌الملل نظریه‌پردازی شده است. مهم‌ترین هدف جمهوری اسلامی ایران، از اتخاذ جهت‌گیری مقاومت در سیاست خارجی، تأمین امنیت هستی‌شناختی و حفظ و تداوم هویت انقلابی-اسلامی، استقلال‌طلبی، سلطه‌ستیزی، صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی می‌باشد. بر این اساس سیاست خارجی ایران، بیش از آنکه هدف‌محور باشد، رسالت‌محور است و از منطق تناسب و اقتضا به جای منطق نتایج پیروی می‌کند (جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۷).



## ۲. سیاست خارجی دولت سیزدهم و حمایت از محور مقاومت

شهید امیرعبداللهیان در همایش دیپلماسی مقاومت اشاره کرد که در مسیر دیپلماسی مقاومت از موضوع فلسطین عقب‌نشینی نخواهیم کرد و همان طور که برادر عزیزمان حسین شیخ‌الاسلام عمر خود را وقف مقاومت و آزادی قدس شریف کرد، با هدایت خردمندانه مقام معظم رهبری تا تشکیل دولت واحد فلسطین در سراسر سرزمین فلسطین به پایتختی قدس شریف این راه را ادامه خواهیم داد. دکتر امیرعبداللهیان همچنین تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران در مسیر دیپلماسی و مذاکره ثابت‌قدم است و ما با حفظ منافع ملی کشور همچنان به تلاش‌هایمان برای جمع‌بندی مذاکراتی که ماه‌ها درگیر آن بودیم، ادامه می‌دهیم (وزارت خارجه، ۱۴۰۱).

در تحلیل شورای آتلانتیک در مورد عملیات طوفان الاقصی آمده است که درگیری طوفان الاقصی ضربه‌ای به مذاکرات جاری بین اسرائیل، عربستان سعودی و ایالات متحده درباره یک توافق عادی‌سازی شکل خواهد داد. تحلیل‌گران معتقدند اگر حماس مورد حمایت ایران تلاش می‌کرد این مذاکرات را از مسیر خود خارج کند، «باعث شد». چرا؟ چون اسرائیل غزه را با حضور بی‌سابقه و محدودیت‌های خفه‌کننده محصور خواهد کرد. این خط پایه جدیدی خواهد بود که ریاض اکنون باید از طریق آن درباره «مسیر رو به جلو» فلسطینی‌ها که آنها بر آن اصرار داشتند، مذاکره کند (شورای اتلانتیک، ۲۰۲۳).

اما نکته مهم همراهی و کمک کامل دولت سیزدهم یعنی دولت شهید آقای دکتر رئیسی و وزیر شهید امور خارجه دکتر امیرعبداللهیان به جبهه مقاومت بوده است که دو راهبرد مهم را مد نظر داشتند: اول توجه به آرمان‌گرایی و واقع‌بینی یعنی این انقلاب آرمان‌هایی دارد که به صورت واقع‌بینانه پیگیری می‌شوند. دوم تقید به راهبرد هوشمندانه در سیاست خارجی جبهه مقاومت بود که مبتنی بر مدیریت جهادی حکیمانه، تثبیت مرزبندی با دشمن و نگرش و بینش و رفتار حکیمانه و مصلحت‌جویانه با تراز منظومه مقاومت هوشمند و عزت مردم سرزمین‌های اسلامی بوده است.

در گزارش خبری صداوسیما ذکر شده که شهید آقای دکتر حسین امیرعبداللهیان در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در دفاع از برنامه‌های خود برای تصدی وزارت امور خارجه گفت: منطق عاشورا و پیام کربلا نشان می‌دهد دیپلماسی و میدان دو بازوی محقق‌کننده منافع و امنیت ملی‌اند. ما در وزارت امور خارجه اولاً مذاکره را ابزاری از دیپلماسی می‌دانیم و از میز مذاکره منطقی و توأم با اقتدار و حکمت فرار نخواهیم کرد، با مذاکره‌ای همراه خواهیم شد که فرسایشی نباشد و تأمین‌کننده منافع ملت ایران باشد.

با شهادت آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور فقید و شهید جمهوری اسلامی ایران و شهادت امیرعبداللهیان «که در توصیف ایشان مقام رهبری از وزیر خارجه پرکار، فعال، با ابتکار، مذاکره‌کننده قوی و باهوش و همچنین پایبند به مبانی و اصول» نام می‌برد، اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان با ارسال پیام‌های تسلیت، خود را همدرد و عزادار عزای ایرانیان اعلام نمودند. ترجیح‌بند پیام‌های تسلیت، اذعان و اعتراف جهان به صلح‌دوستی، نقش‌سازنده، طینت پاک و نقش وی در توسعه و تقویت روابط کشورهای دنیا با ایران بود. واکنش‌های بین‌المللی به سانحه ناگوار سقوط بالگرد رئیس‌جمهور و شهادت آیت‌الله رئیسی و همراهان به خوبی قدرت و عظمت و عزت ایران را در چشم جهانیان نمایان کرد. حجم عظیم همدردی‌ها با غم ایران و نشان‌دهنده امتیاز درخشان این دو شهید و مجموعه سیاست خارجی دولت سیزدهم در تعامل سازنده با دنیا و همچنین نمایش عزت و اقتدار ایران در دوران کوتاه سه‌ساله دولت سیزدهم بود.

مقام معظم رهبری با اشاره به تحرک دولت در باب سیاست خارجی اشاره کردند که تحرک بسیار خوبی است. این سیاستی که شما [دولت سیزدهم] اتخاذ کرده‌اید که عبارت است از ارتباط با

همسایگان، بسیار سیاست خوبی است... یا ارتباط با همه دولت‌هایی در دنیا که مایل به ارتباط با ما هستند، با یک استثنای محدودی که حالا مشخص است. ارتباط با قاره‌های مختلف، آمریکای جنوبی، آفریقا، آسیا، شرق آسیا، همه جا (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۴۰۲/۶/۸).

علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی پیشین معتقد است در رأس شهدای اخیر، شهید رئیسی، رئیس‌جمهور خدوم کشور، است که دارای شخصیتی با ویژگی‌های ممتاز از قبیل نجابت، تواضع، مردمی‌بودن، ساده‌زیستی، اخلاق‌مداری و دین‌باوری بود. وی همچنین می‌گوید اما عزیز دیگری از شهدای همراه که با ایشان انسی فراوان داشتم، شهید دکتر امیرعبداللهیان است که در سفری به عراق به عمق درایت، بینش و فهم عمیق ایشان از مسائل منطقه بردم و تصمیم گرفتم در برگشت از وجودشان در مراتب بالاتر استفاده کنم. یکی از ویژگی‌های بارز شهید به اعتبار سوابقشان توأم نمودن تجارب میدان و دیپلماسی بود. امیر عزیز ما در هر دوره و در هر مسئولیتی که داشت، با اخلاص و صداقت و با درایت و توکل کارها را پیش می‌برد (ر.ک: صالحی، ۱۴۰۳/۳/۴ در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/۲۰۲۲۵۲>).

مهم‌ترین مؤلفه‌های کارنامه سیاست خارجی شهید آقای رئیسی عزیز و شهید ارجمند آقای امیرعبداللهیان تلاش در حفظ اقتدار ایران، توازن در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، هماهنگی با سیستم و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود بود. امیرعبداللهیان زمانی سکان‌دار وزارت خارجه شد که ایران هم به لحاظ منطقه‌ای و هم به لحاظ بین‌المللی منزوی بود و با برخی کشورها روابط قطع یا پرتنش بود (ر.ک: دیپلماتی اخلاق‌مدار در چارچوب اقتدار و عزت ایران ۱۴۰۳/۳/۵، در: [irdiplomacy.ir](http://irdiplomacy.ir)).

دکتر حسین امیرعبداللهیان فردی از عرصه دانشگاه بود که در فضای کنش دیپلماتیک و پیگیری منافع راهبردی ایران شخصیتی کارساز، هدفمند و پرتلاش داشت. الگوی کنش شهید امیرعبداللهیان در وزارت خارجه مبتنی بر الگوی جمع‌گرایانه بود و به همین سبب در عرصه کنش بین‌الملل رویکرد تحرک دیپلماتیک و تش‌زدایی از طریق سیاست قدرت را اتخاذ کرد و سبک فعالیت دکتر امیرعبداللهیان در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی بر اتخاذ الگوی همکاری سازنده مبتنی بود (snn.ir/۰۰۴oXw).

### ۳. شهید خدمت و سبک زندگی دیپلمات شهید در دیپلماسی مقاومت

با توجه به گفتمان انقلاب اسلامی و اهداف فراملی جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری نقش مؤثری در تعریف از مبانی شناختی و استعاره‌های ساختاری برآمده از مکتب اسلام اصیل در جهت تبیین دیپلماسی مقاومت از طریق ارتباطی هدفمند، پایدار و سازنده با مردم مسلمان منطقه و جهان اسلام دارد. معظم‌له در جهت ترویج ارزش‌ها و فعال‌سازی مولفه‌های قدرت هوشمند در چارچوب مقاومت فراملی با تأکید بر دکترین دفاعی، زمینه صدور معنوی انقلاب اسلامی، تولید قدرت نرم، تأمین و ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و بیداری اسلامی در میان امت اسلامی و سایر مستضعفان جهان را فراهم آورده است. بر اساس آن، زبان دیپلماسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل هویت می‌یابد که با راهبرد دفاع آینده‌نگر، بر عزت و اقتدار، استقلال و امنیت، صلح پایدار و ثبات و نظم نوین منطقه‌ای تأکید دارد (صادق‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۵۳) و شهید حسین امیرعبداللهیان نیز با تاسی به دیپلماسی مقاومت نقش مهمی در تقویت آن در منطقه غرب آسیا داشتند. با روی کار آمدن دولت سیزدهم او در سال ۱۴۰۰ توسط شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی به عنوان وزیر امور خارجه انتخاب شد. شهید امیرعبداللهیان در کاری که انجام می‌داد، افق و چارچوبی داشت. به همین جهت هم هیچ‌گاه به حاشیه‌ها توجه نکرد و مستقیم به سمت تحقق اهداف در جهت دیپلماسی مقاومت حرکت کرد.

#### اعتماد شهید سلیمانی به شهید امیرعبداللهیان

زمانی که بنده وزیر خارجه بودم، قرار بود ایران و آمریکا در عراق به صورت غیرمستقیم درباره یک موضوع بسیار مهم و راهبردی مذاکره کنند. ما از شهید حاج قاسم سلیمانی مشورت خواستیم که ایشان، شهید امیرعبداللهیان را پیشنهاد داد و آقای امیرعبداللهیان برای مذاکره با آمریکایی‌ها به عنوان رئیس هیئت ایرانی عازم عراق شد. بعد از مذاکرات مشخص شد که شهید امیرعبداللهیان به طور کامل از حقوق و منافع مردم و کشور دفاع کرده و درباره حضور نظامی آمریکا در منطقه به آنها هشدارهای لازم را داده است (به نقل از: منوچهر متکی).

قبل از تصدی وزارت خارجه ایشان هم نباید نقش شهید دیپلمات در فهم و خنثی‌سازی بحران

سوریه را نادیده گرفت. بحران سوریه یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های تاریخ منطقه بود و از سوی دیگر خطرناک‌ترین بحران هم به شمار می‌رفت. در پی جنگ تحمیلی در سوریه بر اساس آمار سازمان ملل حدود ۴۰۰ هزار نفر کشته و شهید و ۷ میلیون نفر آواره شدند. ۲۷۰ هزار نفر فلسطینی مقیم سوریه دوباره آواره شدند و بیش از دو میلیون واحد مسکونی خراب شد. مبلغ مورد نیاز برای بازسازی واحدهای مسکونی ۴۰۰ میلیون دلار تخمین زده شد. هر کدام از اینها می‌توانست یک کشور را به فروپاشی بکشاند؛ اما عوامل مختلفی موجب شکست آمریکا در سوریه شد.

کتاب صبح شام روایت خاطرات امیرعبداللهیان از یک جنگ تروریستی خونین و یکی از خشن‌ترین جنگ‌های جهان است. این جنگ تروریستی مذهبی بود و وجه تمایز کتاب این است که جنگ سوریه از زبان یک دیپلمات ارشد با ویژگی نرمنخویی، ادب، آرامش، صداقت و مهربانی تبیین شده است (<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۱۴۹۷۴۹۶>).

ابتکار کتاب صبح شام به توصیه شهید حاج قاسم سلیمانی باز می‌گردد. سردار سلیمانی یک سال قبل از شهادت خود در دیداری به حسین امیرعبداللهیان تأکید کرد که برای انتقال پیام رشادت‌ها، شهادت‌ها، شجاعت‌ها و حتی جنایات و خیانت‌ها در سوریه و منطقه غرب آسیا، بخشی از خاطرات خود را مکتوب و منتشر کند. در کتاب صبح شام که از «خاطرات دکتر حسین امیرعبداللهیان» استخراج شده، «روایتی از بحران سوریه» در سه بخش مطرح می‌شود. در بخش نخست، بیداری جهان اسلام و عرب و مقابله‌هایی که با آن رخ داد، سوءاستفاده‌هایی که از ایجاد شکاف میان شیعه و سنی صورت گرفت. بخش دوم به تلاش‌های دیپلماتیک و سفرهایی که در ارتباط با تحولات منطقه صورت گرفته، پرداخته است و بخش سوم کتاب صبح شام نقش بی‌بدیل سردار سلیمانی در کنترل بحران سوریه و تأمین امنیت ایران و سایر کشورهای منطقه را به تصویر می‌کشد.

در بخشی از کتاب نوشته شده است که بخش‌های اطلاعاتی ما مستندات فراوانی دارند که تأیید می‌کند هدف اصلی ایجاد داعش و بحران بزرگی که برای منطقه ایجاد شد، محور مقاومت و ایران است. قرار بود بحران به کشور ما منتقل بشود. این نقشه‌ای بود که در سطح کلان برای منطقه و ما کشیده شد. کشورهای منطقه هم هر کدام بر اساس درکی که از موضوع داشتند، وارد ماجرا شدند. پس از سقوط شهر موصل در عراق، داعش به پیشروی ارائه داد و به نزدیکی بغداد رسید. از آن طرف تا

پنجاه کیلومتری کربلا پیش رفت و از این طرف در استان دیالی تا نزدیک مرزهای ایران رسیدند. قبل از سال ۱۳۸۹ تصور غالب که درباره سوریه و مخاطرات پیش روی نظام سیاسی آن وجود داشت، این بود که احتمال دارد کشورهایی تلاش کنند با استفاده از روش‌های نرم یا از طریق کودتای آرام و بی سروصدا وضعیت سوریه را تغییر دهند؛ اما در ابتدای بحران نشانه‌هایی مبنی بر ورود تروریست‌ها از سراسر دنیا به داخل سوریه آشکار شد و بعد از آن اطلاعاتی به دست آمد که نشان می‌داد برخی کشورهای منطقه با ذوق‌زدگی در صدد ویرانی سوریه و تغییر نظام سیاسی این کشور هستند (ر.ک: مصحفی، ۱۳۹۹).

«فارن‌پالیسی» سپتامبر ۲۰۲۱ (شهریور ۱۴۰۰) گزارشی درباره «شهید حسین امیرعبداللهیان» منتشر کرد و این وزیر شهید را از حامیان سرسخت محور مقاومت دانست و نوشت: «امیرعبداللهیان، قاسم سلیمانی در عرصه دیپلماسی است». شهید امیرعبداللهیان بحق پیونددهنده دیپلماسی با میدان و همچنین پیونددهنده اخلاق با سیاست بود که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

### ۱) پیوند دیپلماسی و میدان

جنگ غزه با وجود خسارات مادی و انسانی و دردهایی که به فلسطینی‌ها تحمیل کرد، منجر به اثبات یک واقعیت شد، درحالی‌که اخیراً در سایه مواضع رژیم‌های خاص و تشکیلات خودگردان فلسطین امیدها برای احیای مسئله فلسطین از بین رفته بود- واقعیت‌های این جنگ نشان داد که همه فلسطینیان آماده هر فداکاری برای دفاع از آرمان و سرزمینشان هستند و یک صدا پرچم‌های مقاومت را بالا بردند و از طرفی باعث انزوای اسرائیل از همسایگان خود شدند. فشار افکار عمومی علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی، اعتراف جهانی به نقض وقیحانه هنجارهای بین‌المللی و حقوق بشر دوستانه از سوی فاشیسم صهیونیستی، لطمه غیر قابل ترمیم طوفان الاقصی به نظام سیاسی اسرائیل و رسوایی اطلاعاتی و امنیتی رژیم راست‌گرای افراطی اسرائیل همه حکایت از شکست مفتضحانه فاشیسم صهیونیستی و پیروزی قدرت اراده و انتخاب مردم صبور و مظلوم و شجاع فلسطین و آزادگان جهان دارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی اشعار دارند که «امروز قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی به پایان

رسیده؛ همان چیزی که ده‌ها سال پیش، شاید حدود شصت سال قبل از این، بن‌گوریون - یکی از مؤسسين اصلی رژیم صهیونیستی و نخست‌وزیر این رژیم - هشدار داد. او گفت که هر وقتی قدرت بازدارندگی ما به پایان برسد، رژیم ما مضمحل خواهد شد. قدرت بازدارندگی الان به پایان رسیده با نزدیک به پایان است».

امیر عبداللہیان معتقد بود دیپلماسی همیشه بر «میدان» متکی بوده است و اگر آمریکایی‌ها در یک دهه گذشته در مناسبت‌های مختلف با ایران درباره برنامه هسته‌ای و سایر موضوعات موافقت کردند، به دلیل توانایی‌های ایران در میدان و حوزه نفوذ ایران بود. شهید حسین امیر عبداللہیان «دستگاه دیپلماسی را هنگام تصدی وزارت امور خارجه در تمامی ماموریت‌های جبهه مقاومت، در راستای تأمین منافع ملی و مصالح جهان اسلام فعال کرد و موجب حذف گفتمان دوگانه‌سازی میان «دیپلماسی» و «میدان» شد. تقویت و ارتقای سطح جبهه مقاومت در یمن، سوریه، عراق و لبنان جزو دستاوردهای شهید امیر عبداللہیان است و امروز فلسطین کلید رمزآلود فتح دنیا و امری جهانی شده است. اقدامات مؤثر و انقلابی وی در طول جنگ غزه و طی بیش از هفت ماه گذشته نشان داد مقاومت در رأس دیپلماسی ایران است.

همیشه روحیه خودش را به عنوان عنصری که باید تمام ظرفیت و استعدادهای خودش را مصروف جمهوری اسلامی ایران بکند، نگاه داشت. شهید امیر عبداللہیان در طول جنگ غزه به تنهایی چند برابر همه وزرای خارجه کشورهای اسلامی در خصوص مسئله فلسطین و جنگ غزه مسافرت کرد که پرکاری شهید روحیه و توجه او را به خوبی نشان می‌دهد.

شهید امیر عبداللہیان پیوند بین دیپلماسی و میدان را به تصویر کشیدند. ایشان بر اساس باور قلبی، فعالیت خستگی‌ناپذیری در زمینه دفاع از مقاومت و احقاق حقوق فلسطینیان داشتند. او موفق شد آن چنان آمیزه‌ای از دیپلماسی و مقاومت در عرصه سیاست خارجی از خود به یادگار بگذارد که دیگر نتوان دوگانه‌سازی‌های دیپلماسی یا مقاومت را واقعیتی گریزناپذیر تصور کرد.

یکی از تحلیل‌گران سیاست خارجی ایران معتقد است مهم‌ترین مؤلفه‌های کارنامه امیر عبداللہیان تلاش در حفظ اقتدار ایران، توازن در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، هماهنگی با سیستم و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود بود. او زمانی سکان‌دار وزارت خارجه شد که ایران هم به لحاظ

منطقه‌ای و هم به لحاظ بین‌المللی منزوی بود و با برخی کشورها روابط قطع یا پرتنش بود. تلاش‌های امیرعبداللهیان برای تثبیت صلح و امنیت و ثبات در هماهنگی با متحدین در محور مقاومت قابل توجه است. از روز سوم طوفان الاقصی نخستین سفر منطقه‌ای‌اش را آغاز کرد. اتاق فرمان مشترک محور مقاومت جهت هماهنگی دیپلماسی مقاومت به موازات میدان عمل می‌کرد. از محورهای اصلی عملیات دفاع از فلسطین و مردم غزه بود (ر.ک: دیپلماتی اخلاق‌مدار در چارچوب اقتدار و عزت ایران، در: [irdiplomacy.ir](http://irdiplomacy.ir)).

دکتر خالد القدومی نماینده جنبش حماس در ایران در مورد شهید امیرعبداللهیان می‌گوید: طبعاً مقام وزارت خارجه بخش اساسی از تصمیم‌سازی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود و ماهیت این دیپلمات مقاوم نیز کاملاً در مسیر کمک به حق و مستضعفان و اهالی خود در غزه و فلسطین مشخص و ملموس بود. وی سخنان و ابزارهای دیپلماتیک خود را در تقابل با دشمن مشترک امت اسلام یعنی رژیم صهیونیستی قرار داده و انسجام عمیقی بین سطوح تصمیم‌سازی جمهوری اسلامی ایران شامل رهبران ایران و تصمیم‌سازان و اجراکنندگان این تصمیم‌ها ایجاد کرد.

«حسین الدیرانی» نویسنده و پژوهشگر لبنان به نقش این شهید دیپلمات در اقدامات جبهه مقاومت پرداخت و افزود: «او اگر یک دیپلمات نبود، یک مبارز در عرصه‌های جنگ نظیر فرمانده شهید قاسم سلیمانی می‌شد. او دیپلماتی مجاهد بود که تمامی محافل فرماندهی جبهه‌های مقاومت از لبنان گرفته تا سوریه، عراق، یمن و فلسطین او را می‌شناختند. شهید امیرعبداللهیان همواره بین کشورهای مختلف اسلامی و بین‌المللی تردد داشت و هیچ خستگی به خود راه نمی‌داد و تمامی پتانسیل‌ها را برای توقف جنگ و تجاوز به غزه و نسل‌کشی مردم این کشور از سوی صهیونیست‌ها و تروریست‌های جهانی، بسیج می‌کرد».

سفیر یمن در ایران در مورد شهید امیرعبداللهیان شهادت می‌دهد که آقای امیرعبداللهیان در رأس شهادایی هستند که در مقابله با جبهه کفر داشتیم. از زمانی که ایشان وزیر خارجه ایران شدند، نه فقط وزیر خارجه ایران بلکه سفیر سایر کشورهای اسلامی در جامعه بین‌المللی برای مبارزه با استکبار بود. ایشان در حوزه دیپلماسی یک دیپلمات شجاع بود.

## ۲) همراهی دیپلماتیک با عملیات وعده صادق

در موضوع، عملیات وعده صادق، آنچه مشخص و قطعی بود، این بود که شهید امیر عبداللهمیان همه کشورهای منطقه را درباره این حق مشروع ایران متقاعد کرده و به آمریکا و دیگر حامیان رژیم صهیونیستی هشدارهای لازم را داده است؛ آمریکایی‌ها پیام شهید امیر عبداللهمیان را دریافت کرده بودند و باور داشتند که در صورت حمایت از رژیم صهیونیستی، ایران سکوت نخواهد کرد.

وزیر خارجه با بیان اینکه شورای امنیت به درخواست‌های مکرر ما برای جلوگیری از حملات رژیم به منافع ایران در سوریه هیچ واکنشی انجام نداد، گفت: حمله ایران کاملاً ضروری بود؛ چون ایران گزینه دیگری جز آن نداشت.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در نشست عالی‌رتبه شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص «وضعیت خاورمیانه، شامل مسئله فلسطین» اشاره داشتند که حمله موشکی اول آوریل رژیم تروریست اسرائیل به ساختمان سفارت کشورم در دمشق نشان داد که این رژیم حتی در نقض اصل بنیادین مصونیت افراد و اماکن دیپلماتیک و نادیده‌انگاشتن کنوانسیون‌های شناخته شده وین تردید نمی‌کند. همان گونه که اکثر اعضای شورای امنیت در نشست دوم آوریل این نهاد اعلام کردند، این حمله نقض آشکار منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های وین بوده و بنابراین قویاً محکوم است.

شورای امنیت طی ماه‌های گذشته به درخواست‌های رسمی و مکرر ما برای جلوگیری از حملات بیشتر رژیم اسرائیل به منافع و مستشاران رسمی نظامی ضد تروریسم ایران هیچ اقدامی انجام نداد، متأسفانه این شورا به خاطر رفتار کاملاً غیرمسئولانه آمریکا، انگلیس و فرانسه، در واکنش به این حمله مطلقاً غیرقانونی نیز حتی از صدور یک بیانیه محکومیت صرف هم عاجز ماند.

سخنرانی پایانی ایشان در سازمان ملل مطالب شنیدنی است که می‌گویند:

آقای رییس

مایلم مجدداً تأکید کنم که ریشه بحران خاورمیانه در اشغال سرزمین تاریخی فلسطین نهفته است. حل جامع، عادلانه و دائمی آن نیز به فراهم آوردن زمینه لازم

برای تحقق کامل و آزادانه حق مسلم ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خویش از طریق برگزاری یک فراندوم، میان همه ساکنان اصیل فلسطینی شامل مسلمان، مسیحی و یهودی با کمک سازمان ملل و ایجاد دولت فراگیر، تاریخی و مادری فلسطین به پایتختی قدس شریف است. بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

(امیرعبداللهیان در نشست شورای امنیت، ۱۴۰۳/۱/۳۰، در: [asriran.com](http://asriran.com)).

حرکت منطقی و قابل دفاع جمهوری اسلامی ایران در عملیات وعده صادق برآمده از الگوی رهبری هوشمند جمهوری اسلامی ایران بوده است که مبتنی بر نگاه ابعادی و متناسب با مسئولیت ملی و فراسرزمینی خود بر اساس عزت و حکمت مؤثر بوده است.

«سایدان مانالاکا» الگوی رهبری هوشمند را با مؤلفه‌های رهبری عقلایی، رهبری هیجانی و رهبری معنوی ارائه کرده و اظهار می‌دارد که رهبری هوشمند پیروان را در سه بعد عقلایی، هیجانی و معنوی هدایت می‌کند. در بعد عقلایی مدیریت بر مبنای هدف صورت گرفته و در بعد هیجانی بر مدیریت عواطف و احساسات تأکید شده (شفیعی: ۱۳۹۸ به نقل از: مک‌کوئین و باتیس، ۲۰۱۳: ۴۶۶) و در بعد معنوی کارها هدفمند و با معنا شده و به ارزش‌ها و باورهای اعتقادی بها داده می‌شود. این ابعاد را می‌توان در بخش رهبری نرم جست‌وجو کرد.

در عملیات «وعده صادق»، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح ایران اسلامی با پرتاب موشک و به پرواز درآوردن انواع پهپاد از داخل خاک ایران، به طور مستقیم مواضع رژیم صهیونیستی را هدف قرار داد که رهبری این حمله ابعاد سه‌گانه عقلایی، هیجانی و معنوی رهبری هوشمند را مد لحاظ داشته است.

در بعد عقلایی بودن عملیات وعده صادق می‌توان دو اصل دفاع مشروع از کیان و سرزمین خود و تمسک به اصول موضوع حقوق بین‌الملل را در نظر داشت. ایران برای صلح، برای زیستن معمولی در جهان و برای مقابله با تروریسم دولتی صهیونیست‌ها، پس از صبری زیاد، دیگر راهی جز دفاع مسلحانه نداشت.

پیامد عقلایی دیگر این عملیات ایجاد وحدت و انسجام در گرایش‌های مختلف سیاسی بود. این وحدت و یکپارچگی پیام ویژه‌ای برای دشمنان ملت ایران دارد و نشان می‌دهد مردم ایران در دفاع از هویت معنوی و سرزمینی خود با یکدیگر متحد بوده و از تفرقه پرهیز می‌کنند. همچنین عملیات وعده صادق متنبه‌کردن اولیه رژیم کودک‌کش صهیونیستی است؛ به گونه‌ای که روزنامه صهیونیستی هاآرتص به سرزنش دولت نتانیاها پرداخت و نوشت: با حمله ایران، اسرائیل بهای اقداماتش را پرداخت. هاآرتص نوشت: با حمله ایران به اسرائیل، زمان پرداخت بهای اقدامات اخیر اسرائیل فرارسید و این بار ممکن است هزینه غیرقابل تحمل باشد.

در بعد هیجانی عملیات فوق می‌توان از انتظارات طبیعی مردم و جریان مقاومت در تنبیه متجاوز سخن گفت. در این میان شب آسایش مردم غزه در حین عملیات بسیار جالب و فرحناک بوده است. وعده صادق نه خیلی عجولانه و بلافاصله صورت گرفت و نه خیلی با تأخیر انجام شد.

در بعد معنوی رهبری هوشمند عملیات وعده صادق می‌توان به سخن یکی از بنیان‌گذاران این پیشرفت در بعد صنعت موشکی یعنی شهید حسن طهرانی مقدم گوش داد که در شرح عملیات والفجر مقدماتی توپخانه‌های به‌غنیمت گرفته‌شده را یادگار و ثمره خون شهدا می‌دانست. همچنین در جریان ساخت و پرواز موشک به یارانش این آیه شریفه را قرائت می‌کرد که «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى».

ناگفته نماند بنا بر فرمایش مقام معظم رهبری، امام بزرگوار که این همه تحولات را به وجود آورد و به معنای واقعی کلمه امام تحوّل بود، اما اینها را از خدا می‌دانست؛ امام راحل اینها را به خودش نسبت نمی‌داد؛ اینها را از خدا می‌دانست. همین تحول روحی را که در جوان‌ها به وجود آمده بود - که در همین صحیفه امام منتشر شده - ملاحظه کنید، [ایشان] مکرر در بیاناتشان به آن توجه می‌کنند و اظهار تعجب می‌کنند، برای ایشان اعجاب‌آور است. خود امام علیه السلام این کار را کرده بود. دست خود او در این کار بود، اما آن را از خدا می‌دانست؛ واقعیش هم همین است که از خداست؛ لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم، همه چیز و هر حول و قوه‌ای از خداست و امام واقعاً این [آیه] «ما رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ» را به معنای واقعی کلمه معتقد بود (بیانات در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۱۴).

### ۳) پیوند اخلاق با سیاست و دیپلماسی

امیرعبداللهیان هنرمندانه سیاست و دیپلماسی را در خدمت اهداف ملی به کار گرفت و اولین هنر او آشتی دادن اخلاق و سیاست بود. این شهید از افرادی بود که ادب و اخلاق در روش کاری او موج می‌زد. گرچه وی در سیاسی‌ترین نهاد کشور خدمت می‌کرد، قدرت و نفوذ را با اخلاق پسندیده پیوند داد و حُسن خُلق در محیط کاری را از خود به یادگار گذاشت.

ایشان در هر دوره و در هر مسئولیتی که داشت با اخلاص و صداقت و با درایت و توکل کارها را پیش می‌برد. چهره همواره متبسم و قلب سلیم ایشان انسان‌ها را مجذوب خود می‌کرد. رفتار مشحون از محبت و تواضع به ایشان چهره‌ای جذاب بخشیده بود. تواضع، احترام و رفتار بسیار مؤدبانه در کنار تدبیر عمیقی که داشت، ترکیب بسیار جذابی از شخصیت وی ساخته بود و تا ثانیه آخر زندگانی اصرار بر رعایت حرمت افراد داشت.

دکتر خالد القدومی نماینده جنبش حماس در ایران اشاره دارد که محور مقاومت دچار فقدان فردی مقاوم و دیپلماتی قهرمان و سیاستمداری شجاع نظیر دکتر امیرعبداللهیان شد. ایشان در نشست‌ها بسیار خون‌گرم و فعال بود و هرگز خسته نمی‌شد. پیش می‌آمد که بعد از نیمه شب یا بامداد مطالبی از طریق تیم ایشان برایشان می‌فرستادیم و ایشان با آن تعامل می‌کردند.

سفریمن در ایران آقای الدیلمی با بیان اینکه شهید امیرعبداللهیان در ادب و تواضع کم‌نظیر بود، گفت: وی همیار شهید سلیمانی در پیش‌برد سیاست‌ها به‌خصوص در در قبال پیش‌برد روابط با کشورهای منطقه به نحو احسن بود.

«حسین الدیرانی» نویسنده و پژوهشگر لبنانی، خستگی‌ناپذیری را از ویژگی‌های شهید حسین امیرعبداللهیان می‌داند: «گاهی او در یک روز به چند کشور سفر می‌کرد و مأموریت‌های خود را در راستای منافع ملت و کشور خود دنبال می‌کرد. من ایشان را انسانی متواضع، با اخلاق، باایمان، سخاوتمند، باهوش، مجاهد، مقاوم و بشاش یافتیم. او متعهد واقعی به اسلام و انقلاب بود و عشق به ولایت‌فقیه را در قلب او احساس کردم».

چهره همواره متبسم و قلب سلیم ایشان انسان‌ها را مجذوب خود می‌کرد. او مصداق «بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه بود». هر بار که توفیق دیدار با ایشان دست می‌داد، درنهایت تواضع و عواطف

انسانی برخوردار می‌کرد. (ناگفته نماند) رفتار مشحون از محبت و تواضع به ایشان چهره‌ای نورانی بخشیده بود. ملت و دولت مردانی دلسوز و پرتلاش را از دست داد. شهید آیت‌الله رئیسی دارای مواضع سیاسی ثابت و اصولی و مدافع سرسخت در حمایت از قضیه فلسطین بودند. در این راه پشتیبان حاذق و مورد وثوق ایشان شهید دکتر امیرعبداللهیان بود (توأم کردن تجارب میدان و دیپلماسی، در: [irdiplomacy.ir](http://irdiplomacy.ir)). وقت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری و فروتنی و احترام ایشان به شأن انسان‌ها از فضایی است که هیچ موقع فراموش نخواهد شد.

یکی از خبرنگاران همراه شهید در سفرهای خارجی، از تسلط زنده‌یاد امیرعبداللهیان بر مسائل منطقه و مهارت دیپلماتیک او در کنار پابندی به اصول اخلاقی در برخورد با دیگران نام می‌برد و ادامه می‌دهد که شهید امیرعبداللهیان انسانی با اخلاق بود و در هر برخوردی با دیگران با اینکه وزیر بود، در سلام کردن پیش‌دستی می‌کرد. ما در هر سفر، اخلاق خوب او را بیش از همیشه می‌شناختیم. مسائل مربوط به خبرنگاران مثل اسکان و پذیرایی و رفاه آنها را پیگیری می‌کرد و همیشه سعی می‌کرد خبرنگاران راحت باشند و هیچ کمبودی نداشته باشند. او هر بار خود را به زیارت حرم حضرت زینب و لو برای چند دقیقه ملزم می‌کرد. ما هم همراه ایشان به زیارت می‌رفتیم. یک بار که به مکه رفته بودیم، اصرار می‌کرد که همه همراهان به زیارت بروند، اما خودش نرفت. من از ایشان پرسیدم چرا شما نمی‌روید گفت وقتی که شرایط مساعد برای همه فراهم نباشد من هم به زیارت نخواهم رفت.

## نتیجه‌گیری

آنچه امروز در جبهه مقاومت با رهبری قدرت نرم انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد، مبتنی بر عقلانیت سیاسی در حوزه سیاست خارجی و مقاومت هوشمند است. مقام معظم رهبری اشاره دارند که «این قضیه پانزدهم مهر به این طرف، رژیم غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطلاعاتی، یک شکست غیر قابل ترمیم خورده؛ شکست را همه گفتند، تأکید من به «غیرقابل ترمیم بودن» است. من می‌گویم این زلزله ویرانگر توانسته است بعضی از سازه‌های اصلی حاکمیت رژیم غاصب را ویران کند که تجدید بنای آن سازه‌ها به این آسانی امکان‌پذیر نیست. بعید است رژیم غاصب صهیونیستی با همه‌های وهویی که می‌کند، با همه حمایت‌هایی که امروز در دنیا از سوی

غربی‌ها از او می‌شود، بتواند آن سازه‌ها را ترمیم کند. من عرض می‌کنم از شنبه پانزدهم مهر، رژیم صهیونیستی [دیگر] رژیم صهیونیستی قبلی نیست و ضربه‌ای که خورده است، به این آسانی قابل جبران نیست».

در طی سه سال فعالیت‌های مجاهدانه این دو شهید بزرگوار (شهید رئیسی و شهید امیرعبداللهیان) ایران با تعامل حداکثری با جهان غیرغربی توانست به اتحادهای مهم سیاسی و بین‌المللی همچون سازمان همکاری‌های شانگهای و بریکس پیوسته، فرصت‌های جدیدی را برای توسعه روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران با دنیا فراهم کند.

سیاست خارجی و دیپلماسی حمایت از مظلومان جهان در دولت سیزدهم باعث شد نه تنها مردم ایران که ملت‌های مستضعف و مظلوم جهان از آمریکای جنوبی تا آفریقا و آسیا غم شهادت آیت‌الله رئیسی و دکتر امیرعبداللهیان را غم خود بدانند.

مهم‌ترین میراث خدمت و تلاش خالصانه، همراه‌نمودن سیاست و اخلاق توجه به سیاست همسایگی و دیپلماسی مقاومت است و می‌طلبد که در محافل علمی و دانشگاهی این موضوعات را بیش از پیش مورد توجه قرار دهیم. قدر او بعد از شهادتش معلوم شد؛ زمانی که هیئت‌های دیپلماتیک در پیام‌هایی که صادر کردند، به ابعاد شخصیتی و پیگیری‌های وی اشاره کردند و این نشان داد که شهید امیرعبداللهیان در برقراری روابط استراتژیک و دیپلماتیک ظرفیت خیلی خاصی داشت.

دکتر امیرعبداللهیان مجاهد انقلابی در میدان دیپلماسی بود. تسلط بر واقعیات روابط پرآشوب بین‌الملل و تبخّر در پیگیری اهداف آرمانی انقلاب اسلامی در جهان رئالیستی، هنر بزرگ دکتر امیرعبداللهیان در میدان دیپلماسی بود. دکتر امیرعبداللهیان نه تنها توانست با مدیریت مدبرانه و آینده‌نگرانه، جایگاه محور مقاومت را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت و جنایات بین‌المللی رژیم صهیونیستی در غزه را از طریق مجاری دیپلماتیک و سازمان‌های بین‌المللی پیگیری کند، بلکه سیاست خارجی کشور در حوزه سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در دوره خدمت ایشان تقویت شد که عضویت در سازمان شانگهای و بریکس از آن جمله است.

در جبهه مقاومت اصل تمسک و باور به سنت‌های الهی از موضوعات کلیدی مقاومت هوشمند و فعال است. برای قضاوت در مورد آینده و پیروزی مردم فلسطین توجه به «قدرت نرم الهیاتی

---

مقاومت» و تمسک به سنت‌های الهی هم بسیار مهم است که «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ: وعده الهی حق است.» «وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوْقِنُونَ»، کسانی که به وعده الهی یقین ندارند، نباید با منفی‌بافی‌های خودشان شما را متزلزل و سست کنند. باور به قدرت نرم الهیاتی مقاومت توجه به منبع لایزال نصرت الهی است. نشان این پیروزی آن است که صد سال رژیم صهیونیستی به دنبال حذف مردم فلسطین و توسعه‌طلبی خود برای تضعیف ملل مسلمان بوده که با ناکامی‌های بزرگی روبرو گشته است. هرچند در این مسیر مبارزه با نژادپرستی و ظلم به مردم مظلوم فلسطین جان‌های پربهایی تقدیم مسیر شهادت و آزادگی گشتند و چه بجاست توصیف مقام رهبری از وزیر خارجه شهید به عنوان «وزیر خارجه پرکار، فعال، با ابتکار، مذاکره‌کننده قوی و باهوش و همچنین پایبند به مبانی و اصول «عاشوا سعیداً و استشهدوا سعیداً».

## منابع

- سوری، فاطمه (۱۴۰۳). انقلاب اسلامی ایران و بازطراحی جهان‌نگرش مقاومت در سیاست جهانی. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- صادق‌زاده، محمدعلی (۱۴۰۲). نقش مقام معظم رهبری در تبیین دیپلماسی مقاومت با تأکید بر دکترین دفاعی. نشریه مطالعات دفاع مقدس، ۹ (۳۳)، بهار ۱۴۰۲، ۱۵۳-۱۷۷.
- مایر، ورنون هاید (۱۳۸۷). تاریخ تاریخ هنر. ترجمه مسعود قاسمیان، تهران: سمت.
- دهشیری، محمدرضا، و حسینی فهرجی، محبتی (۱۳۹۸). جایگاه گروه‌های فلسطینی در دیپلماسی مقاومت جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه گفت‌وگو راهبردی فلسطین، ۱ (۲).
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱). فرانظریه روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- شفیعی، عباس (۱۳۹۸). الگوی رهبری هوشمند. مجله حکومت اسلامی، ۲۴ (۱).
- عابدی جعفری، حسن، و صالحیان، مجید (۱۴۰۳). مدل تأثیر سبک زندگی دینی بر عملکرد شغلی: مرور سیستماتیک. پژوهشنامه سبک زندگی، ۱۹ (۱)، ۳۷-۵۴.
- عنوانی، حامد، فخاری، وحیده، سید موسوی، حسین، و حسینی شاهرودی، مرتضی (۱۴۰۱). واکاوی مؤلفه‌های سبک‌ساز در تثبیت سبک زندگی سیاسی امام خمینی. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۳۱ (۳).
- کافی، مجید (۱۳۹۶). هدفمندی و آرمان‌گرایی در سبک زندگی اسلامی. پژوهشنامه سبک زندگی، ۵ (۵)، ۱۱۹-۱۴۱.
- محمدی سیرت، حسین، و کولیوند، یونس (۱۴۰۱). دیپلماسی مقاومت جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه؛ ابعاد و نتایج. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۶۰ (۶).
- مصحفی، محمدمحسن (۱۴۰۳). صبح شام؛ روایتی از بحران سوریه: خاطرات حسین امیرعبداللهیان. انتشارات سوره مهر.
- نوری گلجانی، عبدالله، و سپهر، محمدمهدی (۱۴۰۳). الگوی کارآمدی جبهه مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی، مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، ۱ (۲)، بهار، ۹۳-۱۱۸.

امیرعبداللهیان در نشست شورای امنیت: حمله ایران ضروری بود چون ایران گزینه دیگری جز آن نداشت (در: asriran.com).

نماینده حماس در تهران: شهید عبداللهیان دیپلماسی را در خدمت مبارزه با صهیونیسم قرار داد. قدس آنلاین، qudsonline.ir: در:

پرهیز از دیپلماسی التماسی، لزوم تعاملات خردمندانه و انعطاف با حفظ اصول. در: isna.ir. توأم کردن تجارب میدان و دیپلماسی. در: irdiplomacy.ir.

دیپلماتی اخلاق مدار در چارچوب اقتدار و عزت ایران. در: irdiplomacy.ir.

عزت، حکمت و مصلحت؛ عناصر سیاست خارجی دولت. خیرگزاری صدا و سیما، در: iribnews.ir. از دانشگاه تا وزارت خارجه/ امیرعبداللهیان مرد دیپلماسی بود. در: snn.ir.

«صبح شام» روایت امیرعبداللهیان از یکی از خشن‌ترین جنگ‌های جهان است. در: ilna.ir.

-خاطرات خبرنگاری که شهید امیرعبداللهیان را در سفرها همراهی می‌کرد. در: alalam.ir.

Javadi Arjmand, Mohammad Jafar, and Mohammadi Masiri, Ali and Mokarami poor, Mohammad Bagher, (۲۰۲۱). Resistance Orientation in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution*, ۳ (۷), ۹۷-۱۲۲.

Atlantic Council, ۲۰۲۳.

<https://shababpress.com/?p=۱۴۰۱۸>.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۶۵۱۶>.

<https://mfa.gov.ir/portal/newsview/۷۱۳۴۱۱>.

<https://iqna.ir/fa/news/۴۲۱۰۷۰۲>.

<https://www.isna.ir/news/۱۴۰۳۰۳۱۴۰۹۴۷۸>.

<https://www.irna.ir/news/۸۵۴۸۸۸۲۹>.

<https://www.irna.ir/news/۸۵۴۸۵۵۴۸>.

<https://www.irna.ir/news/۸۵۴۸۸۸۴۶>.

<https://snn.ir/fa/news/۱۱۴۷۶۱۶>.

<https://farhikhtegandaily.com/news/۸۷۳۷۱>.



## بازی دوگانه آمریکا در شرق مدیترانه برای سلطه بر بازار گاز اروپا

سیدمهدی مدنی الخوانساری<sup>۱</sup>

حبيب الله فاضلي<sup>۲</sup>

### چکیده

گسترش و تجاری‌سازی فناوری‌ها شکست هیدرولیکی و حفاری‌های افقی در آمریکا سبب اوج‌گیری تولید و سپس تقویت صادرات LNG این کشور به بازارهای مصرف بزرگ شده است. با این حال وجود رقبای جدی مانند ایران، روسیه و قطر و همچنین تلاش ترکیه برای تبدیل شدن به هاب انرژی صادرات ایران و روسیه به اروپا همزمان با فعال‌سازی حوزه‌های گازی شرق دریای مدیترانه توسط آنکارا سبب شده آمریکا بازی چندلایه‌ای برای حفظ بازار صادراتی خود طراحی کند. این مقاله با استفاده از داده‌های منابع معتبر آماری می‌کوشد اوج‌گیری تولید و صادرات گاز مایع طبیعی را به

۱. استاد مدعو دانشگاه انقلاب. [karevanrafto@gmail.com](mailto:karevanrafto@gmail.com)

۲. عضو هیئت علمی و دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران ([h.fazeli@ut.ac.ir](mailto:h.fazeli@ut.ac.ir)).

عنوان مفروض اول اثبات کند و سپس ضمن بررسی تحریم‌های اعمالی آمریکا علیه روسیه و ایران در حوزه انرژی، موانع ایجادشده برای ترکیه در پروژه EastMed و همچنین تحریم احتمالی پروژه‌هایی که احتمال تبدیل کردن ترکیه به هاب انرژی را دارد، مورد مذاقه قرار دهد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد آمریکا با توسعه فناوری فرکینگ، تولید گاز شیل را افزایش داده و با اعمال تحریم‌ها و مدیریت پروژه‌های منطقه‌ای رقبا را تضعیف و بازار گاز اروپا را تحت سلطه خود درآورده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، ابعاد ژئوپلیتیک و اقتصادی این معادلات را تحلیل و سناریوهای آینده را پیش‌بینی می‌کند.

### واژگان کلیدی:

شکست هیدرولیکی، گاز شیل، تحریم، صادرات LNG، EastMed.

## مقدمه و بیان مسئله

جایگاه انرژی‌های فسیلی (نفت و گاز) به عنوان ابزاری اقتصادی- ژئوپلیتیک بر کمتر کسی پوشیده است و این مهم نقش کلیدی در شکل‌دهی به مناسبات بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم ایفا می‌کند. این منابع که ستون فقرات اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهند، نه تنها برای تأمین نیازهای روزمره کشورها حیاتی‌اند، بلکه به عنوان اهرمی برای اعمال قدرت و نفوذ در عرصه بین‌الملل به کار می‌روند (IEA, 2024a: 26). بررسی‌های آماری نشان می‌دهد شرق مدیترانه، با کشف میادین گازی عظیم در دهه گذشته، به یک میدان رقابت ژئوپلیتیکی و اقتصادی تبدیل شده و بازیگران این منطقه از جمله ترکیه، قبرس، یونان و اسرائیل می‌کوشند از منابع موجود کشف‌شده هم مصرف و نیاز داخلی را تأمین کنند و هم با استفاده از موقعیت جغرافیایی خود (نزدیکی به اروپا) منافع حداکثری کسب کنند (BP, 2024: 38)؛ امری که سبب بروز رقابت شدید ژئوپلیتیک- ژئواکونومیک در این منطقه شده است و طرفین می‌کوشند منافع حداکثری از این بازی برای خود تعریف کنند. بنابراین این حوزه از حیث تأمین احتمالی گاز اروپا خاصه بعد از تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه ایران و روسیه اهمیت مضاعفی یافته است (IEA, 2024: 26-8).

از سوی دیگر آمریکا، به عنوان یک بازیگر اصلی هم در منطقه شرق مدیترانه و هم صادرات گاز در دنیا با هدف کاهش نفوذ رقابایی مانند روسیه و ایران و حفظ منافع اقتصادی خود، استراتژی پیچیده‌ای را دنبال کرده است. از اواخر دهه ۲۰۰۰ آمریکا با توسعه فناوری‌های شکست هیدرولیکی، انقلابی در تولید گاز طبیعی ایجاد کرد. این فناوری‌ها که امکان استخراج گاز از ذخایر شیل را فراهم کردند، نه تنها این کشور را از یک واردکننده بزرگ به یک صادرکننده کلیدی تبدیل کردند، بلکه تعادل عرضه و تقاضای جهانی را نیز تغییر دادند (EIA, 2023: 18). این فناوری‌ها امکان استخراج گاز از ذخایر شیل را فراهم کردند که پیش‌تر استخراج آنها غیراقتصادی بود. طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا تولید گاز شیل آمریکا از ۵ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۳۰ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۲۳ افزایش یافت (EIA, 2023: 48-50)؛ به طوری که بیش از ۸۰ درصد از کل تولید گاز طبیعی این کشور را تشکیل می‌دهد. این افزایش تولید، آمریکا را به بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز طبیعی جهان تبدیل کرد و صادرات LNG این کشور را به بازارهای جهانی

به‌ویژه اروپا تقویت کرد. اندیشکده مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک به قلم بن کاهیل گزارش می‌دهد که این نوع استخراج نه تنها سبب خودکفایی انرژی آمریکا در بعد داخلی شد، بلکه این کشور را به یک صادرکننده کلیدی LNG تبدیل کرد؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۲۳، ۶۰٪ از LNG وارداتی اروپا را ایالات متحده آمریکا تأمین کرده است (Cahill, ۲۰۲۳).

این تحول، پایه‌ای برای استراتژی آمریکا در مهار رقبا و تسلط بر بازارهای جهانی گاز را فراهم کرده که طی آن رقبای بزرگ موجود و احتمالی حذف شده و سپس خود به عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده گاز اروپا به ایفای نقش می‌پردازد (Cahill, ۲۰۲۳). این استراتژی شامل تحریم‌های هدفمند علیه بخش‌های انرژی روسیه و ایران، حمایت اولیه و سپس لغو حمایت از پروژه EastMed برای مهار ترکیه و تسلط بر بازار LNG اروپاست. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش آن است که چگونه آمریکا با استفاده از فناوری‌های جدید تولید و ابزارهای سیاسی، رقبا را تضعیف و بازار گاز اروپا را تحت سلطه خود درآورده است؟ این مقاله با بررسی آماری منابع گازی کشف‌شده در آمریکا، زمینه‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی شرق مدیترانه و پروژه EastMed را بررسی کرده و سپس با بررسی تحریم‌های آمریکا علیه روسیه و ایران در حوزه انرژی و همچنین ایجاد موانع آمریکا برای ترکیه در مدیترانه شرقی (از طریق تصویب قانون و سپس رهاسازی غیررسمی آن)، زمینه‌سازی برای تسلط آمریکا بر بازار LNG اروپا را به تصویر می‌کشد.

## انقلاب گاز شیل آمریکا: تحولی در بازار جهانی انرژی

انقلاب شیل در آمریکا از اواخر دهه ۱۹۹۰ با پیشرفت فناوری‌های شکست هیدرولیکی و حفاری افقی آغاز شد که طی آن امکان استخراج اقتصادی ذخایر سازندهای شیل را فراهم کرد (Medlock et al., ۲۰۱۱: ۵). این فناوری‌ها که شامل تزریق آب، ماسه و مواد شیمیایی تحت فشار به لایه‌های شیل برای آزادسازی گاز محبوس در آنهاست، تا پیش از این به دلیل هزینه‌های بالا و پیچیدگی‌های فنی، غیراقتصادی تلقی می‌شدند؛ اما با پیشرفت‌های صورت‌گرفته در اواخر دهه ۱۹۹۰ و تجاری‌سازی این روش‌ها تا سال ۲۰۰۸، آمریکا توانست به سرعت تولید گاز خود را افزایش دهد و ساختار بازار جهانی انرژی را دگرگون کند (IEA, ۲۰۲۴a: ۳۲-۴). به نوشته وراسترو در مرکز

مطالعات بین‌المللی و استراتژیک این فناوری‌ها که تجاری‌سازی آنها تا سال ۲۰۰۸ به اوج رسید، ساختار بازار جهانی انرژی را دگرگون کرد و آمریکا را از یک واردکننده به صادرکننده کلیدی نفت و گاز تبدیل کرد (Verrastro et al., ۲۰۱۴: ۷). توسعه حوضه‌های تولیدی مانند مارسلوس و پرمین در دهه ۲۰۱۰، همراه با گسترش پایانه‌های LNG در تگزاس و لوئیزیانا پس از ۲۰۲۲، نقش مهمی در این تحول ایفا کرد (IEA, ۲۰۲۴: ۴۸).

ذخایر گاز طبیعی آمریکا با تخمین ۵.۹ کوادریلیون فوت مکعب گاز قابل استحصال توانایی تأمین تقاضای داخلی و جهانی را برای دهه‌ها تضمین می‌کند (Dayaratna et al., ۲۰۲۵: ۲). مطابق آمار منابع معتبر بین‌المللی سهم گاز شیل در تولید گاز طبیعی آمریکا از یک درصد در سال ۲۰۰۰ به ۳۰٪ در سال ۲۰۱۱، حدود ۱۹۲ میلیارد متر مکعب افزایش یافت (Stevens, ۲۰۱۲: ۴). تا سال ۲۰۱۰، تولید گاز شیل به ۵ تریلیون فوت مکعب رسید که این میزان ۲۳٪ از کل تولید گاز طبیعی را تشکیل داد (EIA, ۲۰۲۳a: ۱۲). این میزان تا سال ۲۰۱۵ با رشد سه‌برابری به ۱۵ تریلیون فوت مکعب و بیش از ۵۰٪ از کل تولید رسید (EIA, ۲۰۲۳a: ۱۴). این روند صعودی ادامه یافت و در سال ۲۰۲۳، تولید گاز شیل به ۳۲-۳۴ تریلیون فوت مکعب رسید که بیش از ۸۰٪ از تولید گاز طبیعی آمریکا را شامل می‌شود (EIA, ۲۰۲۳b: ۴۹). آن گونه که مدلاک در اندیشکده مؤسسه بیکر گزارش می‌دهد، این افزایش تولید، آمریکا را به یک بازیگر کلیدی در بازار جهانی گاز تبدیل کرد و نیاز به واردات LNG را برای دهه‌ها به تعویق انداخت (Medlock et al., ۲۰۱۱: ۱۷). این حجم عظیم همراه با توسعه پایانه‌های صادراتی LNG در سواحل خلیج مکزیک، مانند تأسیسات سابین پس (Sabine Pass) در لوئیزیانا و کورپوس کیرستی (Corpus Christi) در تگزاس، آمریکا را از یک واردکننده گاز به یک صادرکننده کلیدی تبدیل کرد. در سال ۲۰۲۳، صادرات LNG آمریکا به ۵۶.۳ میلیارد متر مکعب رسید که بیش از ۶۰ درصد آن به اروپا اختصاص داشت (Cahill, ۲۰۲۳).

به عبارت دیگر انقلاب شیل، تعادل عرضه و تقاضای جهانی را تغییر داد و وابستگی کشورها به منابع نفتی سنتی را کاهش داد (BP, ۲۰۲۴: ۳۴). بر اساس گزارش بریتیش پترولیوم، آمریکا که پیش‌تر به عنوان یک واردکننده بزرگ گاز شناخته می‌شد، اکنون بیش از ۲۰ درصد از عرضه جهانی LNG را تأمین می‌کند و به یک قدرت کلیدی در بازار جهانی انرژی تبدیل شد (BP, ۲۰۲۴). برای درک تحول

اقتصادی ایجاد شده در این زمینه جمله دانیل یرگین در کتاب نقشه جدید جهان چشم‌انداز مناسبی به دست می‌دهد. وی عنوان می‌کند که فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با شیل بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۵ حدود ۱.۶ تریلیون دلار ارزش و ۲.۸ میلیون شغل ایجاد کرده است (یرگین، ۱۴۰۱: ۴۵).

نکته قابل تأمل در این زمینه هزینه استخراج گاز شیل در آمریکا است. در اوایل دهه ۲۰۱۰، هزینه استخراج گاهی به ۶ دلار به ازای هر MMBtu می‌رسید، اما با بهبود فناوری‌ها تا سال ۲۰۱۵ این هزینه‌ها را به ۳.۵ دلار کاهش داده است (IEA, ۲۰۲۴a: ۲۶). در مناطق کلیدی مانند مارسلوس و پرمین، هزینه‌ها در قیمت ۲.۲ تا ۳ دلار تثبیت شده است (EIA, ۲۰۲۴a: ۶۲).

به طور کلی می‌توان گفت افزایش تولید گاز شیل، آمریکا را از نوسانات عرضه جهانی، مانند اختلالات خاورمیانه، مستقل کرده (Medlock et al., ۲۰۱۱: ۱۷) و به این کشور اجازه داد به عنوان یک قدرت بلامنازع در بازار جهانی گاز ظاهر تبدیل شود. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۴۰، گاز شیل ۵۰٪ از تولید گاز طبیعی آمریکا حدود ۱۶ Tcf یا ۴۵۳ میلیارد متر مکعب را تشکیل خواهد شد. آنچه مسلم می‌نماید آن است که حجم عظیم تولید گاز در آمریکا و تبدیل شدن آن به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهانی، می‌طلبد که این کشور در بازار عرضه به طور اساسی ورود کرده و رقبای اصلی از بازارهای هدف مثل اروپا حذف کند. در ادامه ضمن اشاره به بازار نوظهور شرق مدیترانه و احتمال ورود این منطقه به بازار عرضه اروپا، اقدامات آمریکا در مقابله با دو تولیدکننده بزرگ یعنی ایران و روسیه و سپس نحوه مقابله آمریکا با ترکیه را به عنوان بازیگری که هم در قامت تولیدکننده ظاهر شده و هم می‌کوشد به هاب انرژی تبدیل شود، بررسی می‌کنیم.

## نگاهی به پروژه EastMed

پیش از پرداختن به خط لوله EastMed باید مرور مختصری به کشف میادین گازی عظیم در شرق مدیترانه داشت. از اوایل دهه ۲۰۱۰ بود که کشف دو میدان تمار در سواحل اسرائیل با ذخایر تخمینی ۳۰۵ میلیارد متر مکعب (EIA, ۲۰۲۳) و لویتان با ۶۲۰ میلیارد متر مکعب توجهات جهانی را به خود جلب کرد (IEA, ۲۰۲۳: ۱۴۵). در کنار اسرائیل، میدان آفرودیت در قبرس با ۱۲۹ میلیارد متر مکعب نیز در سال ۲۰۱۱ شناسایی شد (BP, ۲۰۲۴: ۳۲). این میادین، اسرائیل را به یک صادرکننده منطقه‌ای

و قبرس را به یک بازیگر بالقوه تبدیل کرد. تولید سالانه اسرائیل در سال ۲۰۲۴ به ۲۱ میلیارد متر مکعب رسیده (۹۲: ۲۰۲۴، EIA) که بخش قابل توجهی از آن به مصر و اردن صادر می‌شود (EIA, ۸۸: ۲۰۲۳) و همین امر سبب شده است این اکتشافات شرق مدیترانه را به یک کانون رقابت ژئوپلیتیک تبدیل کند (Gold, ۲۰۲۲).

ایده خط لوله EastMed در اوایل دهه ۲۰۱۰ شکل گرفت؛ زمانی که کشف میادین گازی عظیم در شرق مدیترانه، از جمله میدان‌های تامار (۲۰۰۹) و لویاتان (۲۰۱۰) در سواحل اسرائیل، توجه منطقه‌ای و جهانی را جلب کرد. این میادین به ترتیب دارای ذخایر تخمینی ۳۰۵ و ۶۲۰ میلیارد متر مکعب‌اند (۸۸: ۲۰۲۳، EIA). در همین زمینه ناتان ساکس و تیم برسما در اندیشکده بروکینگز می‌نویسد: «این کشف‌ها که توسط کنسرسیوم‌هایی مثل "نوبل انرژی" (Energy) و "دلک دریلینگ" (Delek Drilling) انجام شد، اسرائیل را به یک بازیگر کلیدی در بازار انرژی تبدیل کرد» (Sachs and Boersma, ۲۰۱۵).

با کشف این میادین، اروپا که به دنبال متنوع‌سازی واردات گاز خود بوده، تلاش کرد این اتفاق را به عنوان یک فرصت ببیند و در نتیجه این پروژه به عنوان بخشی از استراتژی تنوع‌بخشی به منابع انرژی اروپا و کاهش وابستگی به گاز روسیه مطرح شد. در همین زمینه، سفیر دور گلد در مرکز امور عمومی اورشلیم تأکید می‌کند که این پروژه بخشی از استراتژی اسرائیل برای تبدیل شدن به یک بازیگر کلیدی در بازار انرژی جهانی است (Gold, ۲۰۲۲). در همین زمینه چارلز الیناس در شورای آتلانتیک می‌نویسد: «ابتکار "مجمع گاز مدیترانه شرقی" در سال ۲۰۱۹ با حضور اسرائیل، قبرس، یونان، مصر و ایتالیا تأسیس شد و اندکی بعد توسعه یافت» (Ellinas, ۲۰۲۲: ۱۲). به گزارش رویترز توافق‌نامه رسمی در ۲ ژانویه ۲۰۲۰ بین اسرائیل، قبرس و یونان امضا شد تا چارچوب همکاری برای انتقال گاز به اروپا را مشخص کند (Reuters, ۲۰۲۳).

## مشخصات فنی

این خط لوله با طول کل ۱۹۰۰ کیلومتر طراحی شده و شامل:

بخش دریایی: که با طول ۱۳۰۰ کیلومتر از سواحل اسرائیل آغاز شده و از نزدیکی قبرس به

کرت در یونان می‌رسد. عمیق‌ترین نقطه این خط لوله ۳۳۰۰ متر زیر سطح دریاست که چالش‌های فنی بزرگی ایجاد می‌کند (IEA, ۲۰۲۴).

**بخش خشکی:** که با طول ۶۰۰ کیلومتر از کرت به یونان و سپس از طریق خط لوله «پوزیدن» به ایتالیا متصل می‌شود، ظرفیت اولیه ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال است که با امکان افزایش به ۲۰ میلیارد متر مکعب در سال بخشی از نیازهای انرژی اروپا را تأمین می‌کند. شرکت IGI Poseidon، کنسرسیومی بین DEPA و Edison، مسئول توسعه این پروژه است (Global Energy Monitor).

ویژگی	جزئیات
طول کل	۱۹۰۰ کیلومتر (۱۳۰۰ کیلومتر دریایی، ۶۰۰ کیلومتر خشکی)
مسیر دریایی	اسرائیل به کرت از طریق قبرس، با عمق بیشترین نقطه ۳۰۰۰ متر
مسیر خشکی	از کرت به یونان و سپس به ایتالیا از طریق خط لوله Poseidon
ظرفیت	۱۰ میلیارد متر مکعب در سال قابل افزایش به ۲۰ میلیارد
هزینه تخمینی	حدود ۶ میلیارد یورو
شرکت‌های مسئول	IGI Poseidon (Edison و DEPA کنسرسیوم)
بازیگران اصلی	اسرائیل، قبرس، یونان، ایتالیا، اتحادیه اروپا

بازیگران اصلی این پروژه اسرائیل، قبرس، یونان، ایتالیا و اتحادیه اروپا هستند. در این میان اسرائیل تأمین‌کننده اصلی گاز با میدین تمار و لویاتان است که تولید آن از دسامبر ۲۰۱۹ آغاز شده است (Times of Israel, ۲۰۱۹). در کنار اسرائیل، قبرس با میدان آفرودیت با ذخیره ۱۲۹ میلیارد متر مکعب که از سال ۲۰۱۱ کشف شده، به عنوان پل جغرافیایی عمل می‌کند (Henderson, ۲۰۱۹: ۳). دو کشور یونان و ایتالیا نیز در این پروژه مشارکت دارند که بر اساس گزارش اندیشکده شورای آتلانتیک اولی مسیر خشکی را فراهم کرده و به دنبال هاب انرژی شدن است (Ellinas, ۲۰۲۲b: ۱۴). است و دومی مقصد نهایی است که حمایت آن به دلیل هزینه‌ها متزلزل است. هزینه ساخت EastMed بین ۶ تا ۷ میلیارد یورو تخمین زده شده که به دلیل پیچیدگی‌های فنی و عمق زیاد بخش دریایی، رقم قابل توجهی است (Tsafos, ۲۰۲۳: ۱۶). اتحادیه اروپا نیز از پروژه با بودجه PCI حمایت کرده است؛ اما بنا

به دلایلی که در ادامه بررسی خواهد شد، این حمایت را کاهش داده است (DEPA International Projects).

### ترکیه: از اکتشاف تا تبدیل شدن به هاب انرژی

ترکیه از اوایل دهه ۲۰۰۰ با هدف کاهش وابستگی به واردات گاز (۹۹٪ از مصرف گاز در سال ۲۰۲۱ وارداتی بود)، اکتشافات خود را در شرق مدیترانه و دریای سیاه آغاز کرد (IEA, ۲۰۲۴: ۴۷). این فعالیت‌ها به‌ویژه در آب‌های مورد اختلاف با قبرس و یونان، با هدف دسترسی به منابع گازی منطقه‌ای انجام شد، اما تنش‌هایی را با کشورهای همسایه ایجاد کرد (IEA, ۲۰۲۱/۱۵). بر اساس گزارش گارت وینرو در اندیشکده بروکینگز، سیاست انرژی ترکیه هدف دارد تا علاوه بر تأمین نیازهای داخلی رو به رشد انرژی، از موقعیت استراتژیک خود بین اروپا و آسیا برای تبدیل شدن به یک کشور ترانزیتی کلیدی و یک هاب انرژی استفاده کند (Winrow, ۲۰۱۴).

کشف میدان گازی ساکاریا در دریای سیاه، در آگوست ۲۰۲۰ توسط شرکت دولتی TPAO نقطه عطفی برای ترکیه بود. این میدان که بزرگ‌ترین کشف گازی ترکیه تا کنون است، ذخایری بالغ بر ۴۰۵ تا ۵۴۰ میلیارد متر مکعب گاز دارد و تولید آن از سال ۲۰۲۳ آغاز خواهد شد. بر اساس برنامه‌ریزی‌ها تا سال ۲۰۲۸، این میدان قرار است ۱۴ میلیارد متر مکعب گاز در سال تولید کند که حدود ۳۰ درصد از نیاز گازی داخلی ترکیه را تأمین خواهد کرد (IEA, ۲۰۲۴: ۴۵).

بر اساس تخمین‌های جدیدتر، میدان ساکاریا دارای ۷۱۰ میلیارد متر مکعب گاز است و تولید آن تا پایان سال ۲۰۲۳ به ۴ میلیون متر مکعب در روز رسید با این حال این اکتشافات تنها بخشی از نیازهای گازی ترکیه را پوشش می‌دهند و نمی‌توانند به طور کامل وابستگی به گاز وارداتی را از بین ببرند. توسعه این میدان‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و فناوری پیشرفته است که ممکن است ترکیه را به همکاری با شرکت‌های غربی یا حتی روسیه وادار کند؛ امری که با جاه‌طلبی‌های استقلال انرژی آنکارا در تضاد است (Siccardi, ۲۰۲۴: ۶-۹).

همچنین وایس، لارابی، بارتیس و ساواک در اندیشکده رند، بر اهمیت فزاینده امنیت انرژی برای ترکیه به‌ویژه با افزایش جریان نفت و گاز از منطقه قفقاز تأکید و پیشنهاد کرده‌اند که کمک به ترکیه

برای تقویت ظرفیت‌های امنیت خطوط لوله و پاسخ به فاجعات دریایی می‌تواند یک زمینه مهم برای همکاری باشد (Weiss, et al: ۲۰۱۲). بر اساس تحلیل‌ها، کشف میدان ساکاریا به ترکیه این امکان را می‌دهد که در مذاکرات تجاری گاز قدرت بیشتری داشته باشد و همچنین وابستگی خود به واردات گاز را کاهش دهد (Bilkent Energy Policy Research Center, ۲۰۲۰).

ترکیه در کنار اقدامات اکتشافی و تولیدی، از طریق خطوط لوله مانند ترک استریم، TANAP و ایران-ترکیه تلاش می‌کند به هاب انرژی تبدیل شود. خط لوله ترک استریم که در سال ۲۰۲۰ به بهره‌برداری رسید، ظرفیت انتقال ۳۱.۵ میلیارد متر مکعب گاز در سال را دارد و به روسیه این امکان را می‌دهد که گاز خود را بدون وابستگی به ترانزیت از اوکراین به اروپا برساند. این خط لوله نقش مهمی در استراتژی انرژی روسیه دارد و همچنین برای ترکیه منبع مهمی از گاز است. خط لوله TANAP که بخشی از کوریدور گاز جنوبی است، گاز آذربایجان را از ترکیه به اروپا منتقل می‌کند. ظرفیت فعلی آن ۱۶ میلیارد متر مکعب در سال است که قرار است تا پنج سال آینده به ۳۲-۳۳ میلیارد متر مکعب افزایش یابد (Gaber, ۲۰۲۲). خط لوله ایران-ترکیه که از دهه ۱۹۹۰ فعال است، ظرفیت واردات ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز از ایران به ترکیه را دارد (BP Statistical Review of World Energy: ۳۸).

ترکیه قصد دارد با ترکیب گاز از منابع مختلف، از جمله تولید داخلی از میدان ساکاریا، گاز روسی از طریق ترک استریم، گاز آذربایجانی از طریق TANAP و گاز ایرانی، به عنوان یک هاب انرژی عمل کند و گاز ترکیبی را به اروپا صادر کند. با این حال نگرانی‌هایی وجود دارد که روسیه ممکن است از ترکیه برای پرهیز از تحریم‌ها با بازنشاندن گاز خود به عنوان گاز ترکی استفاده کند (Gaber, ۲۰۲۲).

لذا در یک نگاه کلان می‌توان بازی را این گونه ترسیم کرد: از یک سو اسرائیل، قبرس و یونان از طریق خط لوله EastMed به بازار اروپا راه پیدا کنند که این اقدام در ابتدای امر توسط آمریکا نیز حمایت می‌شد. از سوی دیگر ترکیه می‌کوشد هم از طریق اکتشافات و هم از طریق دریافت گاز از روسیه و ایران به عنوان یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان گاز اروپا تبدیل شود (Colibasunu, ۲۰۲۴). در ورای اینها ایالات متحده است که در یک بازی چند لایه با کنارزدن این رقبا می‌کوشد بازار اروپا را از آن خود کند. در ادامه به بازی چند لایه آمریکا در این زمینه خواهیم پرداخت.

## بازیگری آمریکا و مهار رقبا

راهبرد آمریکا پس از تولید بی‌سابقه گاز در این کشور، صادرات و به‌دست‌گرفتن بازارهای بازیگران همسو و بیرون‌راندن سایر رقباست. در همین زمینه تحریم‌های آمریکا علیه روسیه به عنوان اصلی‌ترین تأمین‌کننده گاز اروپا از سال ۲۰۱۴ آغاز شده و با جنگ اوکراین در ۲۰۲۲ شدت یافت. این تحریم‌ها شامل محدودیت بر شرکت گازپروم، تعلیق نورد استریم ۲ و کاهش عرضه گاز از اوکراین بود. نگاهی به جدول زیر سطوح مختلف و دامنه تحریم‌های آمریکا علیه روسیه در حوزه انرژی را بهتر نشان می‌دهد:

تاریخ اعمال تحریم	شرح تحریم در حوزه انرژی	جزئیات و هدف تحریم
۲۸ فوریه ۲۰۲۲	تحریم بانک مرکزی روسیه و محدودیت تراکنش‌های انرژی	مسدودکردن دارایی‌ها و ممنوعیت تراکنش‌های دلاری برای کاهش توانایی تأمین مالی پروژه‌های نفت و گاز <sup>۱</sup>
۲۴ مارس ۲۰۲۲	تحریم شرکت‌های نفت و گاز از جمله گازپروم و روسنفت	ممنوعیت ارائه فناوری و خدمات برای اکتشاف و تولید نفت و گاز در آب‌های عمیق، شیل و قطب شمال <sup>۲</sup>
۸ آوریل ۲۰۲۲	ممنوعیت واردات نفت، گاز طبیعی مایع و زغال‌سنگ از روسیه به آمریکا	قطع کامل واردات انرژی برای کاهش درآمدهای صادراتی روسیه و فشار بر اقتصاد جنگی <sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> U.S. Department of the Treasury (۲۰۲۲a). U.S. sanctions Russia's central bank. Press Release, <https://home.treasury.gov/news/press-releases/jy۰۶۱۲>.

<sup>۲</sup> The White House (۲۰۲۲a). Fact sheet: United States bans Russian energy imports, <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/۲۰۲۲/۰۳/۲۴/fact-sheet>.

<sup>۳</sup> U.S. Government (۲۰۲۲). Executive Order ۱۴۰۶۶: Prohibiting imports of Russian oil, LNG, and coal. Federal Register. <https://www.federalregister.gov/documents/>

این تحریم‌ها که پس از تهاجم روسیه به اوکراین تشدید شد، عرضه گاز این کشور به اروپا را از ۴۰ درصد در سال ۲۰۲۱ به کمتر از ۱۰ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش داد (IEA, ۲۰۲۴: ۲۶) و هرچند زمستان سختی برای اروپا رقم زد، اما به موازات آن بازار سنتی اروپا از دست روسیه خارج شد و رفته‌رفته جای خود را به آمریکا داد.

بازیگر اثرگذار دیگر نیز که می‌توانست از طریق ترکیه گاز خود را به اروپا صادر کند، ایران بود که آن نیز تحریم شده است. این تحریم‌ها که از سال ۱۹۷۹ آغاز شده بود، در سال ۲۰۱۸ با خروج آمریکا از برجام به اوج خود رسید (U.S. Department of the Treasury, ۱۹۷۹). همان‌طور که در جدول زیر قابل مشاهده است، همزمان با اوج‌گیری تولید نفت و گاز در آمریکا، دونالد ترامپ از برجام خارج شده تا زمینه برای مقابله با ورود احتمالی ایران به بازار انرژی اروپا مسدود شود.

تاریخ اعمال تحریم	شرح تحریم در حوزه انرژی	جزئیات و هدف تحریم
۱۴ نوامبر ۱۹۷۹	مسدودکردن دارایی‌های شرکت ملی نفت ایران و توقف صادرات نفت به آمریکا	مسدودکردن دارایی‌های نفتی ایران در آمریکا برای فشار اقتصادی پس از گروگان‌گیری سفارت <sup>۱</sup>
۳۰ آوریل ۱۹۹۵	تحریم سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران توسط شرکت‌های آمریکایی	ممنوعیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در بخش نفت و گاز ایران برای محدودکردن توسعه صنعت انرژی <sup>۲</sup>

[۲۰۲۲/۰۴/۱۳/۲۰۲۲-۰۸۰۰۷/executive-order-۱۴۰۶۶](https://www.federalregister.gov/documents/1979/11/14/79-30393/iranian-assets-control-regulations).

<sup>۱</sup> U.S. Department of the Treasury (۱۹۷۹). Iranian assets control regulations. Federal Register, <https://www.federalregister.gov/documents/1979/11/14/79-30393/iranian-assets-control-regulations>.

<sup>۲</sup> U.S. Government (۱۹۹۵). Executive Order ۱۲۹۵۹: Prohibiting certain transactions with respect to Iran. Federal Register, <https://www.govinfo.gov/content/pkg/FR-1995-05-02/pdf/95-10867.pdf>.

کاهش درآمدهای نفتی ایران از طریق قطع خرید نفت توسط متحدان آمریکا و فشار بر بازار جهانی <sup>۱</sup>	تحریم خرید نفت ایران توسط کشورها تحت فشار آمریکا (بخش ۱۲۴۵ قانون NDAA)	۳۱ دسامبر ۲۰۱۲
قطع کامل صادرات نفت ایران به عنوان بخشی از فشار حداکثری برای توقف برنامه هسته‌ای <sup>۲</sup>	بازگرداندن تحریم‌های نفتی پس از خروج از برجام	۵ نوامبر ۲۰۱۸
هدف‌گیری شبکه‌های قاچاق نفت ایران برای کاهش درآمدهای غیرقانونی و فشار بر نیروهای مسلح <sup>۳</sup>	تحریم ۲۲ شخص و ۳ نهاد مرتبط با شرکت ملی نفت ایران و شبکه‌های حمل و نقل نفت	۲۴ فوریه ۲۰۲۵

اکنون برای فهم بهتر بازیگری انرژی آمریکا در قاره سبز باید نگاهی به آمار انداخت. مطابق آمار آژانس بین‌المللی انرژی تا سال ۲۰۲۲ حدود ۴۰٪ از گاز طبیعی و ۲۷٪ از نفت خام این قاره از روسیه تأمین می‌شد (۲۲: ۲۰۲۲، IEA). هرچند تحریم‌ها و کاهش عرضه روسیه پس از سال ۲۰۲۲، اروپا را در موقعیت دشواری قرار داد، اما ایالات متحده به سرعت وارد عمل شد. در حالی که صادرات LNG آمریکا به اروپا از ۱۸.۹ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۲۱ بود، این رقم در سال ۲۰۲۲ به رقم ۵۰.۱ میلیارد متر مکعب و سپس به ۵۶.۳ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۲۳ جهش کرد و آمریکا را به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده LNG اروپا تبدیل کرد (۱۲: ۲۰۲۴b، EIA). اندیشکده بروکینگز در تحلیلی جامع به قلم

<sup>۱</sup> U.S. Government (۲۰۱۲). National Defense Authorization Act for Fiscal Year ۲۰۱۲. Public Law ۱۱۲-۱۵۸, <https://www.congress.gov/۱۱۲/plaws/publ۱۵۸/PLAW-۱۱۲publ۱۵۸.pdf>.

<sup>۲</sup> U.S. Government (۲۰۱۸). Reimposing sanctions on Iran. Federal Register, <https://www.federalregister.gov/documents/۲۰۱۸/۰۸/۰۷/۲۰۱۸-۱۷۰۶۸/reimposing-sanctions-on-iran>.

<sup>۳</sup> U.S. Department of the Treasury (۲۰۲۵). Treasury targets Iran's petroleum and petrochemical sectors. Press Release, <https://home.treasury.gov/news/press-releases/sb۰۰۱۵>.

سامانتا گروس بیان می‌کند که این تغییر، بخشی از استراتژی آمریکا برای تثبیت نفوذ خود در اروپا بوده است (Gross, ۲۰۲۲). روند فزاینده واردات نفت و گاز این قاره از آمریکا مؤید این امر است. ارسال ۱۵ میلیارد مترمکعب LNG به اروپا از فروپاشی اقتصادی در کشورهایمانند آلمان جلوگیری کرد. کالینز و مایلز در مقاله‌ای در اندیشکده بیکر استدلال می‌کنند که LNG آمریکا، وابستگی اروپا به گاز روسیه را کاهش داده و نفوذ ژئوپلیتیکی مسکو را تضعیف کرده است. این تغییرات، امنیت انرژی ناتو را تقویت کرده و به ثبات سیاسی و اقتصادی اروپا کمک کرده است. تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه انرژی روسیه و کاهش عمده عرضه گاز توسط مسکو در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، تقاضا برای LNG و نفت خام ایالات متحده را به شدت افزایش داد. این عوامل محرک اصلی تبدیل ایالات متحده به تأمین‌کننده اصلی اروپا شدند (Collins and Miles, ۲۰۲۲). اقدام دیگر مشترک آمریکا-اروپا توافق «کارگروه مشترک امنیت انرژی» در مارس ۲۰۲۲ با هدف جایگزینی ۵۰ میلیارد متر مکعب از گاز روسیه تا سال ۲۰۳۰ است (White House & European Commission, ۲۰۲۲).

### قانون شرق مدیترانه ایالات متحده

گام بعدی برای از میدان به در کردن رقبای، قانون شرق مدیترانه بود که با هدف تقویت همکاری‌های انرژی و امنیتی با کشورهای شرق مدیترانه، از جمله اسرائیل، یونان و قبرس طراحی و در سال ۲۰۲۰ پس از تصویب کنگره توسط دونالد ترامپ امضا شد (Pub. L. ۱۱۶-۹۴, ۲۰۲۲). این قانون در پاسخ به رقابت‌های ژئوپلیتیکی در منطقه به‌ویژه فعالیت‌های ترکیه و روسیه و همچنین نیاز اروپا به تنوع بخشی منابع انرژی پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و تشدید آن در ۲۰۲۲ مطرح شد. این قانون نه تنها بر توسعه منابع گازی شرق مدیترانه تمرکز داشت، بلکه به عنوان ابزاری برای مقابله با نفوذ ترکیه و تقویت روابط استراتژیک آمریکا با متحدانش عمل می‌کرد.

ایده قانون شرق مدیترانه در اواخر دهه ۲۰۱۰ شکل گرفت؛ زمانی که کشف میادین گازی عظیمی مانند لویاتان (اسرائیل) و آفرودیت (قبرس) توجه آمریکا را به پتانسیل انرژی شرق مدیترانه جلب کرد (Tsafos, ۲۰۲۲). پس از بحران اوکراین و تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه، اروپا به دنبال منابع جایگزین گاز بود و خط لوله EastMed که پیش تر توضیح آن آمد، به عنوان یک مسیر بالقوه

مطرح شد (Ellinas, ۲۰۲۲). در این راستا، کنگره آمریکا در دسامبر ۲۰۱۹ پیش‌نویس قانونی را تحت عنوان «قانون شرق مدیترانه امنیت و مشارکت انرژی» معرفی کرد که ابتدا به عنوان بخشی از لایحه دفاعی ملی پیشنهاد شد و پس از بحث‌های گسترده، در ۲۷ دسامبر ۲۰۲۰ به عنوان بخشی از لایحه بودجه دفاعی سال ۲۰۲۱ به تصویب رسید (Pub. L. ۱۱۶-۹۴, ۲۰۲۲).

این قانون چندین هدف کلیدی را دنبال می‌کند:

۱- **تقویت همکاری انرژی:** این قانون حمایت آمریکا از توسعه پروژه‌های گازی شرق مدیترانه، از جمله خط لوله EastMed با طول ۱۹۰۰ کیلومتر و ظرفیت ۱۰-۲۰ میلیارد متر مکعب در سال را تضمین می‌کند که توضیحات آن داده شد. مطابق این قانون دولت آمریکا موظف شده تا ۳۰ میلیون دلار در پنج سال (۲۰۲۱-۲۰۲۵) برای مطالعات امکان‌سنجی خط لوله EastMed اختصاص دهد (Pub. L. ۱۱۶-۹۴, ۲۰۲۲).

۲- **حمایت امنیتی:** این قانون بر افزایش همکاری‌های نظامی و امنیتی با اسرائیل، یونان و قبرس از جمله فروش تسلیحات و مشارکت در تمرین‌های مشترک تأکید داشت (Dalay, ۲۰۲۱: ۳). مطابق این قانون، فروش تسلیحات به ارزش ۲ میلیارد دلار به یونان و قبرس تأیید می‌شود و برنامه‌های آموزشی مشترک را گسترش می‌داد.

۳- **مقابله با نفوذ ترکیه:** فعالیت‌های اکتشافی ترکیه در مدیترانه که با منافع قبرس و یونان در تضاد بود، از دید آمریکا تهدیدی برای ثبات منطقه محسوب می‌شد و این قانون به دنبال محدود کردن این نفوذ بود (Tsafos, ۲۰۲۲). نکته حائز اهمیت این قانون آن بود که در صورت ادامه تنش‌های ترکیه با متحدان آمریکا، این قانون امکان اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه شرکت‌های مرتبط با فعالیت‌های غیرقانونی اکتشافی ترکیه را فراهم می‌کرد (Pub. L. ۱۱۶-۹۴, ۲۰۲۲).

۴- **تنوع بخشی انرژی اروپا:** با توجه به کاهش عرضه گاز روسیه پس از ۲۰۲۲، این قانون به عنوان بخشی از استراتژی آمریکا برای تقویت صادرات LNG و پروژه‌های جایگزین عمل می‌کرد (BP, ۲۰۲۳: ۲۴).

این قانون روابط استراتژیک با اسرائیل، یونان، و قبرس را تقویت کرد، اما روابط ترکیه با ایالات متحده را تحت تأثیر قرار داد. توقف حمایت آمریکا از خط لوله EastMed در سال ۲۰۲۲، اگرچه به

نفع ترکیه تلقی شد، اما به معنای بهبود روابط نبود، بلکه بخشی از استراتژی آمریکا برای حفظ سلطه بر بازار LNG اروپا بود (Siccardi, ۲۰۲۴: ۱۹-۲۰).

آن گونه که فدریکا فاسانوتی در اندیشکده بروکینگز تحلیل می‌کند، این قانون روابط استراتژیک با اسرائیل، یونان و قبرس را تقویت کرده و آنها را به عنوان شرکای کلیدی در برابر نفوذ ترکیه و روسیه قرار داده است (Fasanotti, ۲۰۲۰). همچنین فعالیت‌های اکتشافی ترکیه به‌ویژه در آب‌های مورد ادعای قبرس، با انتقاد آمریکا مواجه شده بود و این قانون زمینه تحریم شرکت‌های دولتی ترکیه مانند TPAO یا پروژه‌های ترکیه مانند TANAP و ترک‌استریم است که گاز را از آذربایجان و روسیه به اروپا منتقل می‌کنند، فراهم می‌کرد (Tsafos, ۲۰۲۲).

از طرف دیگر تحریم‌های آمریکا از سال ۲۰۱۸، صادرات گاز ایران را نیز محدود کرد. خط لوله ایران-ترکیه با ظرفیت ۱۶ میلیارد متر مکعب، به دلیل تحریم‌ها به ۱۰ میلیارد متر مکعب رسید (Tsafos, ۲۰۲۲) و عملاً شانس این کشور برای ورود به بازار اروپا را از بین برد (BP, ۲۰۲۴: ۳۸). اندیشکده مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک تحلیل می‌کند که این تحریم‌ها، نفوذ ایران در بازار اروپا را تضعیف کرد (Cahill, ۲۰۲۳: ۱۲).

بنابراین آمریکا تا بدین جای کار ضمن تحریم روسیه، ایران و سپس تصویب قانون فوق‌الذکر که در واقع هدف ظاهری‌اش حمایت از تنوع‌بخشی به سبد گازی اروپا بود؛ اما در باطن ممانعت جدی از ورود ترکیه به بازار اروپا اعم از صادرات مستقیم یا تبدیل شدن به هاب گازی ایران-روسیه را در دستور کار قرار داد. این قانون به گونه‌ای تدوین شده که حتی اجازه تحریم ترکیه به عنوان متحد آمریکا در ناتو را نیز می‌دهد (Tsafos, ۲۰۲۲).

### گام نهایی؛ بهانه‌ای به نام هزینه-محیط زیست

همزمان با اوج‌گیری صادرات گاز آمریکا به اروپا در پی تشدید تحریم‌ها علیه روسیه (اجرای فاز اول)، قانون شرق مدیترانه که اهدافش به طور مفصل مورد بحث قرار گرفت، ناگهان در ژوئن ۲۰۲۲، دولت بایدن با انتشار یک سند غیررسمی، حمایت از خط لوله EastMed را متوقف کرد. آنچه دولت بایدن در خصوص این اقدام عنوان کرد، مشکلات زیست‌محیطی و هزینه‌های مالی و فنی بود.

اندیشکده شورای آتلانتیک طی گزارش مفصل مشکلات فنی و مالی، نگرانی‌های زیست‌محیطی و تنش‌های منطقه‌ای را دلیل چنین اقدامی عنوان می‌کند (Chondrogiannos, ۲۰۲۲). با این حال تحلیل‌های اندیشکده‌های آمریکایی نشان می‌دهد انگیزه‌های عمیق‌تر اقتصادی و استراتژیک نیز نقش داشته‌اند.

آمریکا از سال ۲۰۱۶ به یک صادرکننده کلیدی LNG تبدیل شده و در ۲۰۲۳، ۸۴.۵ میلیون تن (معادل ۱۱۳ میلیارد متر مکعب) گاز به اروپا صادر کرده است (EIA, ۲۰۲۴). با کاهش عرضه گاز روسیه به اروپا (از ۴۰٪ در ۲۰۲۱ به کمتر از ۱۰٪ در ۲۰۲۳)، LNG آمریکا بازار مهمی را تصاحب کرد (BP, ۲۰۲۳: ۲۴). اگر خط لوله EastMed ساخته می‌شد، گاز شرق مدیترانه می‌توانست رقیب جدی برای LNG آمریکا باشد که سودآوری ۵۰ میلیارد دلاری سالانه را تهدید می‌کرد (Tsafos, ۲۰۲۲). اندیشکده بروکینگز این تغییر را «یک تصمیم اقتصادی محض» توصیف و استدلال می‌کند که آمریکا ترجیح داد بازار را به نفع خود حفظ کند تا رقیبی جدید را تقویت کند (Chondrogiannos, ۲۰۲۲).

اندیشکده‌های آمریکایی مانند مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک و شورای آتلانتیک معتقدند تصمیم آمریکا بیشتر به منافع اقتصادی و حفظ سلطه بازار LNG مربوط است تا نگرانی‌های زیست‌محیطی (Chondrogiannos, ۲۰۲۲). این تصمیم، هرچند به نفع ترکیه تلقی شد، به معنای حمایت از آن نبود؛ بلکه آمریکا ترجیح داد بازار اروپا را تحت کنترل خود نگه دارد. بروکینگز استدلال می‌کند که این اقدام، یک «بازی قدرت پنهان» بود که اروپا را به وابستگی بیشتر به LNG آمریکا سوق داد (Fasanotti, ۲۰۲۰). از سوی دیگر برخی تحلیلگران معتقدند توقف حمایت، تلاشی برای کاهش تنش با ترکیه بود، اما شواهد نشان می‌دهد که روابط آمریکا و ترکیه پس از ۲۰۲۲ همچنان متشنج باقی ماند (Tsafos, ۲۰۲۰).

این در حالی است که استراتژی بلندمدت اروپا در زمینه کربن صفر که به کاهش واردات بیشتر انرژی‌های فسیلی تا سال ۲۰۵۰ خواهد انجامید (UNFCCC, ۲۰۲۳: ۱۵)، آمریکا را بیش از پیش به حفظ این بازار پرسود و در عین حال بی‌رقیب تشویق می‌کند؛ چراکه سیاست کاهش انرژی‌های فسیلی به مثابه کوچک‌شدن بازار مصرف در اروپاست و همین امر سبب رقابت بیش از پیش در اروپا به عنوان متحد سنتی آمریکا خواهد شد؛ چراکه سیاست کاهش انرژی‌های فسیلی به مثابه کوچک‌شدن بازار

مصرف در اروپاست و همین امر سبب رقابت بیش از پیش در اروپا به عنوان متحد سنتی آمریکا خواهد شد.

## نتیجه‌گیری

تحلیل حاضر نشان داد که ایالات متحده آمریکا با بهره‌گیری از انقلاب گاز شیل و فناوری‌های پیشرفته شکست هیدرولیکی، نه تنها به خودکفایی انرژی دست یافته، بلکه به بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی مایع (LNG) جهان تبدیل شده و بازار گاز اروپا را تحت سلطه خود درآورده است. این تحول که با افزایش تولید گاز شیل از ۵ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۳۰ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۲۳ همراه بود، به آمریکا امکان داد با تکیه بر پایانه‌های صادراتی بیش از ۶۰ درصد از نیاز LNG اروپا را تأمین کند. این دستاورد اقتصادی-ژئوپلیتیکی، نتیجه یک استراتژی چندلایه بود که در آن آمریکا با اعمال تحریم‌های هدفمند علیه رقبای کلیدی مانند روسیه و ایران و مدیریت پروژه‌های منطقه‌ای نظیر EastMed رقبا را از بازار اروپا حذف کرد.

در این مقاله گفته شد تحریم‌های آمریکا علیه روسیه به‌ویژه پس از بحران اوکراین در ۲۰۲۲، عرضه گاز این کشور به اروپا را از ۴۰ درصد به کمتر از ۱۰ درصد کاهش داد، درحالی‌که تحریم‌های مستمر علیه ایران از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۸، عملاً این کشور را از رقابت در بازار گاز اروپا کنار گذاشت. در این میان قانون شرق مدیترانه که در ظاهر برای حمایت از تنوع‌بخشی به منابع انرژی اروپا طراحی شده بود، به ابزاری برای مهار ترکیه و جلوگیری از تبدیل شدن آن به هاب انرژی منطقه‌ای تبدیل شد. توقف غیرمنتظره حمایت آمریکا از خط لوله EastMed در سال ۲۰۲۲، با بهانه‌های زیست‌محیطی و مالی، بیش از آنکه به نفع ترکیه باشد، راه را برای تثبیت سلطه LNG آمریکا در اروپا هموار کرد. این تصمیم که تحلیلگران آن را «بازی قدرت پنهان» توصیف کرده‌اند، نشان‌دهنده اولویت منافع اقتصادی آمریکا بر همکاری‌های منطقه‌ای بود.

از منظر ژئوپلیتیکی، استراتژی آمریکا نه تنها نفوذ رقبایی مانند روسیه و ایران را تضعیف کرد، بلکه با محدودکردن پتانسیل ترکیه به عنوان یک هاب انرژی، از ظهور یک بازیگر جدید هم در شرق مدیترانه و هم در بازار اروپا جلوگیری کرد. کشف میدان ساکارا با ذخایر ۴۰۵ تا ۵۴۰ میلیارد متر

مکعب و تلاش‌های ترکیه برای توسعه خطوط لوله‌ای مانند ترک استریم و TANAP نشان‌دهنده عزم این کشور برای ایفای نقش بزرگ‌تر در بازار انرژی است. با این حال موانع ایجادشده توسط قانون شرق مدیترانه که دست آمریکا برای تحریم خطوط انتقالی را باز گذاشته و همچنین تنش‌های منطقه‌ای با همسایگان، توانایی ترکیه برای رقابت با LNG آمریکا را محدود کرده است.

از منظر اقتصادی، استفاده از منابع نفت و گاز شیل آمریکا تا سال ۲۰۵۰ می‌تواند بیش از ۵.۲۷ میلیون شغل در سال ایجاد کند، با اوج اشتغال‌زایی بیش از ۶ میلیون شغل و تولید ناخالص داخلی (GDP) را بیش از ۲۵ تریلیون دلار افزایش دهد (۵-۴: ۲۰۲۵، Dayaratna et al.). این مزیت اقتصادی، همراه با هزینه‌های پایین تولید گاز شیل (بین ۲.۲ تا ۳ دلار به ازای MMBtu)، موقعیت رقابتی آمریکا را در بازار جهانی گاز تقویت کرده و توانایی این کشور برای تسلط بر بازار اروپا را افزایش داده است (۵-۴: ۲۰۲۵، Dayaratna et al.).

با نگاهی به آینده، سناریوهای احتمالی نشان می‌دهد سلطه آمریکا بر بازار گاز اروپا تا زمانی که سیاست‌های کربن اروپا به کاهش قابل توجه تقاضای گاز منجر نشده، ادامه خواهد یافت. تا سال ۲۰۵۰ کوچک شدن بازار گاز اروپا به دلیل انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر، رقابت میان تأمین‌کنندگان باقی‌مانده را تشدید خواهد کرد. در این میان، آمریکا با تکیه بر هزینه‌های پایین تولید شیل (حدود ۲.۲ تا ۳ دلار به ازای MMBtu) و زیرساخت‌های صادراتی پیشرفته، همچنان مزیت رقابتی خواهد داشت. بنابراین بازی دوگانه آمریکا در شرق مدیترانه، ترکیبی از فناوری، تحریم و دیپلماسی استراتژیک بوده که با هدف حفظ سلطه بر بازار گاز اروپا طراحی شده است.

## منابع

- یرگین، دانیل (۱۴۰۱). نقشه جدید جهان. ترجمه امیر امیرحاج، تهران: بنگاه ترجمه و نشر پارسه.
- Bilkent Energy Policy Research Center (۲۰۲۰). *Turkey's energy future: The Sakarya gas field discovery*. Bilkent University.
- BP. (۲۰۲۴). BP statistical review of world energy. British Petroleum.
- Cahill, B. (۲۰۲۳). Energy market implications Israel-Hamas conflict. Center for Strategic and International Studies, <https://www.csis.org/analysis/energy-market-implications-israel-hamas-conflict>.
- Chondrogiannos, D. (۲۰۲۲). *The EastMed pipeline: Challenges and opportunities*. Atlantic Council.
- Colibasanu, A. (۲۰۲۴). Turkey's evolving geopolitical strategy in the Black Sea. Foreign Policy Research Institute, <https://www.fpri.org/article/۲۰۲۴/۱۲/turkeys-evolving-geopolitical-strategy-in-the-black-sea/>.
- Collins, G., & Miles, S. R. (۲۰۲۲). A bridge over troubled water: LNG FSRUs can enhance European energy security. Baker Institute for Public Policy, <https://www.bakerinstitute.org/research/a-bridge-over-troubled-water-lng-fsrus-can-enhance-european-energy-security>.
- Cook, S. A. (۲۰۱۵). Energizing peace: The role of pipelines in regional cooperation. Brookings Institution, <https://www.brookings.edu/articles/energizing-peace-the-role-of-pipelines-in-regional-cooperation/>.
- Dalay, G. (۲۰۲۱). *The Eastern Mediterranean security and energy partnership act: Implications for Turkey*. Middle East Institute.
- Dayaratna, K. D., Gae, A., & Loyola, M. (۲۰۲۵). *Time for U.S. energy dominance: Unlocking America's oil and gas potential through innovation and policy*. The Heritage Foundation.
- DEPA International (n.d.). Interconnector pipeline EastMed. DEPA International Projects, <https://depa-int.gr/en/interconnector-pipeline-eastmed/>.

- EIA. (۲۰۲۳). *Annual energy outlook 2023*. U.S: Energy Information Administration.
- EIA. (۲۰۲۳a). *Shale gas production data*. U.S: Energy Information Administration.
- EIA. (۲۰۲۳b). *Natural gas production statistics*. U.S. Energy Information Administration.
- EIA. (۲۰۲۴). *International energy statistics*. U.S: Energy Information Administration.
- EIA. (۲۰۲۴a). *Cost of shale gas extraction*. U.S: Energy Information Administration.
- EIA. (۲۰۲۴b). *LNG exports to Europe*. U.S: Energy Information Administration.
- Ellinas, C. (۲۰۲۲). The Eastern Mediterranean: From gas to geopolitics. Atlantic Council, [https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/۲۰۲۲/۰۳/Eastern-Mediterranean\\_Final.pdf](https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/۲۰۲۲/۰۳/Eastern-Mediterranean_Final.pdf).
- Fasanotti, F. S. (۲۰۲۰). The new, great, dangerous game in the Eastern Mediterranean. Brookings Institution, <https://www.brookings.edu/articles/the-new-great-dangerous-game-in-the-eastern-mediterranean/>.
- Gaber, Y. (۲۰۲۲). Turkey can become an energy hub—but not by going all-in on Russian gas. Atlantic Council, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/turkeysource/turkey-can-become-an-energy-hub-but-not-by-going-all-in-on-russian-gas/>.
- Global Energy Monitor (n.d.). *EastMed pipeline project details*. Global Energy Monitor.
- Gold, D. (۲۰۲۲). *Israel's energy strategy in the Eastern Mediterranean*. Jerusalem Center for Public Affairs.
- Gross, S. (۲۰۲۲). Now is not the time to limit U.S. natural gas exports, Brookings Institution, <https://www.brookings.edu/articles/now-is-not-the-time-to-limit-u-s-natural-gas-exports/>.
- Henderson, S. (۲۰۱۹). *Cyprus's gas discoveries and regional implications*. The Washington Institute for Near East Policy.
- IEA. (۲۰۲۱). *Turkey energy outlook 2021*. International Energy Agency.
- IEA. (۲۰۲۲). *Europe's energy security post-Ukraine crisis*. International Energy Agency.
- IEA. (۲۰۲۳). *Global gas market report 2023*. International Energy Agency.
- IEA. (۲۰۲۴). *Turkey energy outlook 2024*. International Energy Agency.
- IEA. (۲۰۲۴a). *World energy outlook 2024*. International Energy Agency.
- Kausch, K. (۲۰۲۰). What does Calypso mean for Cyprus and Eastern Mediterranean gas. Center for Strategic and International Studies, <https://www.csis.org/analysis/what-does->

calypso-mean-cyprus-and-eastern-mediterranean-gas.

Koranyi, D. (۲۰۲۰). Looming conflicts over energy resources in the Eastern Mediterranean. Atlantic Council, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/energysource/looming-conflicts-over-energy-resources-in-the-eastern-mediterranean/>.

Medlock, K. B., et al. (۲۰۱۱). *Shale gas and U.S. national security*, Baker Institute for Public Policy.

Morningstar, R. L., Simonyi, A., Khakova, O., & Ryan, P. (۲۰۲۲). *Securing alternative gas supplies and addressing critical infrastructure gaps in Europe*. Atlantic Council Global Energy Center.

NewMed Energy. (n.d.). Aphrodite field. NewMed Energy, <https://newmedenergy.com/operations/aphrodite/>.

NS Energy. (n.d.). Eastern Mediterranean pipeline project. NS Energy Business, <https://www.nsenegybusiness.com/projects/eastern-mediterranean-pipeline-project/>.

Özdil, E. (۲۰۲۳). Turkey's geopolitical role in the Black Sea and European energy security from pipelines to liquefied natural gas. Atlantic Council, <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/report/part-۴-turkeys-geopolitical-role-in-the-black-sea-and-european-energy-security-from-pipelines-to-liquefied-natural-gas/>.

Pub. L. ۱۱۶-۹۴ (۲۰۲۰). Eastern Mediterranean security and energy partnership act of ۲۰۱۹. U.S. Congress, <https://www.congress.gov/bill/۱۱۶th-congress/senate-bill/۱۱۰۲/text>.

## خوانش پسااستعماری کارکرد افسانه‌های هرمزگان در مجموعه داستان «ترس و لرز» غلامحسین ساعدی با نگاهی به دیدگاه‌های پساشرق‌شناسی ادوارد سعید

احسان علیرضایی<sup>۱</sup>

علیرضا داوری<sup>۲</sup>

### چکیده

داستان‌های عامیانه و جغرافیایی هر کشوری، منبع شناخت رفتارها و کنش‌های اجتماعی هر جامعه‌اند. هرمزگان به عنوان یکی از خرده‌فرهنگ‌های مهم ایران از این قاعده مستثنا نیست. مقاله حاضر به صورت کیفی با روش تحلیلی-توصیفی بر مجموعه داستان «ترس و لرز» غلامحسین ساعدی تطبیق‌سازی شده و در صدد است نشان دهد با بررسی موضوع استعمار در مجموعه داستان ترس و لرز غلامحسین ساعدی می‌توان به رویکرد و راه‌های نمادین برای هویت‌یابی و شیوه مبارزه با

۱. دکترای فلسفه هنر، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (2298113017@iau.ir).

۲. کارشناس ارشد هنر.

استعمار به کمک ادبیات داستانی دست یافت. ساعدی با استفاده از افسانه‌های کهن و باورهای دیرین مردم جنوب ایران و با بهره‌گیری از عناصر اسطوره‌ای نمادین، به تصویرسازی در بیان تقابل سنت و مدرنیته و دیگر مشکلات جوامع کنونی به‌ویژه کشورهای جهان سوم پرداخته است. مینا و چهارچوب نظری این تحقیق بر اساس نظریات «پسااستعماری» (Postcolonial) و شرق‌شناسانه «ادوارد سعید»<sup>۱</sup> می‌باشد. در این مقاله تلاش شده است با معرفی افسانه‌های ساحل‌نشینان هرمزگان و جنبه‌های استعماری آنها در مجموعه داستان ترس و لرز غلامحسین ساعدی به این پرسش پاسخ داده شود که آیا بازتولید و بازخوانی این اثر عاری از رویکرد انتقادی منجر به نگاه استعماری است یا خیر. ساعدی در این اثر با مطالعه موردی زندگی مردم جنوب ایران، به ترسیم اوضاع سیاسی ایران که عرصه تاخت و تاز و حضور بیگانگان استعمارگر شده است، پرداخته و تلاش نموده است نشان دهد دستگاه‌های حکومتی با عدم ارائه امکانات رشد و پیشرفت روستاها، با بیگانگان در ترویج فرهنگ استعمار رابطه‌ای موازی و همسو دارند.

#### کلیدواژه‌ها:

استعمار، ادوارد سعید، افسانه، غلامحسین ساعدی، ترس و لرز.

۱. ادوارد ودیع سعید (Edward Said) نظریه‌پرداز ادبی، منتقد فرهنگی و فعال سیاسی فلسطینی-آمریکایی است. سعید به عنوان یکی از بنیان‌گذاران نظریه پسااستعماری شناخته می‌شود. نظریه شرق‌شناسی (اورینتالیسم) از ابتکارات فکری اوست.

آفرینش داستان‌هایی که بن‌مایه افسانه‌ای دارند، در ادبیات معاصر به صورت یک جریان مشخص پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ صورت گرفت. نویسندگان در دهه‌های بعد، بسیاری از ماجراهای شکست نهضت ملی و روشنفکران و آرزوهای آنان را برای گریز از استبداد در قالب افسانه ریختند. موضوع بیگانه‌ستیزی و مبارزه با استعمار از دیگر موضوعات مهمی است که در ادبیات داستانی دوران معاصر ایران بازتاب زیادی یافته است. گونه اقلیمی با رنگ و بوی اجتماعی، سیاسی و روان‌شناسی بیشتر از سایر ویژگی‌ها در مجموعه داستان ترس و لرز ساعدی به چشم می‌خورد. غلامحسین ساعدی در ترس و لرز از منظر نقد پسااستعماری به کارکرد افسانه‌های هرمزگان و نقش استعمارزدگی آنها در تفکرات بومی منطقه پرداخته است. راهکار ساعدی برای رهایی از استعمار، آگاهی فرهنگی است.

مجموعه داستان ترس و لرز غلامحسین ساعدی با رویکرد بررسی مطالعات پسااستعماری ادوارد سعید، به جای تأکید بر اشغال نظامی و سیاسی توسط استعمارگران، سلطه فرهنگی و رسانه‌ای را مورد توجه و نقد قرار می‌دهد. ایجاد ترس یکی از حربه‌های استعمار است. ترسی که شرایط تسخیر را برای استعمار آماده می‌کند. ترس از منظر ساعدی زاینده ناآگاهی است. به علت هجوم و غارت بیگانگان در طول سال‌ها، طبیعت جنوب به عنصری تهدیدکننده و ناشناس در باورهای مردم بومی تبدیل شده است. ساعدی با شناساندن مزه زهر ستم ناشی از نادانی، گوشه‌ای از دردی را بازگو می‌کند که گریبانگیر بسیاری از کشورهای زیر سلطه استعمار فرهنگی است. از نظر جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی استعمار، ترویج اندیشه لاقیدی و پرهیز از تفکرات عمیق در میان مردم مستعمره است. در این رساله تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که «ارتباط نظریه پسااستعماری ادوارد سعید با مجموعه داستان ترس و لرز غلامحسن ساعدی در چیست؟» همچنین علاوه بر اینکه به بازنمود و تحلیل کارکرد افسانه‌های هرمزگان با رویکرد پسااستعماری در مجموعه داستان ترس و لرز پرداخته خواهد شد، دیدگاه غلامحسین ساعدی درباره حضور بیگانگان در ایران در مجموعه داستان ترس و لرز برای رسیدن به مفهوم دیگری و بیگانه بررسی می‌شود. از نظر بسامد، ساعدی سلطه فرهنگی استعمار را برجسته کرده است و اینکه کشورهای استعمارگر از طریق فرهنگ بومی، افسانه‌ها و باورهای قومی می‌کوشند مردم مستعمره را تحت سیطره خود درآورند.

با توجه به این سؤال که «ارتباط نظریه پسااستعماری ادوارد سعید با رمان «ترس و لرز» غلامحسن ساعدی در چیست؟» عوامل مربوطه شناسایی شدند. در این پژوهش مجموعه داستان ترس و لرز از منظر نقد پسااستعماری با نگاهی به نظریات شرق‌شناسی ادوارد سعید، به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی به واکاوی و خوانش کارکرد افسانه‌های هرزگان و نقش استعمارزدگی آنها در تفکرات مردم بومی منطقه، با نگاه پسااستعماری پرداخته شد. شیوه تحلیل در این پژوهش، تحلیل گفتمانی بود که گفتمان ضد استعماری ادوارد سعید با گفتمان سیاسی غلامحسین ساعدی در مجموعه داستان ترس و لرز مورد مطالعه قرار گرفت؛ از این رو بر اساس تحلیل گفتمانی ادوارد سعید در فرهنگ استعماری، جامعه آماری مجموعه داستان ترس و لرز که به لحاظ جغرافیایی در منطقه هرزگان رخ می‌داد، بررسی گردید.

مجموعه داستان ترس و لرز شامل شش داستان کوتاه پیوسته در مورد ساحل نشینان جنوب کشور نوشته شده است. منطقه جغرافیایی مشترک هر شش داستان، منطقه‌ای ذهنی و خودساخته نویسنده است که نماد کوچکی از جوامع ستمدیده و عقب مانده است. «خرافات» کانون فشارهای مستقیم و غیرمستقیم روانی در شخصیت‌های داستان‌هاست که همیشه بر عقاید درست مذهبی غالب است. استفاده از اساطیر کهن، توجه به آداب و رسوم و باورهای محلی، استفاده از سمبل و نماد و درهم آمیختن وهم و واقعیت از مشخصات این اثر است. اسطوره‌ها بر پایه نظریات یونگ (Carl Gustav Jung (۱۸۷۵-۱۹۶۱) در نهاد بشر ریشه دارند. وی اسطوره‌ها را در روایات و افسانه‌های متفاوت دیروزی و امروزی گسترش می‌دهد و تکرار ساخت‌های دوگانه آنها را در ادبیات گوشزد می‌کند (استراوس، ۱۳۸۸: ۱۲۶). در این مجموعه داستان بر اساس باورهای اسطوره‌ای با جهانی پر از رمز و راز همراه با ترس و وحشتی دایمی مواجه‌ایم که در میان باورهای مردم ساحل‌نشین مصادیق خاصی دارد. هدف ساعدی انتقاد به موجودنبودن توسعه صحیح در منطقه، در این مجموعه داستان است.

محقق در این پژوهش با مطالعات پسااستعماری مجموعه داستان ترس و لرز در پی فهم موقعیت کنونی از طریق بازاندیشی و واکاوی و تحلیل انتقادی تاریخ استعماری گذشته بوده است؛ تلاشی متن‌محورانه در جهت وارونه‌سازی چشم‌انداز غربی به دیگری غیرغربی. تمام شخصیت‌های

مجموعه داستان ترس و لرز قربانی‌های استعمار نو می‌باشند. شخصیت‌های کتاب ترس و لرز به دام افتادگانی مبهوت‌اند که راهی به رهایی از این ساحل لخت و بی‌چیز ندارند. حضور هر غریبه‌ای باعث ترس و وحشت آنان می‌شود. شخصیت‌ها در برخورد با رویدادها و اتفاقات، منفعل و تسلیم‌اند. به جای غلبه بر طبیعت همواره تسلیم شرایط طبیعی‌اند و برای مقابله راهی جز متوسل شدن به آیین ندارند. همگی به نوعی مسخ شده و درگیر استحالتهای جبری‌اند.

**پیشینه پژوهش:** موضوع بیگانه‌ستیزی و مبارزه با استعمار از دیگر موضوعات مهمی است که در ادبیات داستانی دوران معاصر ایران بازتاب زیادی پیدا کرده است. زمینه داستان ترس و لرز ساعدی اقلیمی است. گونه اقلیمی با رنگ و بوی اجتماعی، سیاسی و روان‌شناسی بیشتر از سایر ویژگی‌ها در این اثر ساعدی به چشم می‌خورد. پژوهشی با روش واکاوی کارکرد افسانه و نماد درباره این مجموعه داستان تا کنون انجام نشده است؛ اما در برخی تحقیق‌های صورت‌گرفته، موضوع استعمار در برخی آثار وی بررسی شده است؛ برای نمونه شهین حقیقی در مقاله «خوانش پسااستعماری شخصیت‌های نمایشنامه ماه عسل، اثر غلامحسین ساعدی» منتشرشده در نشریه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی (پاییز ۱۳۹۷) به بررسی ساختاری این اثر از نگاه پسااستعماری پرداخته است.

پژوهش‌هایی در نقد و تحلیل مجموعه داستان ترس و لرز از زوایای مختلف انجام شده است؛ برای نمونه مقاله «بازتاب رئالیسم جادویی در داستان‌های غلامحسین ساعدی» نوشته تقی پورنامداریان که به موضوع وهم و ریشه افسانه‌ها در داستان‌های ساعدی پرداخته است. مریم سدان در «پژوهش شخصیت‌های روان‌رنجور و روان‌پریش در داستان‌های غلامحسین ساعدی» از جنبه روان‌شناختی شخصیت‌های داستان‌های در قالب فضای روستایی ساعدی را تجزیه و تحلیل کرده است. ناصر علیزاده به «بازتاب مکتب گوتیک در ترس و لرز ساعدی» پرداخته است. ابوالفضل غنی‌زاده مجموعه داستان ترس و لرز را از جنبه ساختاری بررسی و تحلیل کرده است. زهرا محمدی در مقاله «مطالعات جامعه‌شناختی و روستا‌هراسی در ادبیات داستانی ایران» موضوع بیگانه‌هراسی روستائینان را با نگرشی علمی واکاوی کرده است. در این پژوهش دین هم یک وسیله استعماری در نظر گرفته شده است. بنابراین بررسی آثاری از این دست نقش مهمی در تغییر تحولات اجتماعی به‌ویژه با موضوع استعمار دارد و می‌توان به راهکارهایی برای مبارزه با استعمار و هویت‌یابی ملت

استعمارزده دست یافت. بر این اساس در این پژوهش تلاش شده است اساس و بنیان گفتمان پسااستعماری غربی از منظر ادبیات داستانی تبیین و بررسی شود.

پیش از این تحقیق مستقلی با روش واکاوی کارکرد افسانه و نماد درباره این مجموعه داستان تا کنون انجام نشده است. بررسی آثاری از این دست نقش مهمی در تغییر تحولات اجتماعی به‌ویژه با موضوع استعمار دارد و می‌توان به راهکارهایی برای مبارزه با استعمار و هویت‌یابی ملت استعمارزده دست یافت. بر این اساس پژوهشگران می‌توانند با تبیین و بررسی اساس و بنیان گفتمان پسااستعماری غربی از منظر ادبیات داستانی در دیگر آثار ساعدی، نقش مهمی در شناخت استعمار فرهنگی و راه‌های مقابله با آن به‌خصوص در جوامع کمتر توسعه یافته داشته باشند.

**روش پژوهش:** مجموعه داستان ترس و لرز ساعدی بازتاب تلمیحی و تصویری چند عنصر افسانه‌ای اسطوره‌ای مانند شخصیت، درون‌مایه و کهن‌الگوهاست که شیوه طرح ایدئولوژی نویسنده، آسیب‌شناسی باورهای خرافی مردم بومی در برابر استعمار است. در این پژوهش داستان ترس و لرز از منظر نقد پسااستعماری با نگاهی به نظریات شرق‌شناسی ادوارد سعید، به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی به واکاوی و خوانش کارکرد افسانه‌های هرمزگان و نقش استعمارزدگی آنها در تفکرات مردم بومی منطقه، با نگاه پسااستعماری می‌پردازد. شیوه تحلیل در این پژوهش، تحلیل گفتمانی است که گفتمان ضد استعماری ادوارد سعید با گفتمان سیاسی غلامحسین ساعدی در مجموعه داستان ترس و لرز بررسی گردید. این تحلیل گفتمانی تأثیرگرفته از تحلیل گفتمانی میشل فوکو و نظام دانایی‌اش می‌باشد؛ از این رو بر اساس تحلیل گفتمانی ادوارد سعید در فرهنگ استعماری، جامعه آماری مجموعه شش داستان از مجموعه داستان ترس و لرز ساعدی بررسی شد. جامعه آماری این تحقیق، جامعه مجموعه شش داستان ترس و لرز غلامحسین ساعدی است که به لحاظ جغرافیایی در منطقه هرمزگان رخ می‌دهد.

این پژوهش به صورت اسنادی-کتابخانه‌ای و میدانی مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. در این روش از منابع مکتوب مانند کتاب و مجلات و سایت‌های اینترنتی و همچنین مصاحبه با مردم بومی که منبع اصلی قصه‌ها و افسانه‌های بومی و کهن بودند، استفاده شده است. میدان پژوهش در این رابطه حیطه جغرافیایی استان هرمزگان است. برای گردآوری اطلاعات اصلی مورد نیاز از مصاحبه مردم‌نگاری استفاده شد. برای رعایت اصول اخلاقی در پژوهش، فرمی با

موضوع برگه اطلاعات تنظیم گردید که توضیحاتی در مورد تحقیق و قابلیت اعتماد و محافظت از داده‌ها برای اعتماد مصاحبه‌شوندگان را شامل می‌شود و قبل از انجام مصاحبه در اختیار مصاحبه‌شونده قرار گرفت و مصاحبه‌شونده رضایت یا عدم رضایت خود را از انجام مصاحبه اعلام داشت. در صورت رضایت مصاحبه‌شوندگان به ضبط صدا از دستگاه ضبط صدا استفاده گردید و در صورت عدم رضایت آنها از ضبط صدا از گفته‌های آنها یادداشت‌برداری صورت گرفت. بعد از چندین بار خواندن متن‌های مصاحبه -که به طور مرسوم پروتکل نامیده می‌شود- به منظور به دست آوردن یک احساس و مانوس شدن با آنها، جملات و عباراتی را که مستقیماً به پدیده مورد مطالعه مرتبط است، از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. سپس در جهت پی بردن به معنای هر یک از جملات مهم و بررسی تناقضاتی که در بین روایت‌ها امکان بروز داشت، چندین بار خوانش و ویرایش گردید. پس از اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها، با رجوع به چند منبع محدود کتابخانه‌ای و استفاده از نظرات نخبگان موضوع مورد بررسی، از صحت یافته‌ها اطمینان حاصل شد. درنهایت پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات، معانی از مواد خام استخراج گردید.

**فرضیه‌های پژوهش:** جامعه غربی در جهت هویت بخشیدن خویش، همواره تلاش داشته است به تخریب هویت فرهنگی شرق، از طریق فاقد ارزش دانستن ارزش‌های فرهنگی که در شرق وجود دارند، بپردازد. به همین دلیل مفاهیمی از قبیل آگاهی، خرد، علمی بودن و... غربی صاحب ارزش می‌شوند و در نتیجه آیین‌ها، افسانه‌ها، اسطوره‌ها و فرهنگ بومی شرقی تبدیل به مفاهیم خرافی و ضد ارزش می‌شوند. مطالعات پسااستعماری به جای تأکید بر اشغال نظامی توسط استعمارگران، سلطه فرهنگی و رسانه‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد. استعمار جدید در جوی کاملاً فرهنگی و با کارکردهای سیاسی، عقیدتی، اقتصادی و اجتماعی ماندگار می‌شود.

۱. ساعدی در مجموعه داستان ترس و لرز تلاش دارد نشان دهد استعمارگران با بی‌ارزش نمودن آیین و فرهنگ بومی زمینه را برای اسیرشدن مردم بومی در جذابیت‌های استعمار فراهم نموده‌اند.
۲. تمام شخصیت‌های مجموعه داستان ترس و لرز قربانی‌های استعمار نو می‌باشند.
۳. دستگاه‌های حکومتی با عدم ارائه امکانات رشد و پیشرفت روستاها، با بیگانگان در ترویج فرهنگ استعمار رابطه‌ای موازی و همسو دارند.

۳. بیگانگان با خرافه‌جلوه‌دادن فرهنگ بومی و افسانه‌های قومی، به بهانه مدرنیته سعی در نابودی آن دارند.

## ۱. مبانی نظری

### معرفی نظریه پسااستعماری ادوارد سعید

اصطلاح پسااستعماری سازه‌ای است مرکب از پیشوند post به معنای «ضد»، «پس از» و «فراسو» با واژه colonial به معنای استعمار (حقیقی، ۱۳۷۹: ۶۶) از نظر ادوارد سعید استعمار مستقیم امروزه عمدتاً پایان یافته است و امپریالیسم در جاهایی که لازم است باشد، در جوی کلاً فرهنگی و با کارکردهایی سیاسی، عقیدتی، اقتصادی و اجتماعی ماندگار خواهد شد. غربی‌سازی به شکل استعماری‌اش، در آستانه جنگ جهانی اول به پایان راه خود رسید؛ با این حال به شکل پسااستعماری ادامه یافت. به این سبب می‌توان گفت به‌نوعی تمام جهان در عصر پسااستعماری قرار دارد. نظریه پسااستعماری بر اساس دو نیاز معاصر خروج از وضعیت وابسته و ایجاد انگیزش‌های درونی برای پیشرفت جامعه شرقی شکل گرفته است که ادعایی بر پایان عصر استعمار ندارد، بلکه مدعی پیداکردن راه خروج سلطه استعماری است.

«وظیفه پسااستعمارگرایی بررسی عوامل تداوم نفوذ استعمار در دوره پس از استقلال است» (اشکراف، ۱۳۹۳: ۳۲۵). «نظم بین‌المللی یکی از راه‌هایی است که تفکر استعماری غربی برای محصورنگه‌داشتن کشورهای در حال توسعه و تسلط بر آنها به مرحله اجرا گذاشته و انجام داده است» (سعید، ۱۳۷۷: ۱۰۳). امپریالیسم به هویت‌سازی‌های مخدوش و غیرواقعی چون سیاه و سفید، زن و مرد، مسلمان و کافر، غربی یا شرقی دامن زده است که از نظر ادوارد سعید باید شکسته شود. امپریالیسم فرهنگی در شکل، هویت، شیوه زندگی و زیست فرهنگی مردم سراسر جهان تأثیر تعیین‌کننده‌ای گذاشته است. وی معتقد است برای شناخت فرهنگ‌ها باید مستقل بود. راهکار او چندصدایی گفتمان فرهنگی در پی نقد مبانی فرهنگی و تئوریک‌گرایی‌های مطلقیت‌بخش، سلطه-طلب و بیگانه‌ساز در سیاست، فرهنگ و ادبیات است. «تاریخ و جغرافیای تخیلی با به‌تصویرکشیدن گذشته‌ها و فاصله‌های دور به صورت درام و نمودبخشیدن به اختلاف بین آنچه به ذهن انسانی نزدیک

بوده و آنچه که با آن فاصله دارد، ذهن آدمی را یاری می‌کند که احساس خود از خویش را قوت بیشتری ببخشد» (سعید، ۱۳۷۷: ۱۰۵). مرجع قدرت سلطه‌گر در اندیشه و تفکرات ضد استعماری، جایگاه و نقش بنیادین دارد؛ به طوری که «دستاورد بزرگ سعید، خلق یک موضوع به نام گفتمان استعماری، از حوزه‌های تحقیقاتی مفید و مهم سال‌های اخیر بوده است» (یانگ، ۱۳۹۰: ۴۳۵).

«غیریت‌سازی» (Antagonistic) نوعی دیگر از گفتمان پسااستعماری است که در اندیشه ادوارد سعید برای تبیین گفتمان شرق‌شناسی حاکم میان شرق و غرب به کار رفته است. «به باور سعید، غیریت‌سازی متمرکز شدن بر تمایز میان شرق و غرب در یک روند برتری جویانه آگاهانه و هدفمند است» (حاجتی، ۱۳۶۵: ۱۰). عناصری مانند نژاد، جنسیت، دین، ثروت، تکنولوژی، مکان جغرافیایی و فاصله اجتماعی از ساختارهای بنیادین غیریت‌سازند که مبنای شکل‌گیری استراتژی‌های سلطه‌گری رژیم‌های استعماری را فراهم می‌کنند. از نگاه ادوارد سعید غرب صاحب اقتدار فکری شرق است. القای فکر برتر بودن و مشروعیت استعمارگر، استمارشونده را به سطح خودتحقیری می‌رساند و پیامد این امر سرانجام به استعمار و استیلای بیشتر منتهی می‌گردد. فرانتس فانون (Frantz Fanon) اندیشه‌پرداز پسااستعماری درباره حقارت فرد بومی در زمینه استعمار معتقد است «مسئله استعمار نه فقط شامل تقاطع عینی تاریخی است، بلکه حالت نفسانی فرد انسانی در برابر این شرایط را نیز شامل می‌شود» (فانون، ۱۳۵۳: ۸۷).

«مطالعات پسااستعماری از جمله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای است که در برخی آثار ادبی نمود پررنگی داشته است. این نظریه به تقابل بنیادهای فکری شرق فرودست با غرب فرادست می‌پردازد و می‌کوشد گفتمان حاصل این تقابل را میان استعمار و مستعمره نشان دهد» (حقیقی، ۱۳۷۹: ۶۴). «تقریباً بیشتر پژوهشگران بر این باورند که کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید نخستین سنگ‌بنای شکل‌گیری نظریه پسااستعماری به شمار می‌رود و بعد از او اندیشمندانی همچون هومی بابا (Homi Bhabha (۱۹۴۹) و گایاتری اسپیواک (Gayatri Chakravorty Spivak (۱۹۴۲) در این حوزه ظهور کرده‌اند» (صاعدی، ۱۳۹۴: ۱۸۸). برای متمایز کردن مطالعات پسااستعماری از سایر اشکال پژوهش انتقادی می‌توان گفت پژوهش پسااستعماری به درک قدرت فرهنگی عمق تاریخی و بین‌المللی می‌بخشد. نمونه بارز مطالعات پسااستعماری کتاب شرق‌شناسی<sup>۷</sup> ادوارد سعید است که به ویژگی-

های دانش قرن ۱۹ که محققان تعلیم‌دیده، سفرنامه‌نویسان، شاعران و رمان‌نویسان پدید آورده‌اند و شرق را تبدیل به مخزنی برای دانش غربی کرده‌اند، می‌پردازد. وی معتقد است استعمار تنها انباشت سرمایه و کسب سود نیست، بلکه با صورت نافذ و ایدئولوژیک توسعه و پیشرفت حمایت می‌شود. او می‌گوید امپراتوری از طریق فرهنگ، سلطه خود را نهادینه و شرقی را از روایت حق تاریخی خود محروم می‌کند. هدف استعمار فرهنگی، فائق آمدن بر مقاومت است و نه اشغال نظامی کشورهای دیگر. ساعدی در مجموعه داستان ترس و لرز به شیوه‌ای نمادین به بررسی جلوه‌های استعمار در شکل نوین آن پرداخته است.

تایسن (Lois Tyson) ادبیات پسااستعماری را در دو حوزه دسته‌بندی می‌کند: «بخشی از این آثار را استعمارگران به نگارش در آورده‌اند. بخش اعظمش را مردم مورد استعمار یا ملت‌هایی که بیشتر مورد استعمار بوده‌اند، نوشته‌اند و همچنان می‌نویسند» (تایسن، ۱۳۸۷: ۵۳۰). این نوع استعمار مبتنی بر سیاست اعمال سیطره و قدرت به دور از اشغال کامل سرزمین است. قدرت‌های استعماری با ایجاد وابستگی‌های همه‌جانبه، قدرت و موقعیت برتر خود را حفظ و برنامه‌های منفعت‌طلبانه خویش را از طریق آن اجرا می‌کنند. قدرت در گفتمان پسااستعماری نیز از میان اقشار مردم و طبقات فروتر جامعه برمی‌خیزد. در این حوزه آگاهی اصلی‌ترین برساننده قدرت در نظام‌های پسااستعماری است.

## ۲. بررسی ساختار ادبی مجموعه داستان ترس و لرز

برای ارزیابی جامع یک اثر ادبی، نیاز به شناخت جامع از آن است. برای رسیدن به ارزیابی جامع در نظر گرفتن زوایای مختلف اثر، پی‌بردن به ارزش‌های ذهنی مؤلف، بررسی دخالت‌های تاریخی و دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار در آفرینش اثر را باید مد نظر قرار داد. کشف «نوع ادبی» مجموعه داستان ترس و لرز با تکیه بر هنجارهای ناظر بر آن، به درک بهتر این اثر ادبی کمک زیادی می‌کند و خواننده را از تفسیرهای دور از ذهن و نادرست باز می‌دارد. این مجموعه از جمله آثاری است که تعیین «ژانر» آن نیازمند وقت زیادی است. «رحمانی خیای» آن را گونه‌ای از «رنالیسم جادویی» دانسته است. «جمال میرصادقی» در کتاب عناصر داستان، آن را از نوع «رمان‌های وهمناک» دسته‌بندی کرده است. «حسن میرعبادینی» از تعیین دقیق نوع ادبی مجموعه داستان ترس و لرز خودداری ورزیده

است و به «آنچه مایه حیرت می‌شود» نسبت داده است. «حسین سنابور» در کتاب جادوهای داستان این مجموعه را در دسته داستان‌های «وهمی» قرار می‌دهد. ژانر این مجموعه داستان ساعدی به نظریه «تروتان ترودوروف» (۱۹۳۹-۲۰۱۷) (Tzvetan Todorow) درباره «رمان حیرت‌آور» یا «رمان شگفت‌انگیز» نزدیک‌تر است. اما از وجود عناصر موجود در آثار «وهمناک» و «ناتورالیستی» نیز بی‌بهره نیست. به نظر می‌رسد مجموعه داستان ترس و لرز در مرز دو نوع ادبی «داستان حیرت‌انگیز» و «داستان وهمناک» قرار دارد. در داستان وهمناک امر «فراطبیعی» قابل توضیح و توجیه است. در چنین آثاری ویژگی‌های «فانتزیک» (Fantasy) به معنای دقیق آن دیده نمی‌شود. آموزه‌های اخلاقی در هر شش داستان به‌خوبی قابل مشاهده است. «تم» داستان‌ها غم‌انگیز و ژرف‌ساخت آنها روان‌شناختی است. مضامین در این مجموعه فایق بر زبان است و نویسنده برای جان‌بخشیدن نقاط روانی در تابلوی شخصیت‌های داستان‌ها از نثر محاوره‌ای بهره برده است.

### ۳. نگاهی به شخصیت‌های مجموعه داستان ترس و لرز

مجموعه داستان ترس و لرز روایت احوال اهالی یک روستای ساحلی است که اموراتشان را از صیادی می‌گذرانند و شاهد مواجهه این افراد با ترس‌های بدوی‌شان هستیم. به دلیل نحوه برخورد شخصیت‌ها در برابر حوادث به اقتضای موقعیت‌ها، نقطه مرکزی حوادث در عملکرد روانی شخصیت‌ها خلاصه شده است. ساده‌دل بودن و مهمان‌نوازی اهل آبادی، زمینه‌ساز حضور افراد غریبه در عرصه داستان است. راوی در این اثر یک ذهن جمعی است که شخصیت‌ها تشکیل‌دهنده ساختار این ذهن وهمی‌اند. داستان‌ها فاقد قهرمان‌اند و اهالی هر بار دچار زیان و تلفات می‌شوند. شخصیت‌ها ملموس و ثابت‌اند. همه اشخاص یکسان و در زمینه ثابت نگاشته شده‌اند و اغلب در حد تیپ و ساده‌دل باقی می‌مانند. بعضی حتی تا این حد هم جلو نمی‌آیند. مانند مادر عبدالجواد، زن کدخداه، زن محمد حاجی مصطفی تنها جنسیت و سن و سال حدودی‌شان معلوم است. شخصیت محمد احمد علی مدام در حال وهم و ترس از محیط اطرافش است. شخصیت ذکریا در بین جماعت آدم شجاعی است و به خاطر این توانمندی سخنگوی مردم می‌شود؛ اما به آگاه‌شدن جامعه کمکی نمی‌کند؛ تنها ناظری است که ترس مردمان را تأیید می‌کند. عبدالجواد در فکر راه و چاره‌ای معقول و درست برای درمان زن بیمارش

است؛ اما چاره‌جویی او هم به نتیجه‌ای نمی‌رسد؛ یکی از شخصیت‌های اصلی دریاست؛ دریایی که اغلب امور عجیب و هولناک و توضیح‌ناپذیر از رحم تاریکش بیرون می‌آید.

#### ۴. نشانه‌های پسااستعماری در مجموعه داستان ترس و لرز

بهره‌گیری از اسطوره و نماد یکی از مؤلفه‌های اصلی مجموعه داستان ترس و لرز است. هر شش داستان با ورود غریبه‌هایی آغاز می‌شود. حضور این غریبه‌ها، آبادی بی‌نام، فقیر و افسون‌زده را دست‌خوش حوادثی شوم و ماورای طبیعی می‌کند. آنچه ساعدی به‌ظاهر به عنوان رمز و استعاره در مجموعه داستان ترس و لرز استفاده می‌کند، در واقع خود رمز و استعاره نیستند. هر عاملی که از بیرون آبادی، چه روی دریا، چه زیر دریا، چه از آن سوی دریاها وارد می‌شود، همراه با خود مصیبت و فاجعه دارد. راز دور ماندن ساحل‌نشینان از فاجعه و نابودی، دور ماندن از غریبه‌هاست. با حضور غریبه‌ها به زندگی حقیرانه و فقیرانه ماهیگیران جنوب از آن سوی دریاها، بیماری، وحشت و دلهره هم ظهور پیدا می‌کند و امنیت و سلامتی اهالی را از بین می‌برد. با مرور تاریخ استعمار کلاسیک و قدیم درمی‌یابیم که استعمارگران مهاجم پرتغالی، هلندی و انگلیسی همواره با شلیک توپخانه دریایی به سواحل بندرهای جنوب ورود خود را اعلام نموده‌اند. در مجموعه داستان ترس و لرز ساعدی استعمارگران با باری از منفعت‌های مادی وارد ساحل می‌شوند، کریمانه می‌بخشند و اجازه می‌دهند ماهیگیران بدوی چادرهای سرشار از نعمت‌های مادی‌شان را غارت کنند. شکل دیگر این رخداد در افسانه «داماهی» جنوب نمود عینی دارد. ماهی که به هنگام تنگدستی بر ساحل‌نشینان پدیدار می‌شود و از دهانش گوهر و اشرفی بیرون می‌ریزد. «فناوران فرنگی» در حاتم‌بخشی خود به دنبال آن‌اند ساحل‌نشینان را از کار و خلاقیت بازدارند و به مشتی افراد تن‌آسان، پخته‌خوار و آزمند تبدیل کنند. همین رویه را در ساختن افسانه‌ها و اسطوره‌های آنان در باورهای قومی پیش گرفته‌اند.

#### خوانش پسااستعماری مجموعه داستان ترس و لرز

ترس و لرز رهاورد یکی از سفرهای ساعدی به مناطق جنوب با عنوان «اهل هوا» است که این تحقیق به شیوه مونوگرافی (Monographies) نویسی تألیف و اولین بار در سال ۱۳۴۵ منتشر شده

است. «هدف نویسنده اقلیم‌گرا، نه گزارشی انتقادی از وضع زیست بومیان بلکه رازواره‌کردن منطقه با راهگشایی به درون باورهای افسانه‌ای آنهاست. منطقه ناشناخته جغرافیایی به منطقه‌ای در ذهن بدل می‌شود و زمان و مکان رنگی ماوراءالطبیعی می‌یابد» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۸۳۰). بهره‌گیری از اسطوره و نماد یکی از مؤلفه‌های اصلی این مجموعه است. هر شش داستان با ورود غریبه‌هایی آغاز می‌شود. حضور این غریبه‌ها، آبادی بی‌نام، فقیر و افسون‌زده را دست‌خوش حوادثی شوم و ماورای - طبیعی می‌کند. از آنجا که ساعدی فقر فرهنگی را عامل اصلی استعمار می‌داند، در این مجموعه به شکل نمادین به سلطه فرهنگی استعمار و ابزارهای به‌کارگرفته‌شده برای رسیدن به این منظور پرداخته است تا نشان دهد استعمارگران چگونه ساحل‌نشینان جنوب را در این زمینه در جهل‌نگه می‌دارند تا بتوانند به خواسته‌های خود برسند.

### خلاصه قصه اول

یکی از اهالی متوجه ورود غریبه‌ای به یکی از اتاق‌های خانه‌اش می‌شود. او از این امر دچار هراس شده، او را موجودی شیطانی (جن یا باد) می‌پندارد که آمده او را گرفتار خود کند. به سراغ اهالی روستا می‌رود و از گرفتارشدنش می‌گوید. اهالی حرف و هراس او را درک می‌کنند و به دنبال راه نجاتی برای همولایتی خودشان می‌گردند. داستان با سنگسار غریبه گرسنه و شفایافتن بیمار به عقیده اهالی پایان می‌یابد.

### خلاصه قصه دوم

غریبه‌ای وارد روستا می‌شود (ماشینی او را آورده و پیاده کرده است). این غریبه با ادعای داشتن سواد و پول، اعتماد روستاییان را جلب می‌کند و ظرف یکی دو روز یکی از زنان روستا را عقد می‌کند و بعد از دو روز می‌رود و زنی باردار از خود به جا می‌گذارد که بچه‌ای ناقص‌الخلقه به دنیا می‌آورد. زن و بچه موقع زایمان می‌میرند و اهالی به دنبال غریبه به دریا می‌زنند.

### خلاصه قصه سوم

یکی از زنان اهالی بعد از وضع حمل ناموفق، بچه‌اش مرده به دنیا می‌آید. با دیدن بچه مرده بد-

حال و از نظر اهل آبادی، هوایی می‌شود. شوهرش اعتقادی به دُهل کوبیدن و برگزاری مراسم زار ندارد. برای درمانش او را با قایق به روستایی دیگر و به نزد یک به اصطلاح حکیمی به اسم اسحاق جهود می‌برند.

### خلاصهٔ قصه چهارم

دو تن از اهالی، بچه‌ای را در ساحل می‌بینند و با خود به روستا می‌آورند. بچه‌ای که عجیب و غریب به نظر می‌رسد و ترس مردم را برمی‌انگیزد و همه به دنبال خلاص شدن از دست او هستند.

### خلاصهٔ قصه پنجم

اهالی به صورت مشترک یک لنج خریده‌اند تا در اقتصاد روستا گشایشی ایجاد کنند. در اولین سفر که شماری از شخصیت‌های اصلی روستا هم سوار لنج‌اند، وارد طوفانی ناشناخته و ترسناک می‌شوند که به نابودی لنج می‌انجامد.

### خلاصهٔ قصه ششم

کشتی غریبه وارد ساحل می‌شود و اهالی دچار ترس می‌شوند. غریبه‌ها وارد ساحل می‌شوند و جلوی خانه یکی از اهالی چادر می‌زنند و بساط غذای مفصلی را می‌چینند. اهالی همیشه گرسنه روستا به نظاره می‌آیند و کم‌کم ترسشان می‌ریزد. غریبه‌ها به آنها غذا می‌دهند. این غذا دادن‌ها ادامه پیدا می‌کند و مردم دیگر برای ماهیگیری به دریا نمی‌روند. آن قدر غذا می‌خورند که از حالت انسانی خارج می‌شوند.

## ۵. بررسی ریشه‌های پسااستعماری در افسانه‌های هرمزگان

تقریباً اکثر جمعیت بومی هرمزگان خاطره مستقیمی از موجودات عجیب و غریب دارند که در رفتار اجتماعی آنان نهادینه شده و فهم اندیشه‌رهای بخشی و استقلال‌طلبی آنان را دشوار کرده است. اینجاست که ادبیات به عنوان حافظهٔ جمعی یک جامعه نقش خود را ایفا می‌کند. در لابه‌لای متن‌های

ادبی است که نه تنها می‌توان با واقعیت‌های رفتارهای تاریخی یک جامعه مواجه شد، بلکه ریشه‌های معماری فکری آنها را واکاوی کرد و شکافت. مجموعه داستان ترس و لرز غلامحسین ساعدی یکی از مهم‌ترین کشف‌های تاریخ معاصر ایران را در لابه‌لای بافت ادبی خود به چنگ آورده، تضادها و واقعیت‌های ملت‌هایی از یک دوران تاریخی را در رگه‌های خود فشرده دارد. این مجموعه داستان‌ها درباره‌ی رابطه‌ی جامعه هرزگان به عنوان یک نمونه‌ی تمثیلی، با موجودات عجیب و غریبی است که رمزگشایی نام‌گذاری آنها نیازمند تحقیق و مکاشفه‌ی تطبیقی-تحلیلی است. حرف‌های خود را به صورت نمادین گفتن ساعدی، شاید بتواند نمودی از این رویکرد شکل گرفته و درونی شده ساختارهای ذهن ایرانیان باشد.

**منتیل پا (Mantil-pa):** جنوب مکان آدم‌های غارت‌شده و ترس خورده است. سیاه به ظاهر موجود ترسناکی است که بی‌اجازه وارد آبادی می‌شود و درون خانه‌ها جا خوش می‌کند. «سیاه لاغر و قدبلندی کنار اجاق نشسته بود که کله بسیار کوچکی داشت و دشداشته بلندی تنش بود. پاهایش را که یکی چوبی بود، دراز کرده بود جلوی اتاق و پای دیگرش را زیر تته خود جمع کرده بود» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۰). بنا به روایت بومی‌های منطقه جنوب یک پای منتیل پا مانند دیلم تیز است. سیاهی که ساعدی خلق کرده است، شبیه شخصیت افسانه‌ای جنوب است. «می‌رفتم آب بیارم که گرفتارش شدم» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۱). بنا به روایت، منتیل پا به هنگام بروز طوفان و وزش باد، سروکله‌اش پیدا می‌شود. ایجاد ترس یکی از حربه‌های استعمار است. ترس و واهمه عنصر غالب اهالی است؛ حتی ترس از سیاهی که یک پا دارد و به کمک چوب زیر بغل راه می‌رود. اولین چاره‌ای که به ذهن یکی از اهالی برای گذار از این ترس می‌رسد، دود قلیان است. «البته که خوبه، دود حالتو جا میاره، قلیون برا همه چی خوبه» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۳). قلیان سه عنصر خاک، آب و آتش را با خود دارد. بنا به روایت بومی‌های منطقه، در قدیم افراد دارای مزاج گرم برای پیشگیری از صدمه‌زدن به ریه‌ها از قلیان به شیوه بومی استفاده می‌کردند. در این روش با استفاده از قلیان دود داروها تغییر مزاج یافته، از گرمی و خشکی آن کم می‌شد و به سردی و تری آن اضافه می‌شد. حکمای قدیم با استفاده از قلیان، داروها را به موضع مورد نظر در ریه می‌رساندند؛ برای مثال جهت از بین بردن عفونت که می‌بایستی مرزنجوش به آن ناحیه برسد، مرزنجوش را به شکل تنباکو خیس کرده، فردی که طبیعت ریه‌اش به

گر می و خشکی می‌زد، مرزنجوش را با قلیان می‌کشید. این شیوه درمانی تا چندی پیش در جنوب مرسوم بود و حکما برای بیماران تجویز می‌کردند. متأسفانه انگلیس به عنوان استعمار پیر با شناسایی آنها و استفاده از ترفند همیشگی و کاری خود یعنی تغییر در ماهیت عناصر به جای رد موضوع، مورد مصرف آن را عوض کرد. تنباکو را که به عنوان سم استفاده می‌شد، جایگزین ماده اصلی و جوهره قلیان کرد. «بیار بکشم، شاید تنباکو بهترم بکنه» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۳). غریبه سیاهی است که از روی تنگدستی و فقر به مردم آبادی پناه آورده است. انگار بر اثر حادثه‌ای یک پایش را از دست داده و از تعریف بر می‌آید که جذام صورتش را خورده است. «سیاه جلوتر آمده بود، صورتش هیچ پستی و بلندی نداشت، انگار چیزی لب و دهانش را جویده و صاف کرده بود» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۲۷). منتیل‌پا نیز غریبه‌ای که در یک شب طوفانی انگار از حادثه‌ای نجات یافته و به مردم آبادی پناه می‌آورد. غریبه آبادی داستان یک سیاه است که حالت هجومی ندارد؛ در برابر حمله اهالی درخواست کمک دارد. گرسنه است؛ به دنبال تکه‌ای نان یا خرما رو به آبادی آورده است. اهالی اما «به اذن الله و رسول» با سنگ به او حمله‌ور می‌شوند؛ آن قدر سنگ‌بارانش می‌کنند تا زیر تلی از سنگ مدفون می‌شود. اهل آبادی همان بلایی را سر سیاه می‌آورند که کشورهای استعماری به بهانه کمک ورود می‌کنند، پس از اشغال آن منطقه به عنوان مستعمره، دست به نابودی بومی‌های منطقه می‌زنند. از نظر ساعدی سیاهان حاشیه‌نشینانی هستند که کشورهای استعماری از جمله پرتغال، اسپانیا و انگلیس به استعمار آنها پرداخته‌اند و این سلسله‌مراتب تا جایی ادامه پیدا کرده که تا افکار ساحل‌نشینان فرودست نیز نفوذ کرده است که هر غریبه سیاهی، جانش بی‌ارزش است و در زمره آدمیان جای نمی‌گیرد؛ موجود مضراتی خطرناکی است که باید سنگ برداشت، بر او هجوم برد تا به پیروزی رسید. غریبه، کشته‌جهل مرکب ساحل‌نشینانی می‌شود که به باور خود با تجلی شیطان بر زمین مواجه شده‌اند و برای دفع او به خدا و رسول توسل می‌جویند که این خود نوعی انحطاط فرهنگی است؛ انسانی را قربانی می‌کنند که به آنها پناه آورده است.

**باد:** به علت هجوم و غارت بیگانگان در طول سال‌ها، طبیعت جنوب به عنصری تهدیدکننده و ناشناس در باورهای مردم بومی تبدیل شده است. مکانی تهدیدشده و تجاوززده که ویژگی اصلی‌اش فقر و هراس است. در داستان اول سالم احمد با دیدن غریبه‌ای درون خانه‌اش گرفتار باد شده و تبدیل

به دیگری می‌شود. «حتماً مَصْرَاتِیَه و ممکنه به همه ضرر بزنه» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۹). «مَصْرَاتِیَه به باد یا جن‌هایی گفته می‌شود که همیشه اسباب ناراحتی هستند و کمتر صاف می‌شوند» (ساعدی، ۱۳۴۵: ۱۲۱). ساعدی در این داستان سعی دارد به این موضوع اشاره کند که ذهن ترس خورده بومی به جای چاره‌اندیشی درست در برابر تهدید و تجاوز به شعر و رقص و آواز پناه می‌برد. «یالله، یا محمد. باید تا صبح بکوبیم» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۲۲). به جای حرکت و مبارزه، گرفتار در اضطراب و ترس، افسار خود را به دست ذهن بدوی اسطوره‌ساز مقدسش می‌سپارد. ذهن بدوی بومی خیلی راحت گرفتار ترس و وحشت ورود غریبه‌ها می‌شود. به جای ایستادگی و مقابله، بلافاصله دست و پایش تخته شده و اجازه می‌دهد ترس از حضور موجود ناشناخت، همچون بادی در او رسوخ کند و افسارش را در دست بگیرد. بادی که برای رهایی از آن یا باید برایش سفینه بیاندازد و هرچه خواست، برایش فراهم کند؛ یا اگر در توانش نبود، دیگر در میان جماعت جایی ندارد و به عنوان موجودی مضراتی، آواره کوه و بیابان شده تا خوراک حیوانات وحشی شود. در داستان سوم زن عبدالجواد پس از آنکه بچه‌اش مرده به دنیا می‌آید، گرفتار باد می‌شود. اسحاق حکیم در این داستان، غریبه‌ای است که در قالب یک حکیم گوشه‌ای دور از آبادی، با انجام رفتارهایی مرموز و مخفیانه، با اسم و رسمی که به دست آورده است، بومی‌ها را سرکیسه می‌کند. پس از آنکه داروندارشان را به بهانه درمان بیماری می‌گیرد، جنازه‌هایی تحویلشان می‌دهد. ساعدی سعی دارد این نکته را گوشزد کند که توسعه‌نیافتن علم و دانش در میان بومیان ساحل‌نشین، عاملی آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده از جانب استعمار به کمک حاکم‌های محلی است تا مردم را همواره در جهل نگه دارند و با خیالی آسوده ثروت‌های عظیم طبیعی‌شان را غارت کنند. «ناگهان کشتی بسیار عظیمی از افق دریا پیدا شد. با چشم‌های روشن و پرچم‌های رنگ‌وارنگ و توپ‌های مسی بزرگ بر هر طرف عرشه» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۹۲). توصیفی که ساعدی از این کشتی می‌دهد، بی‌شبهت به کشتی‌های پرتغالی و انگلیسی نیست که به سواحل خاورمیانه هجوم آوردند و قرن‌ها به غارت و چپاول بومیان ساحل‌نشین پرداختند.

**خصر:** خذر یا خصر، زنده جاویدان است و محافظ دریاها و پشتیان صیادان و ماهی‌گیران و دریانوردان. در بیشتر نقاط ساحل مقبره‌ای از سنگ برایش ساخته‌اند (ساعدی، ۱۳۴۵: ۱۰۶). وقتی هویت غریبه برای اهالی روشن می‌شود، ترسشان می‌ریزد و غریبه را سنگسار می‌کنند. جسد غریبه

زیر تلی از سنگ مدفون می‌شود و برای اهالی جنبه مقدس و شفابخش پیدا می‌کند. «باید ببریمش اونجا و از خودش شفا بگیریم» (ساعدی، ۱۳۴۵: ۲۸). جماعت بیمار را کشان‌کشان تا تل‌سنگ‌ها می‌برند و آنجا با ریسمانی به گردش، دخیل تل‌سنگش می‌کنند. «یک مرتبه صدای ناله سالم احمد برید. همه برگشتند و او را نگاه کردند. سالم روی سنگ‌ها نشسته بود و دریا را نگاه می‌کرد» (ساعدی، ۱۳۴۵: ۲۹). خضر نامیراست، همچون سیاه که تا دنیادنیاست، زنده می‌ماند و دست‌بردار نیست؛ هر جا او را بکشی از جای دیگری سر بر می‌آورد. تمام زیارتگاه‌های خضر از سنگ ساخته شده، بر بالای بندی کنار دریا، یا در دامنه کوه هستند. سیاه تا زنده است مضرسانی و خطرناک است؛ همین که می‌میرد، تقدس می‌یابد. طبق روایات مردم بومی، خضر در حال فرار از دست دشمنانش بوده که قصد جانش را کرده بودند که به‌ناگاه زمین می‌شکافت و در دل زمین پنهان می‌شود. ساعدی به این نکته اشاره دارد که فقر فرهنگی باعث از بین رفتن خوی انسانی می‌شود. کشورهای استعماری با آزمند و محتاج ساختن بومی‌ها اندک نعمت و رفاهی به آنان می‌بخشند و با رفتنشان نعمت‌ها را هم با خود می‌برند. با این نیت تا برگشتنشان برای بومی محتاج و بی‌کار تبدیل به یک آرزو شود. غریبه‌هایی که با آمدنشان فراوانی و نعمت می‌آورند و با رفتنشان فقر و نداری و نکبت.

**دوال‌پا (بُغام) (DavAlpA (BooGHam):** تازه‌وارد قصه دوم مرد چهل‌ساله‌ای است که کاسکت نظامی به سر دارد با ریش زیاد. قدکوتاه، تنه پهن و چارگوش، کله‌گرد، دست‌های بسیار بزرگ و پاهای کوچک. غریبه نماینده طبقه‌ای است که کتاب و پول دارد. بسته به شرعیات است. هر چیزی برای او حلال است برای مردم عادی مکروه است. غریبه خط بلد است بنویسد، باطل‌السحر است و پول دارد. وارد هر آبادی که می‌شود، از تمام منابع و منافعش استفاده می‌کند و لذت می‌برد و بی‌هیچ تعهدی ویرانی به بار می‌آورد و می‌رود، بدون اینکه به کسی جواب پس بدهد. تمام آبادی‌های ساحلی زخم‌خورده اعمال او هستند. «... با وجود آنکه مصرف‌کننده غریبی از نظر عددی به یک اقلیت - در مقایسه با کل جمعیت عالم - تعلق دارد، این حق را دارد که اکثریت مطلق منابع عالم را به خود اختصاص داده و یا مصرف نماید. به خاطر اینکه او به خلاف انسان شرقی، انسانی حقیقی و واقعی است؛ انور عبدالمالک آن را "تفکر سلطه‌جویانه تملک اقلیت‌ها" می‌خواند» (سعید، ۱۳۷۷: ۲۰۰). غریبه داستان دوم ساعدی خودش را مُلا معرفی می‌کند. کسی که پول و خط دارد. مُلا به فردی (مرد یا

زن) گفته می‌شود که در امور مذهبی اسلام و قوانین شریعت تحصیل کرده یا می‌کند. این واژه از کلمه عربی «مؤلی» به «ملا» تغییر یافته که به معنای ارباب و هدایت‌گر است. «ملا» واژه‌ای متداول در ایران به معنای پیشوای دینی و معلم علوم شرعیه یا آدمی که از طریق دین امرار معاش می‌کند و گویند از عهد تیموریان در این کشور رایج شده و مأخذ و منشأ اشتقاق این کلمه روشن نیست. «ملا» یا «میرزا اسم یا عنوان گرداننده یا مدیر مکتب‌خانه‌هایی بوده که در بین مردم شهرهای مختلف ایران شهرت داشته‌اند؛ این فرد علاوه بر کار تدریس امور تحریری محل را از قبیل تنظیم قبالة و اجاره‌نامه، اجرای عقد ازدواج و طلاق بر عهده داشت و حتی برای بی‌سوادان محله نامه می‌نوشته و یا نامه‌های رسیده ایشان را می‌خوانده است. در زمان گذشته در سر تا سر هرمزگان محل مکتب‌خانه‌ها شبیه «سِرگ»<sup>۱</sup> و «گرگین»<sup>۲</sup> و اتاق خانه خودشان بود. مکتب‌خانه‌های هرمزگان استان هرمزگان به‌خصوص در اطراف دور و نزدیک بندرعباس تا ۸۸ سال پیش که نخستین دبستان در بندرعباس با برنامه کامل و رسمی شروع به کار کرد، تا سالیان دراز دوام داشت. مکتب‌خانه مشهدی ملاحسن کاتوزی در رودان، مکتب‌خانه ملااحمد ملا در بندرعباس، مکتب‌خانه ملاعلی رستمی، مکتب‌خانه ملاخدیجه حاج عبدالحسین بندرعباس، مکتب‌خانه مرحوم ملاغلام مودنی، مکتب‌خانه حاج ابراهیم ملاحوتی، مکتب‌خانه شیخ‌احمد، مکتب‌خانه ملاجهان، مکتب‌خانه مرحوم ملااحمد فقیهی، اسامی مکتب‌خانه‌هایی است که در کتاب «تاریخچه تعلیم و تربیت - فرهنگ نوین - استان هرمزگان» معرفی شده است (خطیبی‌زاده، ۱۳۷۲).

غریبه داستان دوم ترس و لرز خودش را آگاهانه ملا معرفی می‌کند. طبق تحقیقاتی که از قبل انجام داده است، به میزان قدر و جایگاه این عنوان، در منطقه آگاه است. با سوءاستفاده از عنوان ملا برای خود جایگاهی درست می‌کند و آنچه را که می‌خواهد، به دست می‌آورد. ملاهای قدیم از شأن و جایگاه ویژه‌ای در روستاهای هرمزگان برخوردار بودند که علاوه بر ترویج علم و دانش به عنوان افرادی قابل اعتماد دارای شأن و مرتبه بودند. یکی از زمینه‌های نفوذ فرهنگی استعمار، تخریب

۱. بنایی ساده ساخته‌شده از شاخ و برگ درخت نخل.

۲. بنایی ساخته‌شده از شاخ و برگ درخت نخل به شکل مکعب مستطیل.

شخصیت ملا و وارونه جلوه‌دادن آن است. ساعدی در ترس و لرز نشان می‌دهد غریبه‌ای با ماشین پیکاب (تکنولوژی) وارد می‌شود، از عنوان ملا استفاده می‌کند، اعتماد اهالی را جلب می‌کند، آنها را می‌فریبد و به بدترین شکل ممکن منابعشان را غارت می‌کند و ناپدید می‌شود. بعد از آن ملا نزد اهالی چهره‌ای حیل‌گر و شاید پیدا می‌کند که باید از آن دوری کرد. استعمار با هوشیاری چهره علم-آوران و آگاهی‌بخش‌های جامعه سنتی را تغییر می‌دهد و با ایجاد حربه و دسیسه شرایطی را می‌چیند که خود مردم آنان را دفع کنند. استعمار با ایجاد تناقض بزرگ در جامعه، شکاف آشکار میان حضور گسترده دین و نشانه‌های آن در همه عرصه‌های زندگی جامعه سنتی و همزمان گسترش بی‌اخلاقی، فساد و دروغ از طریق ملا به عنوان نماینده آن است. غریبه داستان دوم ترس و لرز ساعدی در قالب ملا از دین به عنوان نقابی برای ریاکاری و همنوایی با معنویت استفاده می‌کند. شکل روایت ورود انگلیس به ایران بی‌شباهت به شکل ورود ملای داستان ساعدی نیست. او نیز ابتدا مکاشفه و تحقیق می‌کند، بعد با آگاهی ساکن می‌شود. وی با امتیاز سواد هویت کسب می‌کند و با امتیاز پول خود را مورد پذیرش آبادی قرار می‌دهد. رفتار ملا شبیه برخورد استعمارگران غربی با مردم سواحل جنوب است که با کمک دانش و سرمایه بر اهالی بومی تسلط پیدا می‌کنند. ادوارد سعید در کتاب شرق-شناسی، استعمار و تولید مثل را یکسان می‌داند (سعید، ۱۳۸۶: ۲۳۱).

زار: فلسفه مراسم زار در هرمزگان نوعی «درمان» است؛ در عین حال به عنوان یک مراسم آیینی نیز همواره مورد توجه بوده است. از دیرباز در مناطق بومی اعتقاد بر این بوده است که برخی موجودات نامرئی وارد کالبد انسان می‌شوند و فرد را دچار بی‌خوابی، کم‌حرفی، گوشه‌گیری و دست‌زدن به رفتارهای نامعقول می‌کند. در چنین وضعیتی فرد بیمار گمان می‌کند شخصی درون وجودش هست که به او دستورهایی می‌دهد که رفتارهایی را انجام دهد که تحت اختیارش نیست (مشیری، ۱۳۹۲). برای درمان این بیماری او را نزد درمان‌گرهایی به نام بابا و مامای زار می‌برند. زارها دارای انواع گوناگونی هستند که هر کدام درمان مخصوص به خود را دارند. نکته مهم این موضوع به لحاظ بررسی نگاه استعماری این است که از نگاه بومی، غریبه‌ای به درون روح فرد ورود پیدا می‌کند، جسمش را تسخیر می‌کند و رفتارش را به کنترل خود درمی‌آورد؛ دقیقاً رفتاری که استعمار با سرزمین‌های جنوبی انجام می‌دهد.

بندرعباس و بندرلنگه در دوران حکومت صفویان، شکوفایی اقتصادی ویژه‌ای یافتند و رفاه اجتماعی خاصی در آن دیار رخ گشود. همراه با دادوستد بازرگانی، دادوستد انسانی هم رواج یافت که در پی آن شمار زیادی برده سیاه‌پوست به وسیله برده‌فروشان عرب وارد منطقه شدند و به عنوان کارگر و عمده به جامعه ایرانی پیوستند (مشیری، ۱۳۹۲). اینان هفته‌ای یک بار به مرخصی می‌رفتند و برای کاستن درد غربت و رفع رنج و آلامشان به برگزاری مراسم می‌پرداختند. آلدوس هاکسلی در کتاب اهریمنان لودون بیان می‌کند که در دوران باستان معمولاً پس از از سرگرداندن یک دوره دیرپای مصائب ویرانگر مثل جنگ، طاعون، خشک‌سالی و قحطی همچنین مراسمی برگزار می‌کردند تا به این وسیله اثرات روحی زیان‌بار ناشی از این دوران‌ها را بزدایند. هدف از شرکت در این گونه رقص‌های آیینی، این بوده است که افراد از دایره محدود شخصیت اصلی خویش به درآیند و در شادی و لذت دیگری شدن غرق شوند. این شاید همان راه‌حلی باشد که انسان بومی که دستش از حمایت حکومت مرکزی کوتاه است، از جور فقری که سلطه استعمار بر او تحمیل کرده است، بدان پناه می‌برد. بنا به عقیده ویلیام جیمز در کتاب تجربیات مذاهب گوناگون، شرکت‌کنندگان این گونه مراسم آیینی به نوعی کرختی، خیال‌پردازی و توهم‌اندیشی دچار می‌شوند نه به مکاشفات مدهوشانه‌ای که به تجلی ملکوتی و به کمال نفس ملکوتی می‌انجامد.

در داستان سوم ترس و لرز زن عبدالجواد گرفتار زار می‌شود. از نشانه‌های تعریف نویسنده برمی‌آید که گرفتار زار «دینگه مه رو» شده است. «زنا بالا سرش هستن، وقتی آرومه مادرم جوشانده بهش می‌ده. اما وقتی باد تو کله‌اش می‌پیچه، دیگه هیشکی حریفش نیس. می‌زنه، می‌شکنه، می‌خونه و گریه می‌کنه» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۷۳). دینگه مه رو بادی است که هر جا صدای دهل باشد و بازی باشد، در آنجا حاضر می‌شود. بیشتر زن‌ها دچار این باد می‌شوند. باورهای جادویی همواره با توهمات «اسکیزوفرنیایی» (Schizophrenia) مورد نظر یونگ در ارتباط نیستند و می‌توانند از ناخودآگاه جمعی سرچشمه گرفته باشند. ساعدی در داستان سوم نشان می‌دهد که چگونه اعتقادات و باورهای خرافی در سرزمین‌های خشک جنوب، مردم را گرفتار مشقات واقعی یا خیالی می‌کند. داستان سوم نمود بی‌پایان و ترس و لرز است و آدمی که همیشه بی‌سلاح مغلوب طبیعت است. ساعدی از زاویه دید مردم بومی منطقه این تصویر را تجسم کرده است که انگار این ترس و لرز پایانی ندارد.

بابا زار: نیاز به «خودنمایی» و «لذت حسی» از نظریه‌ی نیازها که توسط «هنری مورای» (Henry Murray ۱۸۹۳-۱۹۸۸) مطرح شد، در شخصیت‌های مبتلا به زار در داستان‌های ساعدی برای نمایان کردن حس سلطه‌جویی‌شان دیده می‌شود. افراد «شخصیتی وابسته» به خود می‌گیرند که توقع دارند دیگران اسباب رضایتشان را فراهم کنند. ساعدی انتقادش را از زبان شخصیت عبدالجواد بیان می‌کند: «اپنا حرفه کدخدا. زاهد آگه بلده واسه خودش بگوبه، هوای خودشو زیر بکنه، غیر خدا کسی زورش نمی‌رسه» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۷۳). یا «اپنا درست. اما شعر وسیله نیس حاجی، آگه حکیم و دوا تو کار باشه، من حرفی ندارم. تازه آگه زاهد براش بکوبه، من حتم دارم حالش بدتر میشه» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۷۳)؛ اما چون حکیم و دوا وجود ندارد، دست به دامن اسحاق جهود می‌شوند؛ کسی که به قول کدخدا انصاف ندارد و برای داروندارشان کیسه دوخته است. آخر سر هم یک تابوت تحویلشان می‌دهد و با کشتی عظیم با چشم‌های روشن و پرچم‌های رنگ‌وارنگ و توپ‌های مسی بزرگ بر هر طرف عرشه، به بیت‌المقدس می‌رود.

**دورونج (Do-ronj):** در استان هرمزگان به عمل بچه‌های تخس که هر کاری را بر عکس انجام می‌دهند، می‌گویند: «فلانی مثل دیوانه وارونه کار است». در میان اندیشه‌های مردم میناب نیز این باور که ملهم از آیین‌های باستانی هندو اروپایی به‌ویژه آیین میتراپی است، وجود دارد. دیو خدای دروغ یا دُرُنِج موجودی مهیب و غولی هراسناک است که مردم بسیار زشت و پتیاره را بدان همانند کنند. در برابر دیو دروج، اشه قرار می‌گیرد که نیروی راستی است. در اوستا آمده است: «هستی میان دو نیرو، اشه (راستی) و دروج (دروغ) بخش گشته است (مهرداد بهار، ۱۳۷۵: ۲۰). منصور نعیمی نیز در کتاب فرهنگ جامع هرمزگان و در شرح «درنچ» (با همین املا) آن را اعجوبه، دیو، موجودی تخیلی و آدمی که هولناک و بدقیافه باشد، معنا می‌کند و آن را معادل «دروج» پهلوی می‌گیرد و واژه «درنچک» را این‌گونه معنا می‌کند: «نوعی نشستن و زل‌زدن مانند درنچ روی دو پا نشستن و ساعد را روی زانو نهادن و خیره‌نگریستن» (رفیعی، ۱۳۹۹: ۸۳). ساعدی با یک وارونه کاری دورونج را در قالب یک بچه‌به‌ظاهر معصوم در قصه چهارم‌ش آورده است که خواب اهالی را آشفته می‌کند. بنا به عقیده ادوارد سعید «شرق، در کلیت خود، بین رضامندی غرب از آنچه مائوس و آشناسست و ترس و لرز آن از مطالب جدید و تازه، در نوسان است» (سعید، ۱۳۷۷: ۱۱۲). از نگاه ادیب‌زاده در کتاب

امپراتوری اسطوره‌ها و تصویر غرب، باد از نگاه استعاره‌ای ادبیات دوران ساعدی همواره بازنمایی‌کننده نیرویی نابودکننده ویرانگر بوده است. حضور بچه در جای‌جای داستان با وزش باد همراه است؛ بادی که با گذر زمان به‌شدت ویرانگری و ترسناک‌بودنش افزوده می‌شود. اهالی از ترس موجود ناشناخته تا مرحله‌ای پیش می‌روند که از مقابله با یک بچه نیز در مانده می‌شوند و بر آنها سیطره پیدا می‌کند.

**غراب جنی (غراب شیطان):** نکته جالب این است که غراب شیطان بیشتر در مسیر لنج‌هایی که به صورت تکی و به صورت منفرد به سفر دریایی می‌پرداختند، ظاهر می‌شده است و لنج‌هایی به صورت سنگارد و گروهی حرکت می‌کردند، کمتر با پدیده‌ای به نام غراب شیطان مواجه می‌شدند. برخی دریانوردان در مصاحبه خود عنوان می‌کنند که نزدیک جزیره کیش با این پدیده مواجه شده‌اند و برخی دیگر نزدیک چابهار غراب شیطان را دیده‌اند؛ اما با وجود این نگاه علمی هنوز مشخص نگردیده است که غراب شیطان به چه صورت در دریاها وجود داشته است. اما در اذهان دریانوردان قدیمی بندر کنگ همواره دیده‌ها و شنیده‌ها از غراب شیطان وجود دارد، دیده و شنیده‌هایی که با زندگی دریانوردی آنها همگون شده است و به همین دلیل نیز هست که در زمان مصاحبه‌ها یا در جمع‌های خودمانی همواره به این پدیده اشاره می‌گردد و نشان داده می‌شود که دریا همواره با مسائل طبیعی و غیرطبیعی زیادی همراه بوده است. «گاه چیزی از آب بیرون می‌پرید و دوباره توی آب می‌رفت. گاه چشم شفافی از گوشه‌ای پیدا می‌شد و موتور لنج را نگاه می‌کرد و بعد پلک می‌بست» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۲۱). «دمدمه‌های ظهر، موتور لنج بزرگی پیدا شد که چندین بیرق سیاه و قرمز بر هر طرفش بسته بودند و صورتک‌های غریبی از سینه و عقب عرشه آویزان بود» (همان، ۱۳۹۷: ۱۴۸). باور به جادو یعنی پذیرفتن فقر و انکار عقل و اندیشه؛ یعنی پذیرفتن اینکه در لحظه‌ی نیاز و اضطراب شدید باید به جایی پناه آورد و اعتقاد به جادو برای جماعتی که دستشان از هر چیزی کوتاه است، امنیت می‌آورد. ساعدی ریشه‌ی فاسد فقر پیر و سنج دیار جنوب را وحشت از نیروهای جادویی و ماورایی می‌داند؛ ترسی که شرایط تسخیر را برای استعمار آماده می‌کند.

**داماهی:** در داستان ششم اهالی نیمه‌شب کشتی غریبه‌ای روی دریا می‌بینند که در ساحل اردو می‌زنند و شروع به پختن غذا می‌کنند؛ غذاهایی که همه را به اهل آبادی می‌دهند. جماعت خوشحال

از این بذل و بخشش، از فردایش ماهیگیری را رها می‌کنند و چشم به غذاهای چرب و مجانی غریبه‌ها می‌دوزند. در ادبیات پسااستعماری حضور بیگانگان همواره در دل شب و میان ترس و هراس رخ می‌دهد (عبدالهیان، ۱۳۹۴: ۵۸) بیگانه‌هایی که از دریا می‌آیند، به چشم اهالی آشنا نیستند: «... یه عده سیاه و یه عده آدم‌های عجیب و غریب، کلاه‌های جورواجور سرشونه و لباسای رنگ و وارنگی به تن دارن» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۵۷). «...عرب نیستن، مال جزایرم نیستن، اصلاً معلوم نیس مال کجان...» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۵۷). اهالی با خوردن غذای چرب بیگانگان به مرور کم‌تحرک و تنبل می‌شوند؛ تا جایی پیش می‌روند که کم‌کم از ریخت آدمی زاد خارج می‌شوند. از نظر جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی استعمار، ترویج اندیشه‌ی لاقیدی و پرهیز از تفکرات عمیق در میان مردم مستعمره است. باز نمود امتداد استعمار تن‌آسانی را می‌توان به همه‌گیر شدن کار قاچاق ساحل‌نشینان و کسب ثروت کاذب بدون رنج و ضربه‌زننده به اقتصاد میهنی مشاهده نمود. غریبه‌ها با آوردن غذاهای بیشتر به پرخوری اهالی دامن می‌زنند. تشویق به مصرف بیشتر از دیگر دستاوردهای غرب بعد از به استعمارکشیدن کشورهای جهان سوم است. یکی از اهداف استعمار در کشورهای جهان سوم ایجاد بازار برای فروش کالاهای مصرفی و بدون فایده واقعی و کشاندن آنان به رقابت برای مصرف کالاهاست (عبدالهیان، ۱۳۹۴: ۶۰). طنز تلخ غلامحسین ساعدی در انتخاب کالاهای بی مصرفی نهفته است که بیگانگان به اهالی عرضه نموده‌اند. روش اقتصادی زندگی اکثر مردم جنوب از زمانی که تشکیلات گمرک راه افتاد، قاچاق کالاهای غربی و انباشت کالا به عنوان تهنجی برای کسب درآمد و سرمایه بوده است. عادت نمودن به سود بادآورده کالاهای وارداتی، باعث عدم تمایل آنان به کار و فعالیت بوده است. از دیگر عوارض مصرف کالاهای غربی تغییر ساختار فرهنگی و سبک زندگی مردم بوده است که باعث دور شدن آنان از رسوم و عادات بومی زندگی‌شان شده است. استعمار به صورت پنهان هژمونی خود را بر افراد بومی تحمیل می‌کند و یک نوع سلطه مخملی را به آنان تحمیل می‌کند. حکومت‌های مرکزی برای حفاظت از تولید داخلی، به کمک نیروی نظامی به مقابله با قاچاق کالای خارجی برمی‌خیزند و این آغاز درگیری و نزاع بین نیروی‌های حکومتی و مردم است. هرچه خون‌های بیشتری ریخته شود، انزجار مردم از حکومت بیشتر می‌شود و راه را برای نفوذ و سلطه استعمار با تضعیف حکومت و مردم بازتر می‌کند. یکی از راه‌های نفوذ استعمار، به کمک

مصرفی نمودن مردم به کالاهای غربی و ایجاد روحیه رقابت در بازار، ایجاد تفرقه و درگیری است. ساعدی در پایان داستان ششم این مسئله را به‌وضوح نشان داده است.

**اُم گاره (Omga re):** بزرگ‌ترین علامت «ام گاره» این است که مرکب خود را وادار می‌کند که زیاد بخورد. در نتیجه بعد از مدتی مبتلای این باد به‌شدت چاق می‌شود. وقتی برای مریض سفره پهن می‌کنند، قبل از اینکه مراسم بازی شروع شود، مریض شروع به خوردن می‌کند. با چنان ولعی که کسی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. داستان ششم مانیفست ساعدی از استعمار فرهنگی است. «صالح کمزاری گفت: به امام زمان من تا اون جلو می‌خوام برم، من جلو نفسمو نمی‌تونم بگیرم» (ساعدی، ۱۳۹۷: ۱۶۵). تأثیر فرنگیانی که با یک کشتی مجلل به ساحل می‌آیند و مرتب به اهالی روستا غذا و وسایل مختلف مجانی می‌دهند، به عنوان عامل خارجی بروز فاجعه، اوج نمایش تأثیر فرهنگی استعمار پنهان بر اهالی است. هدف ساعدی انتقاد از نحوه استفاده از منافع نفت در اواخر دوران شاه و بنیان‌نهادن تمامی اقتصاد مملکت بر پایه آن می‌باشد؛ به نحوی که دیگر کسی کار نمی‌کند و همه منتظرند فرنگیان غذا بیاورند و آنها بخورند. غریبه‌ها در این قصه، نمادی از همان استعمارگران پرتغالی، هلندی و انگلیسی کلاسک می‌توانند باشند که برای غارت ساحل‌نشینان فقیر آمده‌اند. سفیدپوستان غریبه، همان «فناوران» فرنگی‌اند که ساحل‌نشینان را از کار و خلاقیت باز می‌دارند و آنان را به مشتی افراد تن‌آسان، پخته‌خوار و آزمند تبدیل می‌کند.

## نتیجه‌گیری

بررسی موضوع استعمار در مجموعه داستان ترس و لرز غلامحسین ساعدی رویکرد و راه‌های وی را به صورت نمادین برای هویت‌یابی و شیوه مبارزه با استعمار مشخص می‌کند. از نظر بسامد، ساعدی سلطه فرهنگی استعمار را برجسته کرده است و اینکه کشورهای استعمارگر از طریق فرهنگ بومی، افسانه‌ها و باورهای قومی می‌کوشند مردم مستعمره را تحت سیطره خود درآورند. باور شخصیت‌های داستان به خرافات، در اصل وحشت آنان از یک پدیده مرموز ناشناخته است که با فرورفتن در شک و تردید و عادت‌های ناپسند، خود را اسیر این نارسایی‌ها می‌یابند؛ برای همین در صدد توجیه آن به وسیله دین، مذهب، پیشینه تاریخی، نژاد، قومیت و باورهای سنتی عامیانه می‌باشند

که این توجیحات به سبب ریشه‌دار شدن ترس، توهم و نادانی در وجود آنهاست و اینکه از زندگی روز و مدرن دور مانده‌اند.

درون‌مایه اصلی هر شش داستان موضوع ترس ناشی از رویارویی با پدیده‌های ناشناخته و غریبه‌هاست. تبعات ترس و لرز در مجموعه این داستان‌ها را می‌توان بیگانه‌هراسی، عقاید ثابت و تغییرناپذیر، ماندن در نیازهای اولیه، خرافه‌سازی، استعداد برای انگل شدن، اعتقاد به خیر محدود و قساوت را برشمرد. ترس و لرز جنبه سمبلیک مهمی دارد و حکایت از وضع اجتماعی یا سیاسی ایران در دوران پهلوی اول و دوم دارد؛ حکومت‌هایی که با کودتای اسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر اساس طرح استعمار نوری کار آمدند. بنابراین نگاه ساعدی به حضور بیگانگان در منطقه، منفی و ضد استعماری است. استعمار جدید از نگاه ساعدی در جوی کاملاً فرهنگی و با کارکردهای سیاسی، عقیدتی، اقتصادی و اجتماعی ماندگار می‌شود.

## منابع

- استروس، کلود لوی (۱۳۸۸). مطالعه ساختاری در مارتین مکتولان (گزیده مقالات روایت). ترجمه فتاح محمدی، تهران: مینوی خرد.
- اشکرافت، بیل، و همکاران (۱۳۹۳). فرهنگ اصطلاحات پسااستعماری. حاجیعلی سپهوند، تهران: آریاتبار.
- البازغی، سعید، و الرویلی، میجان (۲۰۰۰). دلیل الناقد الادبی. ط ۲، بیروت: تمرکز الثقافی.
- تایسن، لوئیس (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. ترجمه مازیار حسین زاده و فاطمه حسینی، تهران: نگاه امروز.
- حاجتی، سمیه، و رضی، احمد (۱۳۶۵) خوانش پسااستعماری رمان رازهای سرزمین من رضا براهنی. یازدهمین گردهمایی بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی.
- حقیقی، شهین، و دیگران (پاییز ۱۳۹۷). خوانش پسااستعماری شخصیت‌های نمایشنامه ماه غسل اثر غلامحسین ساعدی. پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ۶ (۳)، ۶۴-۸۶.
- خطیبی‌زاده، محمد، و دیگران (شهریور ۱۳۷۲). تاریخچه تعلیم و تربیت - فرهنگ نوین - استان هرمزگان.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۷). شرق‌شناسی. ترجمه عبدالرحیم گواهی، چ ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ساعدی، غلامحسین (۱۳۴۵). اهل هوا. چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ساعدی، غلامحسین (۱۳۹۷). ترس و لرز. چ ۱۴، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- شیری، قهرمان (۱۳۸۷). مکتب‌های داستان نویسی در ایران. تهران: نشر چشمه.
- صاعدی، احمدرضا (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان پسااستعماری در رمان شرفه المذیان اثر ابراهیم نصرا.... ادبیات پایداری، ۷ (۵)، ۱۴۹-۱۷۴.
- فانون، فرانتس (۱۳۵۳). پوست سیاه صورتک سفید. ترجمه محمدمامین کاردان، تهران: خوارزمی.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۶۹). صد سال داستان نویسی ایران. ج ۳، تهران: نشر چشمه.
- یانگ، رابرت (۱۳۹۰). اسطوره سفید: غوب و نوشتن تاریخ. ترجمه جلیل کریمی و کمال خالوقناه، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.



## گفتمان‌های شیعی در اندونزی

### بررسی عملکرد جامعه اهل بیت اندونزی (ابی)

محمد علی نظری<sup>۱</sup>

#### چکیده

بعد از انقلاب اسلامی ایران شیعه در اندونزی احیا شد؛ اما به علت خفقان نظام حاکم آزادی‌های مذهبی در این کشور وجود نداشت. با شروع دوران جدید و فضای باز سیاسی در دوران عبدالرحمن وحید، شیعیان برای حفظ هویت شیعه و حضور فعال‌تر در عرصه سیاسی و اجتماعی سازمان ملی ایجابی را تأسیس کردند. این سازمان نماینده گفتمان شیعه اخلاق‌مدار و روشنفکر بود که مورد تأیید جامعه تبلیغی (روحانی - سنتی) قرار نگرفت و بعد از چند سال سازمان ملی ابی که نماینده گفتمان شیعه فقاهتی بود، تأسیس شد. این پژوهش با استفاده از روش جمع‌آوری داده به صورت کتابخانه‌ای، مصاحبه با کارشناسان و مسئولان این سازمان‌ها و تحلیل کیفی سعی دارد به این

۱. استادیار گروه فلسفه، الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات  
(m.a.nazary@iau.ac.ir)

پرسش پاسخ دهد که شکل‌گیری گفتمان ابی در اندونزی تحت چه شرایطی شکل گرفته، نظام معنای حاکم بر آن چیست و عاملان اثرگذار آن کدام‌اند؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد گفتمان ابی در پاسخ به گفتمان اخلاق‌مدار ایجابی، فشارهای گروه‌های ضد شیعه شکل گرفته، گفتمان و نظام معنایی آن فقه‌مدار و ولایت‌پذیر بوده و رهبران آن مانند حسین الحبشی، عمر شهاب و حسین شهاب و... در تثبیت این گفتمان تلاش‌های وافری متحمل شده‌اند.

### کلیدواژه‌ها:

گفتمان شیعه، اندونزی، جامعه اهل بیت علیهم‌السلام.

## مقدمه

شیعه در اندونزی پیشینه طولانی دارد، حتی برخی ورود اسلام به اندونزی را توسط شیعیان دانسته‌اند (ربانی و دیگران، ۲۰۱۳: ۵۵)؛ اما به علل متعددی مانند سقوط حاکمان محلی شیعه در دوره استیلای تسنن، نقش ترک‌ها در اضمحلال حکومت‌های شیعی و روی کار آوردن حکومت‌های سنی در منطقه، موج گرایش و ترویج سنی‌گری اشعری، کلام اشعری، ظاهرگرایی، افول تصوف و عقل‌گرایی معتزلی، قطع ارتباطات شیعیان با جوامع شیعی و تقیه هویت شیعی در موج سنی‌گرایی به مرور زمان گفتمان شیعی فراموش شد (ربانی، ۱۳۹۳: ۸۳) و هم‌اکنون نیز مشترکات مذهبی و فرهنگی زیادی بین اهل سنت و شیعیان در این کشور وجود دارد.<sup>۱</sup>

شیعیان در چند دوره زمانی وارد اندونزی شدند. دوره اول مربوط به قبل از انقلاب اسلامی ایران است که در آن زمان شیعه بسیار محدود بود و جنبه تبلیغی نداشته است و عمدتاً در حالت تقیه به سر می‌برد و در ظاهر خود را از پیروان اهل سنت معرفی می‌نمود. موج دوم مربوط به بعد از انقلاب اسلامی است که ابتدا به صورت نوعی گرایش روشنفکری با تأکید بر جنبه‌های عقلانی شیعه ظهور یافت. این موج توسط دانشگاهیان شکل گرفت و به تفکر انتقادی اندیشمندانی چون شریعتی علاقه‌مند بود و گرایش به شیعه در این دوره ابتدا نوعی گرایش به بحث‌های عقلانی شیعه تلقی می‌شد و به مرور زمان و با افزایش تعداد پیروان شیعه در میان مردم عادی، شیعه در اندونزی ماهیتی آیینی و مذهبی به خود گرفت. موج سوم شیعه مربوط به دو دهه اخیر است که ماهیتی تبلیغی داشته، عمدتاً توسط طلاب اندونزیایی تحصیل کرده در ایران و با هدف ترویج شیعه و افزایش تعداد پیروان مذهب شیعه در بین توده‌های مردم صورت گرفته است (رحمت، ۱۹۹۵: ۹۸).

۱. عبدالرحمن وحید، اولین رئیس‌جمهور بعد از سوهارتو، رئیس نهضت العلماء و نوه هاشم اشعری بنیان‌گذار نهضت العلماء معتقد است نهضت العلماء با بیش از ۴۵ میلیون عضو سازمانی با گرایش‌های شیعه فرهنگی است. عقیل سراج ردیسه نهضت العلماء نیز همین تعبیر را بارها به کار برده که ما شیعه فرهنگی هستیم؛ یعنی به غیر از امامت و مباحث کلامی، بیشتر آموزه‌های اسلامی و عقیدتی ما پیرو آموزه‌های شیعیان است. بیشتر گرایش‌های صوفیانه هم در حوزه اولیا، زیارات و سنت‌های آیینی که در حال حاضر در بین سنت‌گرایان اندونزی جاری است، بیشتر متمایل به تشیع است (ربانی، ۱۳۹۳: ۸۱).

گسترش شیعه در اندونزی تا زمانی که در قالب فرهنگ، تفکر عرفانی، عقلانی و فلسفی به جامعه معرفی می‌شد، با هیچ‌گونه واکنش منفی از سوی جامعه سنی اندونزی مواجه نشده بود؛ ولی در دوران معاصر، هنگامی که جامعه شیعه با تأکید بر وجه عقیدتی و فقهی شیعه به تبلیغ باورهای مذهبی خود پرداختند، سبب حساسیت و واکنش اهل سنت گردید (رحمت، ۱۹۹۵: ۹۸) و نظم امامت شیعی در مقابل نظم خلافت سنی و تأکید بر عقلانیت، اجتهاد و پویایی اندیشه سیاسی شیعی نسبت به ایستایی فقه سیاسی سنی، منجر به روشنفکری دینی و اختلافات گفتمانی در این کشور شد (درمهدن، ۱۳۷۸: ۴۵). این شرایط به خوانش‌ها و قرائت‌های مختلفی از شیعه در این کشور و دو سازمان ابی و ایجابی با دو گفتمان متفاوت در این کشور انجامید. این پژوهش سعی دارد با استفاده از روش جمع‌آوری داده به صورت کتابخانه‌ای، مصاحبه با کارشناسان و مسئولان این سازمان‌ها و تحلیل کیفی به این پرسش پاسخ دهد که شکل‌گیری سازمان ابی در اندونزی تحت چه شرایطی شکل گرفته، نظام معنای حاکم بر آن چیست و عاملان اثرگذار آن کدام‌اند؟

**پیشینه تحقیق:** بررسی جامعه اهل بیت اندونزی (ابی) و تحلیل عملکرد آن با کم‌لطفی جامعه پژوهش در ایران روبه‌رو شده است. از دلایل بی‌توجهی به آن می‌توان به ضعف منابع فارسی و مسافت جغرافیایی توجه کرد. تحقیقاتی که در حوزه شیعه‌پژوهی در اندونزی صورت گرفته، حالتی توصیفی داشته و به بیان کلیات و تاریخچه حضور شیعیان پرداخته و عملکرد کنونی شیعیان مورد غفلت واقع شده است. این پژوهش سعی دارد این خلأ پژوهشی را جبران کند.

فوزی (۱۳۹۴) در کتاب جنبش‌های اسلامی معاصر به بررسی جنبش‌های اسلامی پرداخته است. نویسنده در فصل ششم این کتاب جریان‌ها و گروه‌های مهم سیاسی اسلام‌گرا در کشورهای آسیای جنوب شرقی و اندونزی را بررسی کرده است. ربانی (۱۳۹۳) در کتاب فرهنگ و مذهب در اندونزی با تأکید بر شیعیان به بررسی تاریخ، جغرافیا و فرهنگ کشور اندونزی پرداخته و سیر ورود اسلام در این کشور را بیان کرده است. به باور این نویسنده انقلاب اسلامی ایران در این کشور تأثیرگذار بوده و موجب احیای اسلام و گسترش مذهب تشیع در این کشور شده است. حسینی جبلی (۱۳۹۵) در کتاب جنبش‌های اسلامی در اندونزی به بررسی جنبش‌ها و جریان‌های فکری در این کشور پرداخته است. نویسنده بیان داشته است یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که امروزه جهان اسلام با

آن مواجهه است، درگیری و ستیز بین مذاهب مختلف اسلامی است. کتاب چالش شیعیان در اندونزی اثر زلفکی (۲۰۱۳) مهم‌ترین اثر انگلیسی است که در مورد شیعیان در اندونزی تألیف شده و مشترکاً به وسیله دانشگاه ملّی استرالیا و دانشگاه لیدن هلند منتشر شده است. نویسنده با صرف وقت و اطلاعات میدانی داده‌های خوبی را از شیعیان جمع‌آوری کرده است، هرچند غرض‌ورزی در آن تحقیق مشاهده می‌شود. البته این کتاب ترجمه نشده و در این مقاله از برخی مطالب آن استفاده شده است.

## ۱. چارچوب نظری (گفتمان لاکلا و موفه)

«روش» مجموعه فعالیت‌هایی برای رسیدن به هدف و «پژوهش» مجموعه فعالیت‌هایی است که پژوهشگر با استفاده از آنها به قوانین واقعیت پی می‌برد (دلاور، ۱۳۸۴: ۲۵). فوکو (Michel Foucault) معتقد است نظریه گفتمان «مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های تحلیلی - نظری در چارچوب‌های تاریخی و زمینه‌محور برای تحلیل صورت‌بندی‌های گفتمانی است» (تورفینگ، ۱۹۹۹: ۱۲). گفتمان تلاشی است برای تبدیل عناصر به وقته‌ها از طریق تقلیل چندگانگی معنایی‌شان به یک معنای کاملاً تثبیت شده (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۹). لاکلا و موفه معتقدند هر عمل و پدیده‌ای برای معنا دار شدن باید گفتمانی باشد. هیچ چیز به خودی خود دارای هویت نیست. این دو معتقدند اعمال، گفتار و پدیده‌ها زمانی معنادار و قابل فهم می‌شوند که در چارچوب گفتمانی خاص قرار بگیرند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶)؛ زیرا امور و اشیای فراگفتمانی بی‌شکل و به تبع آن برای ما غیر قابل فهم و دریافت‌اند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۴). گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معنایی‌اند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند.

بنابراین معنا و فهم انسان همواره گفتمانی و لذا نسبی است (منوچهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۶). گفتمان‌ها نظام معنایی‌اند که باورهای ما را نسبت به واقعیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شکل و محتوا می‌دهند (بخشایشی، ۱۳۸۸: ۶۳). به‌کارگیری این روش به معنای گسست گفتمان‌ها و رد تحولات تک‌خطی تاریخی و نفی جوهرگرایی توجه است (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۵۷). تحلیل

گفتمان «چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی [زمینه متن] واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی، مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون‌زبانی [زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی] بررسی می‌کند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸/قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۳۸). در شناسایی و بررسی گفتمان‌ها باید چند مؤلفه مورد بررسی و دقت قرار گیرد. ابتدا باید فضای تخصص شناسایی و وجه اعتبار و دسترسی گفتمان حاکم تبیین و سپس نظام معنایی بر گفتمان تحلیل شود سپس عاملان سیاسی آن تشریح گردند.

## ۲. فضای تخصص و اعتبار و در دسترسی

نخستین گام برای تحلیل سیاسی گفتمان، شناسایی حداقل دو گفتمان متخاصم است که با هم رابطه‌ای غیریت‌سازانه برقرار کرده‌اند. گفتمان‌ها همواره به واسطه «دیگری» هویت پیدا کرده و نظام معنایی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند. طبق این نظریه وجود گفتمانی که مطلقاً به‌تئاهی بر جامعه‌ای حاکم باشد، امکان‌پذیر نیست و هرگز نمی‌توان سیر تحول یک گفتمان یا نظام معنایی آن را بدون قرارگرفتن در برابر یک‌دیگری بررسی کرد. درحقیقت برای بررسی ساختار نظام معنایی یک گفتمان باید آن را در مقابل ساختار نظام معنایی گفتمان رقیبش قرار داد و نقاط درگیری و تفاوت‌های معنایی را یافت (منوچهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۲). مفهوم قابلیت دسترسی برای بیان میزان موفقیت یک گفتمان به کار می‌رود. «به اعتقاد بابی سعید، امکان پیروزی یک گفتمان به علت ویژگی‌های ذاتی آن نیست، بلکه صرفاً به این دلیل است که گفتمان تنها ساختار منسجم در دنیای کاملاً آشفته به نظر می‌رسد». منظور از اعتبار نیز تأکید بر این نکته است که اصول اساسی یک گفتمان با اصول اساسی یک گروه اجتماعی ناسازگار نباشد (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵۱۵). برای بررسی فضای تخصص در شکل‌گیری ابی، باید ابتدا گفتمان و فضای اسلامی حاکم بر اندونزی بررسی گردد و سپس وارد فضای شیعه در این کشور و چالش‌های میان آنان را بررسی و تبیین کرد.

### الف) شرایط و فضای تخصص در بین گفتمان‌های اسلامی

اندونزی دورافتاده‌ترین منطقه نسبت به کانون اسلام در عربستان و خاورمیانه است (حشمت‌زاده،

۱۳۹۵: ۲۶۶). این کشور خاستگاه اصلی ظهور و گسترش تفکر اسلامی و تمدن مالایی در این منطقه است (ربانی، ۱۳۹۳: ۱۸). اسلام جزو هویت این منطقه است و اقتصاد مردمانش ماهیتی فرهنگی و تجاری داشته است (مصاحبه، زنگنه). ۹۴٪ جمعیت ۲۵۰ میلیونی کشور، مسلمان، اغلب شافعی و محب اهل البیت اند (جامعه المصطفی، ۱۳۹۲: ۲۹). مسلمانان در اندونزی به دسته ساتری و آبانگان تقسیم می‌شوند. مسلمانان ساتری (متعصب) از لحاظ اعتقادی، به ارکان پنج‌گانه اسلام و شریعت پایبند بودند (امری، ۱۳۹۰: ۲۵۹). مسلمانان آبانگان (التقاطی) طرفدار آمیزه‌ای از اعتقادات، آیین‌ها، شعائر و مراسم آئیمستی (روح‌گرایانه) هندو و اسلامی به شمار می‌آیند و البته تعداد آنان بیشتر است (موثقی، ۱۳۹۰: ۳۶۳/ حسینی جبلی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

اندونزی دارای بیشترین تاریخ استعمار بوده و اولین کشوری است که از استعمار خارج شده و بیداری اسلامی در آن رخ داده است (مصاحبه، زنگنه). در اوایل استقلال اندونزی مسلمانان تلاش زیادی کردند که اندونزی به عنوان یک کشور مسلمان به رسمیت شناخته شود؛ ولی شورای انقلاب موافقت نکردند و در مقابل از ایدئولوژی پانجلیسا (به معنای ۵ اصل) شامل اعتقاد به خدای واحد، بشردوستی، وحدت ملّی اندونزی، دموکراسی مبتنی بر اجماع حاصل از مشاوره و عدالت اجتماعی (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۱: ۲۶) حمایت کردند. دولت اندونزی در عمل از خط مشی عرفی (سکولار) پیروی کرده و خواستار عدم دخالت امور مذهبی در نحوه اداره کشور است؛ ولی این دولت خود را لائیک یا ضد دین نمی‌داند (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۱: ۲۶).

در دوران سوکارنو و سوهارتو محدودیت‌های بی‌شماری برای احزاب، سازمان‌های دینی و... اعمال شد؛ حتی برگزاری مراسم سنتی تابوت (اربعین) در سال ۱۹۵۳ میلادی ممنوع اعلام شد (kartomi, ۲۰۱۲: ۷۵). هرچند سختگیری نسبت به اسلام در این دوران وجود داشت، سخت‌گیری‌ها نسبت به تشیع بیشتر بود و به صورت قانونی مورد قبول جامعه نبود. با سقوط سوهارتو و روی کار آمدن عبدالرحمن وحید فضای باز سیاسی در این کشور ایجاد شد، احزاب و سازمان‌های اسلامی جدید متولد و فعالیت خود را افزایش داده و با استقبال جوامع دانشگاهی روبه‌رو شدند (Assyaukanie, ۲۰۰۸: ۱۲۹).

در واکنش به سخت‌گیری‌های که در دوران سوهارتو نسبت به احزاب دینی به وجود آمده بود، در

دوران جدید، احزاب رادیکال از این موقعیت استفاده کرده، از رشد و توسعه قابل ملاحظه برخوردار شدند (۳۳۶: ۲۰۰۸، zarkasyi) و مدارس سلفی و وهابی بسیاری با کمک وهابیت در این کشور تأسیس شد (مصاحبه، موحدی)؛ هرچند احزاب لیبرال نیز توانستند خود را با جامعه هماهنگ کنند و فعالیت خود را گسترش دهند (۱۵۱: ۲۰۱۸، Ardhiyanto). اعضای این احزاب اکثراً از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های غربی بوده (مصاحبه، ربانی) و به دنبال تلفیق دموکراسی و آموزه‌های دینی بودند (۵۶: ۲۰۱۸، kurlantzick) و بسیاری از آنان به دولت پیوستند (ربانی، مصاحبه).

اقلیت شیعه که در بعد از انقلاب اسلامی ایران در این کشور احیا شده بود، در پی اثبات هویت خود و انطباق با شرایط جدید بودند. شیعیان اقلیتی اثرگذار در اندونزی هستند که بیشتر فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان در جاкарتا متمرکز بود (۲۳: ۲۰۱۴، imam). قبل از انقلاب اسلامی ایران شیعیان قدیم پیوسته به تقیه پرداخته و هویت خود را فراموش کرده بودند؛ اما بعد از انقلاب آنان فعالیت‌های خود را افزایش دادند (۱۹۱۹: ۲۰۰۹، Jacobsen) و مؤسسات شیعی بسیاری در این کشور پایه‌گذاری شد (۲۶۱: ۲۰۱۰، Leonard Leo). هدف این سازمان‌ها احیا و حفظ هویت شیعی بود (حکیم الهی، مصاحبه).

تا سال ۱۹۹۷ میلادی ۲۵ مؤسسه شیعی در جاкарتا مشغول به فعالیت بوده‌اند (۲۰۰۸، Latif ۳۱۱) زین نام هشتاد مؤسسه شیعی در اندونزی را ذکر کرده که در حال گسترش و تبلیغ عقاید شیعی بوده‌اند. برای اکثر این مؤسسات پنج وظیفه تعریف شده است: ۱. تعلیم و تربیت به صورت رسمی یا غیررسمی و برگزاری مراسم؛ ۲. فعالیت‌های اقتصادی و رفاهی؛ ۳. منشورات چاپی و الکترونیکی؛ ۴. کمک به مستضعفان؛ ۵. پنجم امور اداری (زین، ۱۴۳۷: ۸۸-۸۷). اما این سازمان‌ها به دلیل دچار شدن به معایبی مانند اختلاف بر چگونگی مدیریت سازمان، ایدئولوژی مختلف، شرایط سیاسی و اجتماعی و سختگیری‌های دولت نتوانستند اهداف خود را محقق کنند (۱۹۸: ۲۰۱۳، Zolkifli).

بازنمایی و تقویت گفتمان شیعی و تقویت گروه‌های رقیب توسط عناصر خارجی (حمایت سعودی از جریان‌های سلفی و نفوذ در ارکان قدرت) موجب افزایش چالش میان این شیعیان و اهل سنت شد. گفتمان رقیب با عملیات پروپاگاندای وسیع به اهل سنت القا کرده بود که شیعیان جریانی نوظهور، انحرافی و ضاله بوده و قصد از بین بردن اعتقادات مسلمانان اندونزی را داشته‌اند. این

عملیات روانی و تبلیغی سلفیت خارجی همراه با برگزاری نشست‌های علمی، چاپ و نشر گسترده کتاب و صرف هزینه‌های فراوان بوده است (مصاحبه، حکیم الهی). این عوامل موجب تهییج احساسات برخی از اهل سنت نسبت به شیعیان شد و آنان بارها سعی کردند از طریق نفوذ در سازمان‌های دینی مانند نهضت العلماء و... آنان را را متقاعد نمایند که حکم تکفیر و غیر شرعی بودن شیعیان را صادر نمایند. دامنه این اختلافات به دولت مرکزی نیز کشیده شد و گروه‌های نفوذ و قدرت نیز سعی داشتند با نفوذ در وزارت اوقاف حکمی علیه شیعیان صادر و مانند کشور مالزی آن را غیرقانونی اعلام نمایند، ولی با روشنگری شیعیان این عملیات با شکست مواجه شده است (مصاحبه، عمر شهاب). واکنش‌های متعدد به جریان‌های شیعی سبب شد، شیعیان به دنبال تثبیت سازمان‌هایی باشند که از هویت شیعیان دفاع کرده و پناهگاهی قانونی برای انجام فعالیت‌های خود در برابر چالش‌های پیش رو داشته باشد. در چنین شرایطی نخبگان و رهبران شیعه در این کشور به یک جمع‌بندی دست یافتند که سازمانی ملی تشکیل گردد که ضامن هویت شیعه در این کشور باشد. در نهایت در سال ۲۰۰۰ سازمان ایجابی در این کشور شکل گرفت و به تصویب قانونی رسید (مصاحبه، اسماعیل زاده)؛ اما این سازمان نماینده قشر روشنفکر و دانشگاهی در اندونزی بود و نتوانست خواسته‌ها و حمایت اکثریت گروه‌های شیعه در این کشور بالاخص فارغ‌التحصیلان حوزوی را جلب کند؛ زیرا این سازمان به پلورالیزم، تقدم اخلاق بر فقه باور داشت و حتی معتقد بود برای حفظ هویت شیعه و برادری اسلامی برخی مسائل فقهی نیز باید کنار گذاشته شود. در اثر این رویکرد بسیاری از گروه‌های شیعه از این سازمان خارج شدند و برنامه آن را به نقد کشیدند و مقدمات شکل‌گیری ابی به وجود آمد (مصاحبه، حکیم الهی).

جامعه اهل‌البیت علیهم‌السلام اندونزی یا به اختصار «ابی» در ابتدا سازمانی مذهبی و طلبگی بود که به امور فرهنگی، برگزاری مجالس، مراسم و کلاس درس در حوزه‌های علمیه می‌پرداخت (مصاحبه، موحدی)؛ اما امروزه این سازمان در سطح کشور تأثیرگذار است (مصاحبه، علی شهاب). در حال حاضر ابی یک سازمان رسمی، دولتی و ملی است<sup>۱</sup> که اعضای آن عمدتاً فارغ‌التحصیلان حوزه

۱. سازمان ملی به سازمانی اطلاق می‌گردد که دارای اساس‌نامه، ارکان، عضو، رأی‌گیری سالانه، دارای شعبات و دفاتری

علمیه داخلی و خارجی هستند و در استان‌ها و شهرستان‌ها دارای شعبه است و به صورت شبکه‌ای فعالیت می‌کنند (مصاحبه، رضایی<sup>۱</sup>). هم‌اکنون سازمان ابی در ۲۴ استان دارای دفتر و در ۱۲۴ شهر شعبه دارد (مصاحبه، عمر شهاب). هدف از تشکیل ابی در اساس نامه آن این گونه آمده است:

«با توجه به رشد شیعیان طرفدار مکتب اهل بیت علیهم‌السلام اندونزی از لحاظ کمی - کیفی و نیازهای روزمره باید سازمانی شکل می‌گرفت که به این امور رسیدگی کند. از سال ۲۰۰۵ گردهمایی تحت عنوان صله رحم ملی وجود داشت که شیعیان در آن جمع می‌شدند. این گردهمایی با حضور سه عنصر مبلغین، فعالان فرهنگی، مؤسسات فرهنگی شیعه شکل می‌گرفت. در پنجمین نشست در سال ۲۰۱۰ اعضا به این نتیجه رسیدند که زمان آن فرارسیده است که سازمانی ملی به صورت رسمی ثبت و شروع به فعالیت کند و به امور شیعیان رسیدگی کند. در سال ۲۰۱۱ این سازمان رسمی شد و در وزارت کشور اندونزی ثبت گردید» (مصاحبه، علی شهاب).

این سازمان دارای عضوگیری و جذب بالا بوده، فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و تعامل مناسب با دولت مرکزی دارد و به فعالیت‌های سیاسی مانند حمایت از احزاب، کاندیداهای ریاست جمهوری و ... می‌پردازد. اعضای اصلی ابی مانند ظاهر یحیی، حسین شهاب و عمر شهاب هسته مرکزی ابی را تشکیل می‌دهند. ابی دارای مدارس دینی بوده و رابطه عمیقی با ایران دارد و شاید بتوان گفت این سازمان نماینده غیررسمی جمهوری اسلامی ایران است. ابی در قبال پدیده‌های سیاسی و اجتماعی فعال بوده و رابطه‌اش با ساختار قدرت در این کشور جالب توجه است. رئیس‌جمهور این کشور بارها مسئولان ابی را برای حل مشکلات سیاسی و اجتماعی فراخوانده است (مصاحبه، علی شهاب).

ابی در بین مردم محبوبیت داشته و با کمیته امداد خمینی به فقرا کمک‌رسانی می‌کند (مصاحبه، موسوی). در شورای مرکزی ابی اکثر اعضا طلبه‌اند؛ اما در شورای اجرایی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

در مراکز استان‌ها و شهرستان‌هاست. سازمان ملی با حزب متفاوت است. یک حزب فعالیت‌هایش مربوط به حوزه سیاسی است؛ اما سازمان ملی علاوه بر فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی و فرهنگی انجام داده و مردم‌نهاد است (مصاحبه، عمر شهاب).

۱. پژوهشگر مسائل اندونزی.

نیز حضور دارند؛ برای نمونه دبیر شورای اجرایی سیدحسن دلیل، وکیل اول رئیس معاون مالی، رئیس اول دبیرکل از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌اند (مصاحبه، عمر شهاب).

ابی شامل ساختار ریاستی و شورایی است. شورای ابی در رأس امور قرار دارد و شامل شورای اجرایی و مسئولان، رئیس کل، هیئت اجرایی، دبیر اجرایی و امور مالی است. کل سیاست‌گذاری‌ها و استراتژی‌هایی نظیر راهپیمایی، بیانیه‌ها و... در این شورا تصمیم‌گیری می‌شود. ابی دارای دپارتمان‌های تخصصی شامل دپارتمان آموزش و پرورش، دپارتمان پژوهش و استعدادیابی، دپارتمان اجتماعی، هنر و فرهنگ، دپارتمان امور اقتصادی است، ابی دارای سازمان‌های وابسته شامل رسانه ابی، سازمان جوانان است. علاوه بر آن سازمان ابی دارای شعبات منطقه‌ای ابی و دایره‌های ناحیه‌ای است (وب سایت رسمی ابی).

### ۳. نظام معنایی و گفتمانی ابی

گفتمان‌ها در واقع منظومه‌ای از معانی‌اند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند. فهم انسان همواره گفتمانی و نسبی است (منوچهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۶) و باورهای ما را درباره واقعیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شکل و محتوا می‌دهند (بخشایشی، ۱۳۸۸: ۶۳). هسته مرکزی هر منظومه گفتمانی را دال مرکزی<sup>۱</sup> تشکیل می‌دهد (هوارث،<sup>۲</sup> ۱۳۷۷: ۱۶۵).

گفتمان حاکم بر ابی بر محوریت دال مرکزی ولایت‌پذیری، اعتقاد به پانچلیسا و حفظ هویت شیعی است. عمر شهاب به عنوان دبیرکل ابی در مورد باور به اصل ولایت مطلقه فقیه و اعتقاد به حاکمیت دولت اندونزی می‌گوید اعتقاد به ولایت فقیه هیچ‌گاه به معنای اعتقاد به نفی حاکمیت دولت نیست و اعتقاد به ولایت فقیه یک اصل اعتقادی و اعتقاد به پانچلیسا یک اصل قانونی و محترم برای سازمان ابی است (مصاحبه، عمر شهاب).

<sup>۱</sup> nodal point

<sup>۲</sup> The central Dahl

عناصری که همواره امکان ورود به ساخت گفتمانی و تغییر شکل بندی آن را دارند، در فضایی به سر می‌برند که از سوی لا کلا و موفه حوزه گفتمان‌گونگی خوانده می‌شود. اینان مانع اشباع معانی می‌شوند و دال را ترغیب به شناور بودن می‌نمایند (لا کلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۱۲). ابی انجمنی است که با محوریت دال مرکزی ولایت‌پذیری نسبت به احیای هویت مسلمانان، روز قدس، مسئله فلسطین، حقوق شیعیان و استکبارستیزی فعال است. به عبارت بهتر این سازمان تا جایی که دولت به آنان اجازه فعالیت می‌دهد، در امور سیاسی و اجتماعی با رویکردی متأثر از اسلام شیعی بر اساس قرائت امام خمینی علیه السلام دخالت و اعمال نظر می‌کند (مصاحبه، عمر شهاب). ابی قایل بر تقدم فقه بر همه چیز است. فضای گفتمانی حاکم بر ابی این گونه ترسیم شده است: ۱- هویت و احیای اسلام؛ ۲- حکومت اسلامی و ولایت فقیه؛ ۳- برتری فقه بر اخلاق؛ ۴- مسئله فلسطین؛ ۵- استکبارستیزی؛ ۶- تعامل با دولت و فعالیت در چارچوب قوانین؛ ۷- نقش زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی (برگرفته از مرام‌نامه ابی از سایت رسمی آن).<sup>۱</sup>

تشکیل ابی نیز در چند هدف ذیل خلاصه می‌گردد:

- اعتقاد به مکتب اهل بیت علیهم السلام از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی؛
- ایجاد اخوت اسلامی بین مسلمانان و وحدت ملی؛
- تلاش برای مقابله با ظلم‌ستیزی و کارهای ضد انسانی؛
- پیگیری آرمان‌های انسانی؛
- عمل به مبانی اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام؛
- اعتقاد و دفاع از حکومت، قانون اساسی و اصل پانچلیسا و قانون اساسی ۱۹۴۵ (برگرفته از سایت ابی). ابی تشکیلاتی عمل می‌کند و مسئله آموزش را جدی تعقیب می‌کند. این تشکیلات، سازمانی فقاهتی، منجسم بوده، ارتباط بسیار مناسب با مرجعیت دارد (مصاحبه، موسوی<sup>۲</sup>).

۱ رئیس کل ابی.

۲ نماینده سابق ولی فقیه در اندونزی.

برای درک بهتر فضای گفتمانی حاکم بر ابی چند بیانیه آنان بررسی می‌گردد. این سازمان در مواجهه با وقایع و معضلات سیاسی، اجتماعی، بین‌المللی و داخلی موضع‌گیری و بیانیه صادر می‌کند و بنا به اهمیت موضوع بیانیه یا توسط دبیرکل یا شورا امضا می‌گردد: بیانیه دعوت مردم برای شرکت در انتخابات پارلمان و ریاست‌جمهوری، بیانیه جهت آزادی قدس، بیانیه جهت مخالفت با انتقال پایتخت به قدس، بیانیه حمایت از مردم فلسطین، بیانیه حمایت از مسلمانان روهینگایی، بیانیه وحدت ملّی و اسلامی، بیانیه اعلام انزجار از بمب‌گذاری در جاکارتای شرقی توسط داعش، حمایت از آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، بیانیه روز استقبال از روز غدیر، بیانیه واکنش در مورد حرکت تکفیری، بیانیه حمایت از دولت جدید و بیانیه روز قدس (برگرفته از سایت ابی). این بیانیه هر ساله صادر می‌گردد و از مردم برای شرکت در این راهپیمایی دعوت و امکاناتی برای مردم در نظر گرفته می‌شود.

ابی در رسانه‌ها و فضای مجازی بسیار فعال است و تا کنون سه کتاب تولید کرده و در داخل اندونزی با استقبال زیادی مواجه شده است: شیعه از منظر شیعه، هفتاد سال استقلال اندونزی از لحاظ سیاسی، فرهنگی، نظامی و خدانشناسی برای کودک. انتشار این کتاب‌ها نشان‌دهنده مرانامه آنان است. آنان با اعتقاد به اصل پانچلیسا سعی دارند در چارچوب قانون اساسی کشور فعالیت نموده، حضوری فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی این کشور داشته باشند؛ به نحوی که از احزاب و نامزدهای ریاست‌جمهوری و پارلمان حمایت نموده و نسبت به وقایع اجتماعی، امور داخلی، وقایع خارجی صاحب نظر و موضع‌گیری می‌نمایند (مصاحبه، علی شهاب).

#### ۴. عاملان سیاسی

تثبیت یک گفتمان نتیجه مبارزات سیاسی، دستاورد کنشگران و عاملان سیاسی در موقعیت ازجاکندگی و بحران هویت و معناست. در تحلیل گفتمان، نقش عاملان سیاسی در دستیابی به هژمونی توسط یک گفتمان دارای اهمیت ویژه‌ای است (لاکلا، ۱۹۹۰: ۶۰/ قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۷۷). برای بررسی تثبیت گفتمان شیعی ابی باید به بررسی نقش عاملان آن توجه کرد. هرچند ابی سازمانی تازه تأسیس است، عاملان و پایه‌گذاران این تفکر از سال‌ها قبل زمینه‌سازی تثبیت این سازمان را فراهم کرده‌اند. استادان و طلاب مدارس علوم دینی عاملان اصلی شکل‌گیری سازمان ابی

هستند. بیشتر این طلاب در حوزه‌های علمیه اندونزی، ایران، عراق، سوریه و... تحصیل کردند و بعد از انقلاب اسلامی ایران حوزه علمیه قم محوریت این جریان شد و بسیاری از طلاب و حتی برخی استادان برای گذراندن دوره‌های تکمیلی یا کوتاه‌مدت به ایران عزیمت کردند. طلاب اندونزیایی قم در دارالتبلیغ، مدرسه حجتیه، مدرسه مؤمنیه و سپس مؤسسه آموزشی امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> تحصیل کردند (زلفکی، ۲۰۱۳: ۳۳). حسین حبشی، عمر شهاب، حسین شهاب، علی شهاب، احمد و حسین برقبا، فوزی و بسیاری از مسئولان ارشد ابی از فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه قم هستند. ظرفیت این پژوهش اجازه معرفی تمام این اعضا را نمی‌دهد. برخی از مهم‌ترین این اعضا شامل موارد ذیل می‌شوند:

### حسین حبشی (۱۹۹۴-۱۹۲۱)

حسین الحبشی رهبر توسعه‌گرای شیعیان در اندونزی هرچند قبل از تأسیس ابی فوت کرده بود، مرام و اندیشه وی در ابی نمایان است و شاگردانش راه وی را ادامه دادند. بی‌شک او تأثیرگذارترین رهبر در جامعه شیعه اندونزی بعد از انقلاب اسلامی ایران است. حسین حبشی تحصیلات خود را در مدرسه الخیره یکی از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین مدارس اسلامی در سورابایا در شرق جاوا آغاز کرد و در فقه، کلام و اخلاق تبحر خاصی داشت و کتاب‌های غزالی را در کودکی به آسانی مطالعه می‌کرد (مصاحبه، احمد حبشی). وی همراه برادرش علی برای ادامه تحصیل راهی مالزی شد و دو سال را در مدارس سعودی تحصیل کرد و سپس راهی سوریه و عراق شد و با آیت‌الله حکیم ارتباط گرفت و تحت تأثیر شخصیت وی قرار گرفت (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۵۳). علاوه بر آموزش در امور سیاسی نیز شرکت می‌کرد و عضو شورای مشورتی مسلمانان اندونزی بزرگ‌ترین حزب مسلمان در دوران حکومت سوکارنو (۱۹۴۵-۱۹۶۵) بود و در سال ۱۹۵۶ عضو مجلس مؤسسان شد و به عنوان رئیس کمیسیون حقوق بشر منصوب گردید. او از منتقدان جدی حزب کمونیست اندونزی بود. حضور وی در سیاست کوتاه بود؛ زیرا سوکارنو در سال ۶۰ میلادی فعالیت احزاب اسلام‌گرا را محدود کرد. بعد از آن حسین حبشی تنها به فعالیت‌های علمی پرداخت (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۵۴).

در این سال‌ها حسین حبشی ارتباط خود را با جنبش اخوان المسلمین مصر و حسن البنا افزایش داد و با یوسف قرضاوی ارتباط گرفت. وی به عربستان سعودی، مصر، کویت، لیبی، عراق و ایران سفر کرد تا بتواند کمک‌های مالی برای مؤسسه خود به دست بیاورد. وی در شیوه آموزشی خود بسیار سختگیر بود و در سال ۱۹۷۶ میلادی مؤسسه آموزش اسلامی پسترا اسلام را تأسیس کرد. این مرکز به عنوان یک مرکز آموزشی شیعه شناخته شد. وی به شدت دیدی ضد غربی داشت و علوم دینی فقه، اصول، قرآن و ادبیات عرب در آنجا تدریس می‌شد. وی در همان ابتدا کادرسازی را با جدیت دنبال می‌کرد (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۵۵). بسیاری از فارغ‌التحصیلان این مؤسسه برای ادامه تحصیل راهی کشورهای نظیر ایران، هند، پاکستان، مصر، عربستان سعودی، سوریه و قطر شدند.

وی به عنوان بزرگ‌ترین طرفدار ایران و امام خمینی علیه السلام در اندونزی شناخته می‌شده است. وی سخنرانی کاریزماتیک بود و مخاطبان بسیاری داشت. تحولات جهان اسلام را با دیدی کامل دنبال می‌کرد. فعالیت‌های تبلیغی وی محدود به مراکز شیعه‌نشین جاکارتا نبود، بلکه در بسیاری از مناطق دورافتاده این کشور ادامه داشت (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۵۶).

وی امام خمینی را به عنوان نماد اسلام و پیروزی حق بر باطل می‌دانست و در سخنرانی‌های خود به تعریف و تمجید از امام خمینی علیه السلام پرداخته، او را لایق رهبری امت اسلامی معرفی می‌کرد (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۵۷). وی فعالیت‌های فکری بی‌شماری در مورد تشیع در اندونزی انجام داد و در مناظرات متعددی شرکت و ردیه‌نویسی‌های فراوانی را در رد آرای اهل سنت تألیف نمود (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۵۹). با وجود اختلافات کلامی میان شیعه و اهل سنت، وی شخصیتی تقریبی داشت و ایده‌برداری اسلامی را ارائه نموده، همه اعضای جامعه را به اتحاد فرامی‌خواند و به جامعه اندونزی توصیه می‌کرد بدون مطالعه و تدبر عقاید شیعیان را مورد انتقاد قرار ندهند و از منابع اصیل شیعه با دیدی جامع و کامل استفاده نمایند و دیدی گزینشی نداشته باشند (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۶۰).

### عمر شهاب

عمر شهاب متولد سال ۱۹۶۰ میلادی مدرس، مبلغ و رئیس ابی در جاکارتاست. وی از خاندان سادات عرب شهاب است. این خاندان از تأثیرگذارترین خاندان در کشور اندونزی هستند. وی

تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه معهد اسلامی بانگیل<sup>۱</sup> گذراند سپس برای ادامه تحصیل به واسطه حسین حبشی به ایران آمد. وی در سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۹ در قم بود و در چند ماه نخست زبان فارسی را آموخت و وارد مدرسه حجتیه شد و بعد از اتمام مکاسب و رسائل به اندونزی بازگشت سپس در دانشگاه اسلامی فتاح پالمبانگ مشغول تحصیل شد. وی فارغ التحصیل رشته علوم سیاسی است. تز دکتری وی تفکرات امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> در حکومت اسلامی معاصر شیعه معاصر است.

وی هیچ گاه تقیه نکرده و به صورت فعالانه مبلغ مذهب تشیع بوده و بعد از انقلاب اسلامی ایران با سفارت ایران همکاری نزدیکی داشته و به صورت دبیر نشریه، مترجم و امین سفارت ایران فعالیت کرده است. وی بلافاصله پس از بازگشت از ایران به اندونزی، ممنوع‌الخروج شد. در انتشار ماهنامه یوم القدس که ترجمه سخنان امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> بود، نقشی مهمی ایفا کرد. این نشریه در سراسر اندونزی پخش می‌شد. وی بعد از مدتی دبیری مجله وارث را که به وسیله سفارت ایران منتشر می‌شد، بر عهده گرفت. او دارای آثار و تألیفاتی در زمینه مذهب تشیع، انقلاب اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> است و در بسیاری از مناظرات علمی شرکت و در مجامع علمی متعددی تدریس کرده است. در زمینه اجرایی دارای شخصیتی قوی و کارآمد است و بعد از تشکیل ابی به وسیله اکثریت اعضا به ریاست این تشکل درآمده است (مصاحبه، عمر شهاب).

### حسین شهاب

حسین شهاب متولد ۱۹۶۱ در پالمبنگ - سوماترا جنوبی یکی از برجسته‌ترین شیعیان اندونزی و از سادات عرب است. وی ابتدا در مدرسه اسلامی حسین حبشی تحصیلات مذهبی خود را شروع کرد و سپس برای ادامه تحصیل راهی قم شد (مصاحبه، علی شهاب) و در دارالتبلیغ و حجتیه تحصیلات خود را ادامه داد و در درس حضرات آیات جوادی آملی، مظاهری، نوری همدانی شرکت کرد (مصاحبه، علی شهاب). وی به صورت تخصصی درباره اندیشه اسلامی کار می‌کرد و در سال ۱۹۹۴ در این زمینه در مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی (ISTAC) در کوالالامپور، مؤسسه

۱. متعلق به حسین حبشی.

عالی تحصیلی که توسط محمد نوکیب الطاهّا تأسیس شده، مشغول به کار شد. وی با تحقیق درباره آثار متفکران معاصر مسلمان، از جمله عبدالکریم سروش به کار خود ادامه داد و پس از سه سال مالزی را ترک کرد. دولت مالزی قوانین سختگیرانه علیه شیعیان وضع کرد. وی بعد از بازگشت به اندونزی به باندونگ رفت تا با بنیاد مطهری که توسط جلال‌الدین رحمت پایه‌ریزی شده بود، همکاری کند. در بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ در این بنیاد مشغول به فعالیت شد و در غیاب جلال‌الدین رحمت که یک سال در قم بود، مدیریت مؤسسه را بر عهده گرفت و برنامه آموزشی، تربیتی و سخنرانی‌ها را انجام می‌داد. منشورات بنیاد مطهری شامل التئور و تبلیغ بود. در طول این مدت محبوبیت وی نزد شیعیان و سایر مردم اندونزی افزایش یافت. وی در سال ۱۹۹۹ میلادی به جاکارتا شهری که بیشترین تعداد شیعیان را دارد، نقل مکان کرد. در آنجا به صورت جدی برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود را ادامه داد و در مراکز مهم آموزشی مانند دانشگاه پارامادینا، دانشکده مطالعات اسلامی مدینه‌العلم، مرکز بین‌المللی صوفیان و... فعالیت کرد و به عنوان کارشناس در برنامه مذهبی رادیو و تلویزیون شرکت کرد و روز به روز بر محبوبیت وی افزوده شد (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۶۴).

وی در بیش از ۲۰ نهاد اسلامی آموزشی و پرورشی فعالیت کرد و برنامه‌های تبلیغی را به صورت جدی دنبال نمود و به عنوان یکی از رهبران شیعه در آنجا شناخته شد. او از بنیان‌گذاران مرکز فرهنگی اسلامی (ICC)<sup>۱</sup> بوده است. وی در سال ۲۰۰۱ فعالیت خود در گروه ایجابی را ترک کرد و سپس با همکاری عثمان عمر شیب بنیاد فطرت را تأسیس کرد. این بنیاد یک مرکز آموزشی عرفانی بود. وی در تأسیس مجمع‌الحسینی در سال ۲۰۰۴ شرکت کرد. این انجمن برای روشنفکرانی که در جاکارتا زندگی می‌کنند، مورد استقبال قرار گرفت. در این مرکز مراسم ماهیانه و تبلیغی برگزار می‌شده است (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۶۶).

بیشتر آثار قلمی وی در حوزه تصوف و فلسفه اسلامی است. با این حال اولین کتاب وی که در سال ۱۹۸۸ منتشر شد، جلاب (The Veil) است که به بررسی پوشش و حجاب زنان از منظر قرآن و

۱ این مؤسسه تحت نظر مستقیم دولت ایران بوده است.

روایات پرداخته است. وی در این کتاب تحت تأثیر شهید مطهری و ابوالعلی مودودی بوده است. وی در پی راهی بود تا بتواند نسبت به قانون منع حجاب که توسط سوهارتو در این کشور تصویب شده بود، واکنش نشان دهد. او شواهدی از آیات قرآن و حدیث آورد و با استفاده از استدلال منطقی بر تأیید حجاب برای زنان رسید. وی کتابی نیز در مورد آیین حج در سال ۱۹۹۵ منتشر کرد. وی کتاب گفت‌وگوهای صوفی به عنوان راهی برای حل بیماری‌های اخلاقی جامعه در سال ۲۰۰۲ منتشر کرد (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۶۵).

حسین شهاب به نظریه انسان کامل باور دارد و معتقد است برای رسیدن به سعادت در دنیا باید انسان کامل را پیدا کرد و از او تبعیت کرد. وی در مجلات بسیاری مقاله تألیف کرده و حضرت فاطمه زهرا را به عنوان الگوی زنان مسلمانان به جامعه اندونزی معرفی کرده است. او آثاری در مورد درس‌هایی از قرآن و تصوف در اسلام داشته و آثار فقهی از آیت‌الله ابوالقاسم خوئی را به مالایی ترجمه کرده است. وی هم‌اکنون به عنوان یکی از رهبران شیعه در اندونزی مورد توجه است (Zolkifli, ۲۰۱۳: ۶۶).

## نتیجه‌گیری

بازاحیای گفتمان جدید شیعی بعد از انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر امامت، عدالت، ظلم‌ستیزی و فقه‌محوری در اندونزی با واکنش منفی جمعی از جامعه [سلفی] اندونزی مواجه و حتی دامنه آن به دولت نیز کشیده شد و آنان کوشیدند شیعه را در این کشور غیرقانونی اعلام نمایند. شیعیان در اندونزی به سه دسته روشنفکران، روحانیون و عامه مردم تقسیم شده‌اند و به علت عدم انسجام کافی بین آنان همگرایی آنان نسبت به مسائل و مشکلات پیش رو کاهش یافته بود. در چنین شرایطی جمعی از بزرگان شیعی (روشنفکران و روحانیون) در این کشور به این نتیجه رسیدند که باید سازمانی ملی و قانونی به وجود آید که بتواند از منافع شیعیان حمایت نماید. آنان از فضای باز سیاسی دوران عبدالرحمن وحید استفاده کرده و سازمان اهل بیت اندونزی (ایجابی) را در سال ۲۰۰۱ تأسیس کردند. گفتمان حاکم بر این سازمان روشنفکری، پلورالیستی و اخلاق‌مدار بود. این گفتمان فکری توانست مورد رضایت روحانیون و فارغ‌التحصیلان حوزوی قرار گیرد و آنان از این سازمان خارج

---

شدند و گردهمایی‌ای تحت عنوان صله رحم هر ساله برگزار می‌کردند تا اینکه آنان به این نتیجه رسیدند که باید سازمانی ملی که نماینده گفتمان شیعه فقاهتی در این کشور باشد، شکل بگیرد و بالاخره در سال ۲۰۱۰ سازمان ابي تشکیل شد. گفتمان حاکم در ابي حول محوریت ولایت‌محوری، التزام به قانون اساسی این کشور پانجلیسا و حفظ هویت شیعیان در این کشور است. ابي به عنوان یک سازمان ملی و قانونی در اندونزی دارای جایگاهی اثرگذار و مهم و دارای ۲۴ شعبه در ۳۴ استان اندونزی است. این سازمان در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فعال است و گفتمان شیعه فقاهتی را در اندونزی گسترش داده است. توسعه ابي در اندونزی مرهون تلاش‌ها و پیگیری‌های عاملان و مسئولان این سازمان مانند حسین الحبشی، عمر شهاب و حسین شهاب و بسیاری از رهبران شیعه در این کشور است که سعی کردند گفتمان شیعه فقاهتی و ولایت‌پذیر را در این کشور تبلیغ نمایند.

## منابع

### الف) مصاحبه‌ها

- مصاحبه محقق با حجت الاسلام و المسلمین عبدالمجید حکیم الهی، نماینده ولی فقیه در اندونزی و رئیس مرکز ای‌سی‌سی.
- مصاحبه محقق با حجت الاسلام و المسلمین موسوی، نماینده سابق دفتر ولی فقیه در اندونزی و رئیس مرکز ای‌سی‌سی.
- مصاحبه محقق با حجت الاسلام و المسلمین رضایی، پژوهشگر مسائل اندونزی.
- مصاحبه محقق با حجت الاسلام علی شهاب مسئول امور تبلیغ مرکز مطالعات شرق آسیا.
- مصاحبه محقق با حجت الاسلام و المسلمین دکتر عمر شهاب رئیس سازمان ای‌سی‌سی.
- مصاحبه محقق با آقای موسوی پژوهشگر مسائل اندونزی.
- مصاحبه محقق با دکتر ربانی رایزن سابق فرهنگی ایران در اندونزی.
- مصاحبه محقق با دکتر موحدی رییس پیشین کالج صدرا در جاکارتا.

### ب) کتاب‌ها

- حسینی جبلی، سید میر صالح (۱۳۹۰). جنبش‌های اسلامی در اندونزی. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- درمهدن، فردر فون (۱۳۷۸). دو دنیای اسلام: روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه. م. ا. نیا. در تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ربانی، محمدعلی (۱۳۹۳). فرهنگ و مذهب در اندونزی. تهران: انتشارات پردیس قلم.
- روا، اولیویه (۱۳۸۷). اسلام جهانی شده. ترجمه حسن فرشتیان، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- زین، محمد طالب، (۱۴۳۷). الشیعة الامامية فی اندونسیه و مجاهدت اهل سنت. ریاض عربستان سعودی.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه با گرامیداشت مقاله‌ای از یروس لینکن، چ ۲، تهران: نشر نی.

فوزی، یحیی و همکاران (۱۳۹۴). جنبش‌های اسلام‌گرای معاصر: بررسی منطقه‌ای. تهران: انتشارات عروج.  
قجری، حسینعلی، و نظری، جواد (۱۳۹۲). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی. تهران:  
جامعه‌شناسان.

لاکلا، ارنستو (۱۳۷۷). گفتمان. ترجمه حسینعلی نوزری، فصلنامه گفتمان، ش صفر، ۵۳۹-۵۳۳.

لاکلا، ارنستو. (۱۳۷۹). واسازی، عملگرایی، هژمونی. بخش نخست، ترجمه مرادعلی.

لالکائو، ارنستو- شانتال موفه (۱۳۹۲). هژمونی استراتژی سوسیالیستی؛ به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال.  
ترجمه محمد رضایی، تهران: نشر ثالث.

مارسینکوفسکی، کریستوف (۱۳۸۸). جلوه‌های اسلام شیعی در جنوب شرق آسیا. فصلنامه پژوهش‌های  
منطقه‌ای، جامعه‌المصطفی.

مجموعه پژوهشگران (۱۳۹۳). کتاب سبز اندونزی. تهران: انتشارات وزارت خارجه.

مجموعه نویسندگان (۱۳۹۱) کتاب اندونزی. قم: جامعه‌المصطفی.

منوچهری، عباس (۱۳۹۲). رهیافت و روش در علوم سیاسی. قم: فرهنگ.

## ج) مقالات

فوزی، یحیی (۱۳۸۹) گونه‌شناسی فکری جنبش‌های اسلامی معاصر و پیامدهای سیاسی - امنیتی آن در  
جهان اسلام. مطالعات راهبردی، (۵۰)، زمستان، ۱۵۳-۱۷۴.

درخشه، جلال، (۱۳۸۹). پژوهشی درباره شیعیان در اندونزی. فصلنامه شیعه‌شناسی، (۳۲)، ۱۸۳-۲۱۷.

رحمت، جلال‌الدین (۱۹۹۵). دوگانگی سنی و شیعه بحث بی‌ربط است. مجله علوم قرآن، (۴)، ترجمه  
رایزنی فرهنگی ج. ا. ا در جاکارتا، ۹۶-۹۸.

لکزایی، نجف، (۱۳۸۹). مسائل فقه سیاسی. دوفصلنامه دانش سیاسی، ۶ (۱).

## د) منابع لاتین

Aminullah, Elhady (۲۰۱۷). Islamic Reform Movement In Indonesia: Role Of Muhammadiyah In Social Empowerment Faculty of Theology and Humanities. State Institute for Islamic Studies.

Assyaukanie, Luthfi. (۲۰۰۸) Islamic reform movement in Indonesia and beyond: Progress and regress. Universitas Paramadina publication, June.

Howard, Federspiel (۱۹۹۹). Muslis in Southeast Asiam Intellectual. StudiIslamic Stydiesia Islamica Journal.

Imam, Ardhiyanto (۲۰۱۸). Contemporary Islamic Mouvement. Popular Culture and Public Sphere in Indonesia: The IndonesiaTanpaJIL, ۱۵۱-۱۷۱.

Imam, Reza (۲۰۱۴). Shia Muslims Around the World. *Archived from the original*, on ۲۲ May ۲۰۰۹.

Jacobsen, Frode (۲۰۰۹). Hadrami Arabs in Present-day Indonesia. Taylor & Francis US, ISBN ۹۷۸-۰-۴۱۵-۴۸۰۹۲-۵.

Kartomi, Margaret (۲۰۱۲). Musical Journeys in Sumatra. University of Illinois Press, ISBN ۹۷۸-۰-۲۵۲-۰۳۶۷۱-۲.

Kurlantzick, Joshua (۲۰۱۸). The Rise of Islamist Groups in Malaysia and Indonesia. <https://www.cfr.org/expert-brief/rise-islamist-groups-malaysia-and-indonesia>.

Latief, Hilman, (۲۰۰۸), THE IDENTITY OF SHI'A SYMPATHIZERS IN CONTEMPORARY INDONESIA, Muhammadiyah University of Yogyakarta, Indonesia, December , journal Islam in Indonesia.

Leo, Leonard (۲۰۱۰). Annual Report to Congress. DIANE Publishing, International Religious Freedom, ISBN ۹۷۸-۱-۴۳۷۹-۴۴۳۹-۶.

Zarkasyi, Hamid Fahmy (۲۰۰۸). The rise of islamic religious-political movements in Indonesia: The background, present situation and future ۷, ۱۳ University of Darussalam Gontor, Article.

Zolkifli (۲۰۱۳). The Struggle of the Shiis in Indonesia. Universitris Leiden press.

## هـ) منابع اندونزیایی

Jalaluddin, Rakhmat (۱۹۹۵). Dikotomi Sunni-Syiah. Ulumul Qyran.

## و) منابع اینترنتی

وب سایت رسمی جامعه اهل بیت اندونزی (ابی)

[http://www.amnesty.org/en/۲۰۱۲/۰۲\(۳۹۶\)۰۵,۱۱](http://www.amnesty.org/en/۲۰۱۲/۰۲(۳۹۶)۰۵,۱۱).

Labib, Muhsin (۲۰۰۸). Islat: Antara Islib dan Islit. in [http://islamalternatif. Net /iph/content /view /۷۲/۳۲/](http://islamalternatif.Net /iph/content /view /۷۲/۳۲/).

# واکاوی راهبرد ترکیه در آسیای میانه و تاثیر آن بر نفوذ روسیه در منطقه (۲۰۲۱-۲۰۱۴)

دکتر احمد یوسف پور<sup>۱</sup>

دکتر محدودلی مدرس<sup>۲</sup>

## چکیده

کشور روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در آسیای میانه مطرح بوده و این منطقه حوزه نفوذ مسکو محسوب می‌شود. از این رو آسیای میانه، به دلیل وجود منابع غنی انرژی و چرخه اقتصاد، مورد توجه دولت مسکو بوده است. از طرفی ترکیه نیز از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۲۱ با اقدامات متنوع و از طریق دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی در آسیای میانه ایفا نقش کرده که منجر به کاهش نفوذ روسیه در این منطقه شده است. با توجه به اهمیت مقوله فرهنگ و اقتصاد در عرصه بین-

۱. مدرس دانشکده علوم انسانی و اسلامی دانشگاه جامع انقلاب (ahmadyusefpoor@yahoo.com).

۲. استادیار دانشکده روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی.

الملل و نیز ضرورت تبیین اتخاذ راهبرد مذکور در مطالعات روابط بین‌الملل، این تحقیق به دنبال پاسخ این پرسش است که ترکیه «چگونه بر نفوذ روسیه در منطقه آسیای میانه از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۲۱ تاثیر گذاشته است». در این پژوهش سعی شده به اثبات این فرضیه که «ترکیه از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۲۱ از طریق دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی با کشورهای آسیای میانه بر نفوذ روسیه در این منطقه تاثیر گذاشته و موجب کاهش نفوذ این کشور در آسیای میانه شده است، بپردازد». روش تحقیق این پژوهش تحلیلی-تبیینی است و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد. از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم هم به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد راهبرد ترکیه در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۲۱ در کشورهای آسیای میانه تاثیر داشته و منجر به کاهش نفوذ روسیه در این منطقه شده است.

#### کلیدواژه‌ها:

ترکیه، روسیه، آسیای میانه، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم.

روسیه قرن هاست که منطقه آسیای میانه را جزو مناطق مورد علاقه خود می‌داند و از آنجا که این منطقه دارای منابع طبیعی غنی است، نه تنها دولت مسکو، بلکه توجه همه قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای را به خود جلب کرده است. روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سعی کرد نفوذ خود را در جغرافیای شوروی سابق حفظ کند. این کشور در سطح مشخصی اهداف خود را در آسیای میانه دنبال کرده است. دولت مسکو در دهه ۱۹۹۰ در حوزه سیاست خارجی به خصوص در مناطق پیرامونی خود نقش فعال‌تری به خود گرفت. هرچند بعد از فروپاشی شوروی عمده تمرکز و توجه دولت مردان مسکو متوجه کشورهای پیرامونی خود و کشورهای تازه استقلال یافته بود، اما همان طور که اشاره شد، به دلیل وجود منابع غنی انرژی و چرخه اقتصاد در منطقه آسیای میانه، این منطقه مورد علاقه قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه به شمار می‌رود؛ از این رو روسیه مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی خود را اطمینان از امنیت کشور، حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی آن، کسب جایگاه مهم و پرستیژوار در جامعه جهانی که با منافع روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ و به عنوان یکی از مراکز پرنفوذ در جهان مدرن سازگار باشد، عنوان می‌کند و به منظور دستیابی به این اهداف، دولت مسکو مصمم است از طریق حسن همجواری، کمربندی ایمن و باثبات از کشورهای منطقه در اطراف مرزهای خود به وجود آورد و از به وجود آمدن تنش و منازعه در مناطق پیرامونی خود جلوگیری کند. علاوه بر این روسیه رسماً اعلام کرده است که گسترش روابط و همکاری با کشورهای پیرامونی از اهم علایق مسکو است. این کشور به دنبال گسترش پیوندهای اقتصادی و امنیتی با کشورهای منطقه آسیای میانه از طریق مشارکت در پروژه‌های مشترک در حوزه انرژی و سرمایه‌گذاری و انعقاد پیمان‌های امنیتی جمعی در منطقه آسیای میانه می‌باشد تا بتواند این کشورها را در حوزه نفوذ خود نگه دارد.

از سوی دیگر از سال ۲۰۱۴ با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، دولت آنکارا در سیاست خارجی خود تغییری ایجاد نمود و راهبرد فرهنگی و اقتصادی خود را با رویکرد دیپلماسی عمومی و قدرت نرم و با بهره‌گیری از مؤلفه‌های اقتصاد، فرهنگ و زبان و مذهب در منطقه آسیای میانه، به ایفای نقش پرداخته است؛ از این رو ترکیه از طریق دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی خود که منجر به کاهش

نفوذ روسیه در منطقه آسیای میانه شده است، ظرفیت‌های اعمال نفوذ دولت آنکارا را در این منطقه فراهم کرده است.

همان طور که اشاره شد، ترکیه با استفاده از راهبرد فرهنگی، در زمینه‌های فرهنگی و آموزشی مانند سازمان بین‌المللی فرهنگ ترکی (TURKSOY) فعالیت خود را آغاز نموده است. رویکرد جدید ترکیه در حوزه فرهنگی، رویکرد پان‌ترکیسم با بهره‌گیری از زبان ترکی و از رویکرد نوعثمان‌گرایی با بهره‌گیری از مذهب مشترک اسلام، تأثیر خود را بر نفوذ روسیه در منطقه آسیای میانه نشان می‌دهد همچنین دولت آنکارا با راهبرد اقتصادی در جمهوری‌های آسیای میانه، به سرعت توسعه یافت و پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های تجارت، حمل و نقل و ارتباطات به دست آورد؛ همچنین با فروش تسلیحات و تجهیزات هوانوردی در سال‌های اخیر یکی از عناصر فعال در قبال توسعه روابط استراتژیک دفاعی با جمهوری‌های مستقل ترک در آسیای میانه (آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان) بوده است.

## ۱. چارچوب نظری

ترکیه با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم از جمله زبان، مذهب، تاریخ و اقتصاد پی‌ریزی شده و با توسعه و عمق‌بخشیدن به آن و اقدام چندوجهی در ابعاد فرهنگی و اقتصادی، راهبرد کشور خود را تنظیم و در قالب سند ۲۲ ساله به اجرا درآورده است و به واسطه آن قدرت نفوذ ترکیه در آسیای میانه رو به افزایش و نفوذ روسیه در منطقه رو به کاهش است؛ از این رو ترکیه در صدد تحکیم بنیان‌های فرهنگ مشترک و تعمیم ارزش‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های خود در منطقه آسیای میانه است و برای دستیابی به این امر از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم بهره می‌گیرد.

جوزف نای یکی از اندیشمندان حوزه قدرت نرم، مفهوم قدرت نرم را برای نخستین بار مورد استفاده قرار داد (پورسعید، ۱۳۸۹: ۳۵). از نظر جوزف نای قدرت کلیدی‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده روابط و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل است. به باور وی قدرت نرم بر مبنای توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران استوار است که به طور عمده با مقوله‌های نامحسوس و ناملموسی

همچون جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، شخصیتی، ارزش‌های نهادی و سیاسی و سیاست‌های جذاب مرتبط است (نای، ۱۳۸۷: ۷۹).

قدرت نرم چیزی فراتر از قدرت فرهنگی است و به اندازه قدرت سخت، وابسته به دولت و تنها در چنبر حکومت نیست (Nye, 2002: 556). قدرت نرم شامل توانایی جذب کردن می‌شود و جذب، اغلب باعث مشارکت توأم با رضایت می‌گردد. دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم را که ترکیه از آن استفاده می‌نماید، می‌توان دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی اقتصادی دانست که در ادامه توضیح داده می‌شود.

## ۲. راهبرد فرهنگی ترکیه در آسیای میانه

ترکیه از لحاظ منطقه‌ای خود را پلی میان شرق و غرب و اسلام و مسیحیت می‌داند و از همین رو استانبول را پل تمدنی که وظیفه آن وساطت و همکاری میان طرفین منازعه در مناطق پیرامون این کشور است، معرفی می‌کند. ایده پیوند فرهنگی و زبانی با اوراسیا تورکلری (ترک‌های آسیای میانه) در ایدئولوژی پان‌ترکیسم رایج در دهه‌های آخر امپراتوری عثمانی ریشه طولانی دارد. ترکیه اولین کشوری بود که پنج کشور تازه‌استقلال‌یافته در منطقه را به رسمیت شناخت. از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ ترکیه و جمهوری‌های آسیای میانه بیش از ۱۴۰ موافقت‌نامه در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی امضا کردند. آنکارا آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه ( *Turkish International Cooperation and Development Agency*) (TİKA) را برای هماهنگی پروژه‌های مختلف کمک و توسعه به منظور هدف‌قراردادن آسیای میانه تأسیس کرد. بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶، ۹۰ درصد کل کمک‌های توسعه‌ای به آسیای میانه از ترکیه می‌آمد. با به‌قدرت‌رسیدن حزب عدالت و توسعه ( *Justice and Development Party*) (AKP) در ترکیه در سال ۲۰۰۲ آنکارا به دنبال فراتر بردن راهبرد این کشور و با بهره‌گیری از زبان و مذهب که از مؤلفه‌های قدرت نرم می‌باشد، در آسیای میانه از روابط عمدتاً نمادین مبتنی بر ایدئولوژی پان‌ترکیسم برآمد. این حزب به رهبری رجب طیب اردوغان ( *Recep Tayyip Erdogan*) (۲۰۱۴-۲۰۰۳ نخست‌وزیر و ۲۰۱۴ تا کنون رئیس‌جمهور) و عبدالله گل ( *Abdullah Gulen*) (۲۰۰۳-۲۰۰۲ نخست‌وزیر و ۲۰۰۷-۲۰۱۴ رئیس‌جمهور) سیاست خارجی ترکیه را بر

اساس شعار مصطفی کمال آتاترک (Mustafa Kemal Atatürk) مبنی بر «صلح در خانه و صلح در جهان» بازطراحی کرد و اقتدار ملی ترکیه را به کسب منافع عینی در روابط با سایر دولت‌ها گره زد. حزب عدالت و توسعه سیاست خارجی خود را بر اساس خطوط عمل‌گرایانه و سیاست «تنش صفر» (Zero Problems) با همسایگان جهت‌دهی دوباره کرد که شامل تسهیل روابط با دولت‌های آسیای میانه نیز می‌شد. اصرار رهبران ترکیه بر ایدئولوژی پان‌ترکیسم برای برقراری روابط ویژه با آسیای میانه با به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه تا حدودی رنگ باخت؛ اما این به معنای پایان آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه نبود. سیاست خارجی این کشور در قبال آسیای میانه دست‌کم در یک دهه نخست پس از پیروزی حزب اردوغان و یارانش بر محور ایدئولوژی سیاسی نوع‌ثمانی‌گری (Neo-Ottomanism) و نفوذ مذهبی مبتنی بر ایده اسلام آناتولیایی (Anatolian Islam) که از سوی فتح‌الله گولن رهبر جنبش گولن و دوست و متحد قدیمی اردوغان تبلیغ می‌شد، در جریان بود؛ از این رو اگرچه ترکیه سرانجام اندیشه رمانتیک خود مبنی بر ایجاد یک «جهان ترک» جدید (شامل ترک‌های ترکیه و جمهوری‌های ترک‌تبار مستقل از شوروی) و باور به اتحادیه ترکی گسترده را تا حد زیادی رها کرد، اما اهداف جاه‌طلبانه این کشور در آسیای میانه به قوت خود باقی ماند. ترکیه به طور کامل هویت قومی - زبانی را به عنوان مبنایی برای توسعه روابط با جمهوری‌های آسیای میانه کنار نگذاشت و علاوه بر آن نفوذ مذهبی را نیز به این دستور کار افزود. ترکیه سیاست آسیای میانه خود را با رویکرد دنیای ترک تعریف می‌کند. بنابراین، ترکیه در درجه اول بر روابط فرهنگی، زبانی و اقتصادی که سه عنصر قدرت نرم محسوب می‌شوند، بر هماهنگی منافع مورد انتظار با کشورهای ترک زبان تمرکز دارد.

در سال ۲۰۰۹ کشورهای ترک، شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان (تورک‌کنشی) ایجاد کردند. شورای ترکان یک انجمن منطقه‌ای است که هدف آن تقویت وحدت اقوام ترک است. اعضای این سازمان قزاقستان، قرقیزستان، آذربایجان و ترکیه هستند. این سازمان سران کشورها را برای حل مشکلات و تعیین چشم‌انداز گرد هم می‌آورد. اولین اجلاس سران توسط قزاقستان در آلماتی در سال ۲۰۱۱ که در آن میزبانی شد، چهار رؤسای جمهور قزاقستان، آذربایجان، قرقیزستان و ترکیه تحت یک موضوع خاص اقتصادی با یکدیگر ملاقات کردند. هر یک از اجلاس‌های بعدی دوباره به صورت موضوعی سازمان‌دهی شدند و رهبران را به ایجاد همکاری در آموزش (۲۰۱۲)، فرهنگ و علم

(۲۰۱۳)، حمل و نقل و اتصال (۲۰۱۴)، گردشگری، اطلاعات و رسانه (۲۰۱۵)، جوانان و ورزش ملی (۲۰۱۸) تشویق کردند. هدف رسمی شورای ترکان احیای پیوندهای تاریخی است. از جمله ابتکارات این شورا، آغاز اولین بازی‌های جهانی عشایر در قرقیزستان، راه‌اندازی یونیورسیاد ترکان (Turkish University) و تأسیس فرهنگستان ترک در آستانه و بنیاد فرهنگ و میراث ترک در باکو است (۶: ۲۰۰۳، Cornell). شورای ترک نمونه‌ای منحصر به فرد از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ترکیه با کشورهای آسیای میانه از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. شورا همچنین یک سازمان پیشرو در آسیای میانه است که روسیه را شامل نمی‌شود. سازمان‌های مرتبط شورای ترک عبارت‌اند از سازمان بین‌المللی فرهنگ ترک (مجمع پارلمانی کشورهای ترک زبان)، شورای تجارت ترکیه، آکادمی ترکیه و بنیاد فرهنگ و میراث ترکیه که اولین اجلاس سران شورای ترک در سال ۲۰۱۱ در آلماتی قزاقستان تشکیل شد و ازبکستان در سال ۲۰۱۹ به عضویت شورا درآمد. در اجلاس سال ۲۰۱۹، نورسلطان نظربایف به عنوان رئیس مادام‌العمر شورا انتخاب شد. اجلاس سران شورای ترک تا سال ۲۰۲۰ هفت بار برگزار شد (<https://www.turksoy.org>).

در همین راستا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی و آموزشی قدرت نرم هستند که ب‌عنوان یکی از راهبردهای فرهنگی ترکیه در آسیای میانه تأسیس شدند. این دانشگاه‌ها که در آسیای میانه به فعالیت می‌پردازند، عبارت‌اند از: دانشگاه احمد یسوی در قزاقستان (۱۹۹۱)، دانشگاه سلیمان دمیرل (۱۹۹۶)، دانشگاه ماناس در قرقیزستان (۱۹۹۵). دانشگاه اقتصاد و فناوری TOBB در آنکارا. از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ تعداد دانشجویانی که در ترکیه تحصیل می‌کردند، از ۱۰۰۲۳ به ۲۳۴۲۳ نفر افزایش یافته است (به جدول ۲ مراجعه کنید).

جدول شماره ۲

سال / کشور	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
قزاقستان	۱۳۰۶	۱۷۹۹	۱۹۸۶	۲۰۱۵	۲۰۶۵	۲۱۹۱
قرقیزستان	۱۴۱۰	۱۸۱۹	۱۹۹۴	۲۰۳۲	۱۹۲۶	۱۹۳۷

تاجیکستان	۶۴۹	۶۵۶	۶۹۲	۷۰۱	۶۲۴	۴۶۹
ترکمنستان	۱۷۵۷۱	۱۲۲۴۷	۱۰۴۱۸	۹۹۰۳	۹۰۹۲	۶۹۴۱
ازبکستان	۱۰۷۵	۸۴۰	۷۳۶	۶۵۲	۵۵۶	۳۷۱
مجموع	۲۳۴۲۳	۱۷۷۳۴	۱۵۸۹۳	۱۵۲۳۶	۱۳۸۹۰	۱۰۰۲۸

Source: <https://www.ytb.gov.tr>

افزون بر اینکه راهبرد فرهنگی جدید کشور ترکیه از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱، تنها تکیه به پان‌ترکیسم نیست، بلکه توسعه در حوزه هنری، سیاسی، اقتصادی هم مد نظر است؛ لذا با توجه به آنچه پیش‌تر اشاره شد، می‌توان دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ترکیه در حوزه فرهنگی را در منطقه آسیای میانه به سه بخش تقسیم کرد:

۱. فعالیت‌های آموزشی، علمی، خدماتی، با محوریت گسترش زبان ترکی (پان‌ترکیسم)؛
  ۲. فعالیت‌های تبلیغ دینی، با محوریت اسلام تسامحی (عرفان، صوفی‌گری) (نوعثمان‌گرایی)؛
  ۳. فعالیت‌های تبلیغی هنری، با محوریت اشاعه موزیک، فیلم سینمایی، سریال‌های تلویزیونی.
- در راستای دیپلماسی فرهنگی دولت آنکارا، اگرچه پان‌ترکیسم نقش اساسی در تحولات داخلی به‌ویژه روابط خارجی کشورها را توانست ایجاد کند، در برخی کشورها تنش‌هایی به وجود آورد. «پان‌ترکیزم» به عنوان یک دکترین (ایدئولوژی) ادعای تعیین سرنوشت ملل آسیای میانه را در سر داشت. اگرچه در مقام عمل در روابط بین کشورهای آسیای میانه و هم در روابط و مناسبات آنها با صاحب اصلی برند (پان‌ترکیزم)، جمهوری ترکیه نقش کمرنگی ایفا کرد، در راستای ایجاد مزاحمت‌هایی در برابر احیا، بازسازی حضور روسیه در کشورهای آسیای میانه، توانست تا حدی مؤثر واقع گردد. جمهوری ترکیه دارای بیشترین شانس افزایش قدرت نرم در منطقه به‌ویژه در صورتی که روزه فرصت‌ها باز باشد، محسوب می‌گردد و صرفاً با ایجاد یک راهبرد همسو و متجانس از سوی ترکیه این امکان فراهم خواهد شد و نمی‌توان آن را تنها به هویت مشترک (زبان) ترکی مرتبط دانست.

مذهب یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت نرم، به صورت فعالانه در قبال آسیای میانه در دستور کار آنکارا قرار دارد. سیاست آنکارا شامل فعال‌سازی روحانیون ترک برای توسعه اسلام در آسیای میانه می‌شود. برای ترکیه مهم است که آسیای میانه این کشور را به عنوان رهبر جهان اسلام در نظر بگیرد. ترکیه دارای اهرم‌های بالقوه نفوذ است. منظور از اهرم‌های بالقوه نفوذ نسلی است که دوران آموزشی خود را در مدارس و دانشگاه‌های ترکیه گذرانده و در حال حاضر در سیستم مدیریت دولتی مشغول به کارند. استفاده از این اهرم‌ها نشان‌دهنده قدرت نرم ترکیه بوده و نزدیکی ترکیه و کشورهای آسیای میانه را در نظر دارد. در نتیجه دولت آنکارا فعالیت سیاسی خارجی خود را در پیش‌برد گفتمان‌های ایدئولوژیک مانند پان‌ترکیسم، پان‌اسلامیسم و اسلام سیاسی ترک به منظور ایجاد رژیم‌های وفادار نسبت به خود در کشورهای آسیای میانه متمرکز کرده است. با توجه به این عوامل، ترکیه طبق برنامه به ایجاد لابی‌های گسترده در محافل سیاسی آسیای میانه پرداخته و منافع خود را پیش می‌برد. سیاست «نئوعثمانی - اخوانی» دولت حزب عدالت و توسعه ترکیه بر تحقق منافع ملی متمرکز است.

به طور خلاصه می‌توان گفت دولت ترکیه با بهره‌گیری از عنصر فرهنگ به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم و با استفاده از اشتراک زبانی و تأسیس شبکه خدمات آموزشی، دینی، تجاری در آسیای میانه، ظرفیت اعمال نفوذ فراوانی در بین کشورهای این منطقه ایجاد نموده است.

### ۳. راهبرد اقتصادی ترکیه در آسیای میانه

منطقه آسیای میانه بعد از پایان یافتن سلطه اتحاد جماهیر شوروی در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی دچار دگرگونی‌های بنیادین شد. موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک آسیای میانه به دلیل برخورداری از منابع عظیم انرژی مخصوصاً نفت و گاز و همچنین به دلیل جایگاه این منطقه به عنوان خارج نزدیک کشور روسیه و از طرف دیگر ژئوکالچر این منطقه در چارچوب نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون در نظام جهانی اهمیت بالایی یافته است؛ به گونه‌ای که براینده این تحولات به شکل‌گیری یک بازی بزرگ جدید منجر شده که جایگزین بازی بزرگی شود که در قرن پیش در جریان بوده است (اتوتایل، ۲۰۰۱: ۲۵۹).

و ترکمنستان می‌شود، بیش از هر چیز به ذخایر انرژی و میزان مبادلات تجاری آن باز می‌گردد که به نظر می‌رسد با داشتن منابع و ذخایر بزرگ انرژی (نفت، گاز و زغال سنگ) و بازار مصرفی، پس از خلیج فارس، یکی از کانون‌های مهم بین‌المللی اقتصاد محسوب می‌شود. اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه آسیای میانه بیانگر این حقیقت است که اکثر منظومه‌های قدرت از جمله ترکیه و روسیه علایقی در دسترسی به این منطقه دارند.

وجود ذخایر بزرگ انرژی و نیاز به مبادلات تجاری در آسیای میانه، ترکیه را بر آن داشت با استفاده از اقتصاد به عنوان مؤلفه قدرت نرم و بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی، راهبرد اقتصادی خود را در قبال آسیای میانه تنظیم و طبق سند ۲۲ ساله آنکارا آن را اجرا نماید که در این قسمت بدان پرداخته خواهد شد.

همان طور که اشاره شد، آسیای میانه در تلاقی پروژه‌های منطقه‌ای و جهانی است. منابع غنی انرژی و حمل و نقل آنها به کشورهای دیگر اهمیت آسیای میانه را در سیاست انرژی افزایش می‌دهد. انتقال نفت و گاز آسیای میانه به وسیله لوله‌ها به شرق و جنوب شرقی آسیا، بیانگر این است که این منطقه به بازیگر مهم منطقه‌ای در صحنه جهانی تبدیل شده و به دلیل شرایط خاص ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی، نقش و جایگاه خاصی در معادلات منطقه‌ای دارد و ذخایر غنی انرژی و چرخه اقتصاد، شاه‌رگ این چرخه حیاتی است. بر این پایه شناخت واقعیت‌های ژئواکونومیک آسیای میانه و نقش، ارتباط و جایگاه این منطقه در تحولات و واقعیات منطقه آسیای میانه حائز اهمیت است. ترکیه با اتخاذ راهبرد اقتصادی و استفاده از عنصر اقتصاد به عنوان مؤلفه قدرت نرم، در مناسبات خود با شناخت فرصت‌های اقتصادی و اهمیت ژئواکونومیک این منطقه که دارای پتانسیل‌های اقتصادی و ترانزیتی و انرژی است، به اهداف سند چشم‌انداز کشور خود در حوزه اقتصاد دست می‌یابد. جست‌وجوی بلندمدت ترکیه برای خودمختاری استراتژیک، تغییر روابط قدرت جهانی و تمایل دولت‌های آسیای میانه برای تقویت سیاست‌های خارجی چندجانبه، این کشور را بر آن داشته است فعالیت‌های اقتصادی خود را در این منطقه تشدید کند.

ترکیه برای توسعه اقتصادی، سیاست‌گذاری‌هایی انجام داده است. از جمله آنها ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی است. در سال ۲۰۰۲ با روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای اعتدال و توسعه، ثبات

سیاسی در داخل ترکیه رخ داد. اصلاحات مالی و اقتصادی، اقدامات اصلاحاتی ترکیه است. در سال ۲۰۰۲ بعد از انتخابات، کمال درویش در سمت وزیر دارایی، اصلاحات ساختاری نهادی نتولیرال را رهبری کرد و ثبات مالی را ایجاد نمود. در ادامه کمال درویش که به معمار بزرگ اقتصاد ترکیه معروف شده بود، سند راهبردی چشم‌انداز ۲۲ ساله تهیه کرد و اصلاحات نهادی اساسی اقتصادی را هدایت کرد. آنکارا در سایه روابط بین‌المللی که در زمان فعالیت در بانک جهانی کسب کرده بود، در یک برنامه اصلاحی سه‌ساله، اقتصاد بیمار را به محدوده سلامت بازگرداند.

هدف کلی سند ۲۲ ساله ترکیه را می‌توان دستیابی به یک تمدن قوی جهانی در قرن ۲۱ دانست. تولید با کیفیت استانداردهای جهانی، دست‌یافتن به درآمد عادلانه، امنیت فردی مناسب، تعمیق دموکراسی، تعمیق قانون‌مندی، گسترش آزادی‌های مذهبی، تعمیق سکولاریسم، ارتقای علوم انسانی نیز از زیرمجموعه‌های این سند به شمار می‌رود. دولت مردان آنکارا در سیاست خارجی خود تلاش کردند با همکاری با نظام بین‌الملل و تداوم همگرایی با سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی و غیراقتصادی زمینه را برای توسعه اقتصادی ترکیه فراهم آورند. سیاست خارجی «چندجانبه‌گرایی» ترکیه که شامل انواع اهداف سیاست خارجی و شرکای همکاری بدون اولویت‌دادن به هیچ کدام است، به تدریج توسط حزب محافظه‌کار اسلامی عدالت و توسعه که در قدرت است، از سال ۲۰۰۲ تقویت شده است. تلاش‌های ترکیه برای بهبود اتصال شرق به غرب در قفقاز جنوبی و آسیای میانه با استقبال گرم پکن مواجه شده است. در مقابل روسیه با توجه به منافع خود در منطقه، تغییر اوراسیای آنکارا را با نگرانی دنبال کرده است. اگرچه ترکیه روابط خود را با روسیه در قالب هدف کلی سند ۲۲ ساله که پیش‌تر اشاره شد، بر همکاری قرار داده، آرزوهای ژئوپلیتیکی دو کشور تا حدی ناسازگار است و سطح اعتماد در میان نخبگان سیاسی پایین است. در حال حاضر به نظر می‌رسد مسکو نفوذ فزاینده ترکیه در آسیای میانه را تا زمانی که محدود باقی بماند، می‌پذیرد. ترکیه در راهبرد اصلی اقتصادی خود در پی دستیابی به مدرنیته و توسعه اقتصادی بوده و با اتخاذ وضعیت راهبردی اقتصادی، دو قاره آسیا و اروپا را به یکدیگر متصل کرده و راه ترانزیت اصلی این دو قاره به شمار می‌رود. دولت ترکیه با توجه به نزدیکی جغرافیایی به مسیرهای اصلی انرژی، تلاش می‌کند نقش تعیین‌کننده‌ای در پروژه‌های انتقال انرژی به اروپا ایفا نماید. قزاقستان و ترکمنستان شرکای منطقه‌ای

پیشرو در سیاست انرژی ترکیه‌اند. هیچ مرزی بین ترکیه و آسیای میانه وجود ندارد. از دهه ۱۹۹۰ تا به امروز پروژه‌های مختلف خط لوله انرژی مانند خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان (۲۰۰۶)، خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی (TANAP) در سال ۲۰۱۸ و راه آهن باکو-تفلیس-قارص (۲۰۱۷) ظهور کردند.

به همین دلیل روابط اقتصادی ترکیه با کشورهای آسیای میانه در زمینه‌های تجارت، حمل و نقل و ارتباطات، توسعه یافته و پیشرفت‌های چشمگیری حاصل شده است. آژانس همکاری و توسعه ترکیه (TIKA) به منظور ارائه کمک‌های توسعه‌ای به این کشورها تأسیس شد و با همکاری نزدیک با مقامات محلی با موفقیت فعالیت می‌کند. با وجود این تحرکات اخیر آنکارا نشان‌دهنده یک سیاست قوی‌تر ترکیه در قبال منطقه است که تا همین اواخر فاقد آن بوده است. سیاست آسیایی جدید دولت آقای اردوغان که در سال ۲۰۱۸ اعلام شد، روابط خود را با آسیای میانه و سایر مناطق آسیایی در حال رشد در اولویت قرار داده است. ترکیه با موفقیت مسیرهای حمل و نقل را به منظور کاهش وابستگی به کشورهای تک‌ترانزیتی متنوع نموده است؛ زیرا بسیاری از آنها برای بازار منطقه‌ای با آنکارا رقابت می‌کنند. در واقع مشارکت تجارت ترکیه در اجرای پروژه‌های مهم صنعتی و زیرساختی بر تجارت دوجانبه تأثیر مثبت دارد؛ به این معنا که تجارت با ترکیه برای آسیای میانه نیز مفید است؛ زیرا این کشور بازار رو به رشدی دارد. آنها همچنین می‌توانند از مسیرهای حمل و نقل جدید سود ببرند و صادرات خود را افزایش دهند. علاوه بر این کشورهای آسیای میانه می‌توانند ترکیه را به عنوان یکی از گزینه‌های جایگزین برای تنوع‌بخشیدن به واردات در نظر بگیرند. اصلی‌ترین صورت رقابت دولت ترکیه با قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای میانه، در اثرگذاری بر مسیرهای حمل و نقل و انرژی منطقه است. آنکارا با حمایت از خط لوله ماورای خزر که با منابع فراوان ترکمنستان و قزاقستان تغذیه می‌شود، می‌تواند ظرفیت خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان و لوله موازی گاز باکو-تفلیس-ارزروم را به شدت تقویت کند (www.Saferworld, ۲۰۱۳). در زمینه راهروهای حمل و نقل نیز برنامه تراسیکا در مه ۱۹۹۳ با هدف پیوند دریای سیاه به دریای خزر توسط شبکه‌های نوین حمل و نقل آغاز شد. اعضای این برنامه دسترسی جمهوری‌های بازمانده از شوروی به بازارهای اروپایی و جهان را از مسیرهای غیرروسی پیگیری می‌کنند که ترکیه عضو فعال این برنامه است (سازمند و کاویانی فر، ۱۳۹۴: ۴۱).

روابط دوجانبه و چندجانبه ترکیه با کشورهای آسیای میانه از سال ۲۰۱۴ در حوزه اقتصادی رشد چشم‌گیری را نشان می‌دهد. حجم تجارت ترکیه با منطقه در سال ۲۰۱۹ به حدود ۸/۵ میلیارد دلار رسیده و شرکت‌ها و پیمانکاران ترکیه به فعالیت خود در منطقه ادامه می‌دهند و روابط مثبت خود را با همه کشورهای منطقه حفظ و از نهادهای دوجانبه برای تقویت آنها استفاده می‌کند. در همین راستا راهبرد اقتصادی ترکیه با قزاقستان و ازبکستان تعیین‌کننده حضور ترکیه در آسیای میانه است. روابط قزاقستان و ترکیه در مقایسه با روابط ترکیه با سایر کشورها با ثبات‌تر است و همچنین روابط ترکیه با قرقیزستان به طور کلی پایدار است. آنها شورای همکاری استراتژیک سطح عالی را به عنوان مکانیزم روابط دوجانبه در سال ۲۰۱۱ تأسیس کردند. به علاوه بین ترکمنستان و ترکیه نیز روابط دوجانبه در زمینه اقتصادی توسعه یافته است. ترکیه به شریک تجاری مهم در اقتصاد ترکمنستان تبدیل شده است. در همین جهت روابط دوجانبه ترکیه و تاجیکستان در دهه ۲۰۰۰ شروع به توسعه کرد.

در نتیجه به موازات رشد ثابت اقتصاد ترکیه از دهه ۲۰۰۰ (با متوسط عملکرد رشد سالانه ۵/۳۷ درصد تا سال ۲۰۲۰)، آسیای میانه به منطقه مهمی در سیاست اقتصادی ترکیه تبدیل شده است. ترکیه بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، ۳۸/۹۴ میلیارد دلار به کشورهای منطقه صادرات داشته است. در سال ۲۰۱۸، حجم تجارت ترکیه با کشورهای آسیای میانه ۶ میلیارد دلار می‌باشد و ۱۵ درصد از کل تجارت خارجی ترکیه را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۱۹ کل حجم تجارت ترکیه با منطقه حدود ۷ میلیارد دلار بود (جدول ۱). همان‌طور که در جدول مشخص است، قزاقستان و ازبکستان دو شریک تجاری بزرگ ترکیه در منطقه هستند و حجم تجارت تنها با این دو کشور در سال ۲۰۱۹ به ۴/۷ میلیارد دلار رسیده است.

سرمایه‌گذاری شرکت‌های ترک در آسیای میانه به ۱۵ میلیارد دلار نزدیک شده است. علاوه بر این بسیاری از شرکت‌های ترکیه‌ای در منطقه فعالیت می‌کنند؛ درحالی‌که دارایی‌های قراردادی این شرکت‌ها تا به امروز به ۸۶ میلیارد دلار رسیده است، بیش از ۴۰۰۰ شرکت ترکیه‌ای در آسیای میانه مشغول به کارند (<http://www.mfa.gov.tr>, ۲۰۲۱).

جدول ۱: حجم تجارت ترکیه با کشورهای آسیای مرکزی (میلیون دلار) در سال ۲۰۱۹

<http://www.mfa.gov.tr>, ۲۰۲۱

کشور	صادرات	واردات	حجم تجارت
قزاقستان	۹۰۰	۱/۴۰۴	۲/۳۰۴
قرقیزستان	۴۴۲	۳۷۲	۸۱۴
تاجیکستان	۱۵۷	۱۹۸	۳۵۵
ترکمنستان	۷۴۵	۳۴۵	۱/۰۹۰
ازبکستان	۱/۲۳۲	۱/۱۴۰	۲/۳۷۲

وابستگی شدید کشورهای آسیای میانه به روسیه به عنوان وارث اصلی شوروی همواره برای آنها آزاردهنده و نگران‌کننده بوده است و لذا به تدریج تلاش کردند از این وابستگی رهایی یابند. تنها راه انتقال منابع نفت و گاز این کشورها در گذشته از طریق خطوط لوله روسیه بود؛ ولی با فروپاشی شوروی سابق و تمایل این کشورها به عدم وابستگی به روسیه، اکنون مسئله انتقال نفت و گاز مشکل حادی برای این کشورها یعنی قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان شده است. کشورهای آسیای میانه در تلاش برای کاهش این وابستگی خود به روسیه و تنوع‌دادن به مسیرهای انتقالی نفت و گاز خود زمینه‌ساز حضور منافع کشورهای غربی در منطقه شدند؛ برای نمونه سیاست‌گذاران عرصه دیپلماسی انرژی ترکمنستان در راهبرد بلندمدت خود برای رهایی از سلطه روسیه، ضمن تداوم همکاری با این کشور، راه تعامل با قدرت‌های فرامنطقه‌ای را گزینه‌ای مناسب تشخیص دادند و از این رهگذر، ضمن درگیرکردن شرکت‌های بزرگ نفتی ترکیه‌ای در صنایع نفت و گاز خود، مسیرهای انتقال انرژی این کشور به بازارهای جهانی را فراهم کردند. ترکمنستان در راهبرد انرژی خود همواره در پی آن است، مسیرهای جدیدتر، کم‌هزینه‌تر و کم‌خطری را شناسایی و انتخاب کند. برای رسیدن به این هدف، بخشی از صادرات گاز این کشور به بازارهای کشورهای چین و ایران و بخش دیگر نیز از راه خطوط لوله شبکه‌های انتقال گاز روسیه به اروپا صادر می‌شود.

پس درمی‌یابیم خط لوله باکو-تفلیس-جیحان به عنوان مسیر دیگری برای انتقال انرژی می‌تواند تأثیرات مهمی داشته باشد. مهم‌ترین تأثیر این خط لوله این است که به یک عامل شتاب‌دهنده برای همکاری‌های مثبت بین این کشورهای تازه‌استقلال یافته تبدیل شده است (Rasizade, ۲۰۰۳: ۵۸) و از وابستگی شدید آنها به خطوط لوله انتقال انرژی این کشورها از روسیه کاسته است. راه‌اندازی پروژه‌های مانند خط لوله گاز ترانس آناتولی (TANAP)، آنکارا را قادر می‌کند نقش مهم‌تری در بازار انرژی اروپا ایفا کند. در واقع این خط لوله جدید نفوذ روسیه را در کشورهای حوزه دریای خزر کاهش می‌دهد. ترکیه به جمهوری‌های همسایه حوزه دریای خزر کمک می‌کند تا از وابستگی به روسیه خلاص شوند و عوارض انتقال نفت به نفع کشورهای آسیای میانه و ترکیه خواهد بود.

ترکیه اخیراً یک تغییر رو به رشد اوراسیایی را در سیاست خارجی خود نشان داده است. وزن رو به رشد ژئوپلیتیکی، بسیاری از کشورهای اوراسیا را وادار کرده است سیاست‌های خارجی خود را مجدداً تنظیم کنند. نگاه به شرق به یک هنجار جدید تبدیل شده است و روسیه شاید برجسته‌ترین نمونه آن باشد. اگرچه ترکیه عقب مانده است، اما اخیراً شروع به ادغام یک سیاست شرق‌گرا با آرمان‌های ژئوپلیتیکی خود کرده است. آنکارا به امید ایجاد اتحاد با سایر کشورهای ترک‌زبان قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان، به دنبال گسترش دامنه نفوذ خود به شرق تا آسیای میانه است. این کشور اخیراً میزبان نشست سه‌جانبه با وزرای خارجه آذربایجان و ترکمنستان در ۲۳ فوریه ۲۰۲۰ بود. این موضوعی است که در آن منافع روسیه در مقابل جاه‌طلبی‌های ترکیه قرار می‌گیرد؛ زیرا هر دو ترکمنستان را به عنوان رقیب در بازار گاز اروپا می‌بینند. ترکیه به دنبال ایجاد یک پایه اقتصادی و فرهنگی برای همکاری است که شامل ایجاد یک بازار مشترک برای کالاها، سرمایه‌گذاری، نیروی کار و خدمات تا سال‌های ۲۰۲۶-۲۰۲۸ است. در واقع اقدامات اخیر ترکیه مبتنی بر یک دهه تلاش برای تقویت ارتباطات با آسیای میانه است.

وابستگی به روسیه در مقاطعی باعث ایجاد مشکل در پایتخت‌های منطقه آسیای میانه شده است. علاوه بر این قرقیزستان و ترکمنستان به پول نقد نیاز دارند که پتانسیل نفوذ اقتصادی ترکیه را افزایش می‌دهد. برای ترکیه آسیای میانه راهی برای انعکاس اولویت‌های ژئوپلیتیکی آن و تعقیب اهداف استراتژیک در سایر نقاط جهان، مانند خاورمیانه، ارائه کرد. ترکیه به منظور تسهیل تعامل و

تبادل رو به رشد خود از مکانیسم‌های همکاری، آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه (برای تسهیل فرایندهای ملت‌سازی در منطقه) و سازمان همکاری اقتصادی (اکو) (برای ارتقای فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری) بهره می‌برد. کشورهای آسیای مرکزی در تلاش‌اند تعادلی بین نیروهای مختلف منطقه پیدا کنند تا از کنترل روسیه بر زیرساخت خطوط انتقال انرژی خارج شوند و فضای رقابتی بین بازیگران بزرگی که به نفع رهبران استبداد در کنترل توانمندی‌های این نیرو هستند، ایجاد کنند. کشورهای آسیای میانه طی دو دهه گذشته تلاش کرده‌اند فاصله مناسب خود را از هژمونی منطقه روسیه حفظ کنند و در عین حال مشروعیت و حاکمیت داخلی خود را نیز نگه دارند.

فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی ترکیه به کشورهای آسیای میانه در حال تشدید است، اگرچه ترکیه و روسیه در حال تقویت همکاری خود هستند، روسیه همچنان آسیای میانه را نیز حوزه منافع خود می‌داند. کارشناسان سیاست خارجی روسیه نسبت به تشدید همکاری ترکیه و آسیای میانه در حوزه حساس امنیتی هشدار داده و آن را در تضاد با منافع روسیه توصیف کردند. مقاومت روسیه در برابر گسترش ترکیه به بازار تسلیحات آسیای میانه در واقع ناشی از رقابت اقتصادی و امنیتی است. دولت‌های آسیای میانه ممکن است عمداً پیشنهادهای ترکیه را برای دستیابی به معاملات بهتر با روسیه به نمایش بگذارند. بنابراین منطقی است که ترکیه در تعامل فعلی خود با دولت‌های آسیای میانه از مداخله در امور داخلی آنها خودداری کند.

هدف ترکیه از فروش تسلیحات نظامی به آسیای میانه، افزایش نقش خود در صحنه بین‌المللی است. سازمان کشورهای ترک به دنبال تبادل تجربیات نظامی بین اعضای خود و ترکیه از طریق مانورهای مشترک است و قرارداد بایراکتر مهم‌ترین معامله ترکیه و کشورهای ترک زبان در میان دهه‌ها موافقتنامه و یادداشت تفاهم میان وزارت‌خانه‌های ترکیه تلقی می‌شود. روسیه هم با کشورهای آسیای میانه در حوزه‌های مختلفی همچون همکاری‌های امنیتی مشترک یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای همکاری‌های راهبردی است و ترکیه با در نظر داشتن این شرایط به تعریف سیاست‌های خود می‌پردازد. همان‌طور که سالنامه ۲۰۲۰ SIPRI نشان می‌دهد، آسیای میانه با رشد ۶۳ درصدی بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹، دومین منطقه با سریع‌ترین درصد رشد در هزینه‌های نظامی پس از شمال آفریقا (۶۷٪) شد؛ در حالی که برای ۲۰۱۸-۲۰۱۹ تنها آسیای میانه در درصد تغییرات مخارج نظامی با

رشد ۱۶ درصدی پیش‌تاز است (سالنامه SIPRI، ۲۰۲۰). با توجه به آنچه در مورد واردات تسلیحات توسط کشورهای آسیای میانه اشاره شد، درمی‌یابیم بر اساس گزارش SIPRI، مجموع فروش تسلیحات به جمهوری‌های منطقه آسیای میانه توسط ۲۵ شرکت بزرگ تسلیحاتی جهان در سال ۲۰۱۹ به ۳۶۱ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل ۸/۵ درصد رشد داشته است؛ اما به طور غیرمنتظره برای اولین بار شرکت‌های روسی در ۲۵ شرکت برتر به طور قابل توجهی کاهش یافتند و سومین شرکت پس از ضرر ۱/۳ میلیارد دلاری در فروش، به طور کلی از بین ۲۵ شرکت برتر خارج شد (www.Sipri.org، ۲۰۲۰)؛ از طرفی در گزارش دیگر SIPRI با عنوان تأمین‌کنندگان نوظهور در تجارت جهانی تسلیحات، چهار تأمین‌کننده تسلیحاتی جهانی را اگرچه هنوز به بازیگران اصلی بازار تبدیل نشده‌اند و به تازگی در حال ظهور هستند، برزیل، کره جنوبی، ترکیه و امارات نام می‌برد. در این گزارش ترکیه به کشوری تبدیل شده است که سریع‌ترین میانگین رتبه را در میان تأمین‌کنندگان جهانی تسلیحات دارد؛ زیرا در مقایسه با رتبه ۲۰۰۰-۲۰۰۴ خود، تا پایان سال ۲۰۱۹، شانزده رتبه افزایش یافته است (Béraud-Sudreau et al، ۲۰۲۰). بر اساس این گزارش، فروش صنایع دفاعی و هوانوردی ترکیه یکی از چشمگیرترین افزایش‌ها را در سال‌های اخیر نشان داده است و از ۳/۷۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۶/۶۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسیده است؛ زیرا حجم صادرات تسلیحات ترکیه بین سال ۲۰۱۰-۲۰۱۴ و ۲۰۱۵-۲۰۱۹، ۸۶ درصد افزایش یافته است.

بر اساس گزارش دیگری توسط SIPRI که تمایلات انتقال تسلیحات را در بین ۲۵ کشور بزرگ صادرکننده تسلیحات تحلیل می‌کند، کل صادرات تسلیحات روسیه در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۹ نسبت به سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۴ کاهش ۱۸ درصدی داشته است (Trends in International Arms Transfers، ۲۰۱۹) که شامل ۸۷ درصد کاهش تحویل تسلیحات روسیه به دولت سوریه که روسیه فعالانه از سال ۲۰۱۵ از آن حمایت کرده است. در مورد فهرست بزرگ‌ترین واردکنندگان تسلیحات، بر اساس همین گزارش، ترکیه که در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ سومین واردکننده بزرگ تسلیحات در جهان بود، در صورت واردات تسلیحات به تدریج از سهم خود کاسته و اکنون به یک صادرکننده خالص جامد تبدیل شده است. اکنون در رتبه پانزدهم اسلحه قرار دارد؛ در حالی که قزاقستان و آذربایجان بیست و پنجمین و سی‌امین واردکنندگان بزرگ اسلحه در جهان هستند (وزمن و همکاران،

۲۰۲۰). این موضوع حاکی از آن است که ترکیه توانسته با راهبرد اقتصادی به عنوان مؤلفه‌ای از قدرت نرم، در منطقه آسیای میانه ظرفیت حوزه نفوذ خود را افزایش دهد و با انعقاد قراردادهای فروش تسلیحات، با کشورهای آسیای میانه سهمی در بالابردن تعاملات اقتصادی در این منطقه داشته باشد و از طرفی شاهد کاهش نفوذ روسیه در منطقه آسیای میانه باشیم.

## نتیجه‌گیری

کشورهای آسیای میانه از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱ به دنبال یک سیاست خارجی چندجانبه بوده‌اند که آنها را قادر می‌سازد در برابر سلطه هر قدرتی مانند روسیه به عنوان قدرت بزرگ منطقه مقاومت کنند. ترکیه با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری‌های آسیای میانه، در بلندمدت منجر به همکاری نزدیک‌تر ترکیه و کشورهای منطقه آسیای میانه شده است. ترکیه با درپیش گرفتن راهبرد فرهنگی و اقتصادی جدید خود به عنوان عناصر قدرت نرم، در منطقه آسیای میانه به دنبال بالابردن سطح مبادلات و تعاملات خود با منطقه می‌باشد که این راهبرد ترکیه تأثیرات مهمی بر کاهش نفوذ روسیه در این منطقه داشته است.

ترکیه راهبرد فرهنگی خود را در پیش‌برد گفتمان‌های ایدئولوژیک مانند پان‌ترکیسم، پان‌اسلامیسم و اسلام سیاسی ترک، به منظور ایجاد رژیم‌های وفادار نسبت به خود در کشورهای آسیای میانه متمرکز کرده است. در این کشورها روابط فرهنگی، انسان‌دوستانه از طریق شبکه‌های گسترده مؤسسات آموزشی ترکیه پیشرفت کرده و نفوذ عمیق مدل ترکی اسلامی مشاهده می‌شود. راهبرد فرهنگی ترکیه در این منطقه مبتنی بر فعالیت‌های آموزشی و علمی با استفاده از زبان ترکی در قالب پان‌ترکیسم، فعالیت‌های مذهبی و دینی با استفاده از عرفان و صوفی‌گری در قالب نوع‌نمان‌گرایی و فعالیت‌های هنری و رسانه‌ای با توسعه مدارس و دانشگاه‌ها، تهیه و پخش فیلم‌های سینمایی، تأسیس شبکه‌های تلویزیونی در حوزه رسانه و اشاعه حوزه هنر مانند موزیک پیگیری می‌شود. در نتیجه پان‌ترکیسم در راستای ایجاد مزاحمت در برابر احیای حضور روسیه در منطقه آسیای میانه مؤثر بوده است. توسعه اسلام با کمک روحانیون ترک و تأسیس مراکز و مدارس مذهبی در منطقه، ترکیه را به عنوان رهبر اسلامی منطقه آسیای میانه مطرح نموده و نسلی که در این مدارس و دانشگاه‌های ترکیه‌ای

دوران آموزش خود را گذرانده‌اند، به عنوان اهرم‌های نفوذ ترکیه در پست‌های مدیریت دولتی کشورهای آسیای میانه حاکی از قدرت نرم ترکیه دارد. آنکارا با راهبرد فرهنگی خود در منطقه آسیای میانه و حمایت از اقلیت‌های ملی - اسلامی در منطقه نفوذ روسیه، بازی فرهنگی و سیاسی خود را پیش برده و موجب ارتقای ظرفیت اعمال نفوذ ترکیه و کاهش نفوذ روسیه شده است.

ترکیه با اتخاذ راهبرد اقتصادی جدید خود با این منطقه توانسته است در حوزه‌های مختلف اقتصادی رشد چشمگیری داشته باشد. یکی از این موفقیت‌ها، متنوع‌سازی مسیرهای حمل و نقل به کشورهای تک‌ترانزیتی در کنار حفظ مسیرهای سنتی است. مشارکت در پروژه‌های مهم صنعتی و زیرساختی با کشورهای آسیای میانه به صورت چندجانبه یا دوجانبه باعث تقویت تجارت و همکاری استراتژیک در سطح عالی و همچنین ثبات روابط بین این کشورها با ترکیه شده است. ترکیه نقش تعیین‌کننده در پروژه‌های انتقال انرژی به اروپا و از شرکای اصلی منطقه‌ای در سیاست انرژی منطقه دارد و خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی و راه آهن باکو-تفلیس-جیحان از مهم‌ترین مواردی اثبات این مدعاست. ترکیه جهت تسهیل تعامل و تبادل رو به رشد خود در منطقه آسیای میانه، از مکانیسم‌های همکاری، آژانس همکاری، هماهنگی ترکیه (جهت ملت‌سازی) و سازمان همکاری اقتصادی اکو (جهت ارتقای فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجارت) استفاده کرده است و کشورهای آسیای میانه برای ایجاد فضای رقابتی بین بازیگران و خارج‌شدن از فشار زیرساخت خطوط انتقال انرژی روسیه، با ترکیه همکاری و تعامل رو به رشد و پایدار دارند.

ترکیه با استفاده از سازمان کشورهای ترک با انعقاد قراردادهای فروش تسلیحات نظامی و هوانوردی، با کشورهای آسیای میانه تعاملات و تبادلات اقتصادی خود را افزایش داد و دیگر روسیه تنها بازیگری نیست که با همکاری‌های اقتصادی مشترک در آسیای میانه نقش ایفا کند. ترکیه با فروش تسلیحات نظامی و هوانوردی، ظرفیت اعمال نفوذ خود را در آسیای میانه افزایش داده و نیز کاهش نفوذ روسیه در این منطقه را به دنبال داشته است. اثبات این مدعا رشد قابل توجه ۸/۵ درصدی خرید تسلیحات توسط کشورهای آسیای میانه از شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی جهان و کاهش قابل توجه خرید تسلیحات روسی است. اگرچه ترکیه هنوز به بازیگر اصلی بازار فروش تسلیحات تبدیل نشده، به گزارش SIPRI ترکیه جزء ۴ کشور تأمین‌کننده تسلیحات جهانی در حال ظهور است.

## منابع

- اتوتایل، ژناروید، دالبی، سیمون، و روتلج، پاول (۱۳۸۰). اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم. ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۱ (۱)، بهار.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی قدرت نرم و محیط راهبردی متأثر از آن. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۸ (۲۸).
- دهشیری، محمدرضا، و ملکیان بروجنی، نجمه (۱۳۹۵). بررسی اهمیت استراتژیک سوریه برای ج.ا.ا از منظر واقع‌گرایی تدافعی. کنگره بین‌المللی علوم اسلامی-علوم انسانی، تهران، آذرماه.
- سازمند، بهاره، و کاویانی‌فر، پیمان (۱۳۹۴). ایران و برنامه تراسییکا و ابتکار راهرو گاز جنوبی اتحادیه اروپایی در دوران پسا تحریم. فصلنامه روابط خارجی، (۳)، پاییز، ۳۳-۶۲.
- سجادپور، سیده‌محمدکاظم (۱۳۸۰). ایران و ۱۱ سپتامبر، چارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی. سیاست خارجی، (۴).
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). رهبری و قدرت هوشمند. ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه و الهام شوشتری‌زاده، تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر.

Jervis, Robert (۱۹۹۹). Realism, Neoliberalism, and Cooperation. *International Security*, ۲۴ (۱), summer.

Kaufman, Stuart J., Richard little and William C. Wohlforth (۲۰۰۷). *The balance of Power in World History*. Palgrave macmillan.

Sipri.org (۲۰۲۰). Global arms industry: Sales by the top ۲۵ companies up ۸.۵ per cent; big players active in Global South. Retrieved from: <https://www.sipri.org/media/press->

release/۲۰۲۰/global-arms-industry-sales-top-۲۰-companies-۸۰-cent-big-players-active-global-south. Accessed on ۰۵,۰۲,۲۰۲۱.

Walt M. Stephan (۱۹۸۶). Alliance: Balancing and Bandwagoning. In: Stephan M. Walt (Eds), *The Origins of Alliances*, Cornell University Press.

Walt, Stephan, (۱۹۸۷). *The Origins of Alliance*. Ithaca, NY: Cornell University Press.

Walt, Stephan (۱۹۸۸). Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia. *International Organization*, ۴۲ (۲).

Nye, Joseph S. (۲۰۰۲). Limits of American Power. *political science Quarterly*, ۱۱۷ (۴).

<http://www.mfa.gov.tr/turkiye-orta-asya-ulkeleri-iliskileri.tr.mfa> (accessed ۱۰,۰۶,۲۰۲۱).

<http://www.mfa.gov.tr/turkiye-orta-asya-ulkeleri-iliskileri.tr.mfa> (accessed ۱۰,۰۶,۲۰۲۱).

## Educational Model for Social Design and Reproduction in the Second Step of the Islamic Revolution Based on Pierre Bourdieu's Cultural Reproduction Theory

Seyed Mohammadreza Mahmoudpanahi<sup>۱</sup>

Zahra Poorjabari<sup>۲</sup>

Bahareh Jafari<sup>۳</sup>

### Abstract

Revising educational models as a fundamental tool for achieving the long-term goals of the revolution is of particular importance in the second step of the Islamic Revolution. Given the global challenges and cultural and social developments, an educational model that is in line with Islamic values and the goals of the revolution is essential. In this regard, Pierre Bourdieu's theory of cultural reproduction can be useful as an analytical framework for designing a social reproduction educational model in the second step of the Islamic Revolution. This theory emphasizes the role of the educational system in reproducing social and cultural inequality and shows how education can help strengthen social and cultural identities through cultural and social capital. According to this theory, the educational model in the second step of the Islamic Revolution must not only educate a thoughtful, responsible, and expert generation, but also to reform the content and educational methods should also provide the basis for preserving Islamic identity and countering cultural and social threats. The present study analyzes the model of educational social design in the second step of the Islamic Revolution using the concepts and principles of Bourdieu's cultural reproduction theory, as well as examining how this theory is in line with the long-term goals of the Islamic Revolution in the field of education. The findings show that in order to realize educational social design in the second step of the Islamic Revolution, the educational system must be designed to help strengthen social justice, develop Islamic identity and cultural self-sufficiency.

**Keywords:** The Second Step of the Islamic Revolution, Educational Social Design and Reproduction, Cultural Reproduction Theory, Social Justice, Islamic Identity.

<sup>۱</sup> Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran Branch, Iran, Email: [dr.mahmoudpanahi@gmail.com](mailto:dr.mahmoudpanahi@gmail.com), (Corresponding Author)

<sup>۲</sup> Master Student, Political Studies of the Islamic World, Comprehensive University of Islamic Revolution, Tehran, Iran, Email: [poorjabarizahrav@gmail.com](mailto:poorjabarizahrav@gmail.com)

<sup>۳</sup> Master Student, Political Studies of the Islamic World, Comprehensive University of Islamic Revolution, Tehran, Iran, Email: [bahareh.jafari987@gmail.com](mailto:bahareh.jafari987@gmail.com)

---

## The Political Lifestyle of the Martyrs of the Islamic Revolution in Resistance Diplomacy

Abbas Ali Rahbar<sup>۱</sup>

### Abstract

The foreign policy of any country reflects its approach and derives from the constitution and its identity. After the Islamic Revolution, the slogan "neither Eastern, nor Western, Islamic Republic" and "Independence, Freedom, Islamic Republic" came up and opened a new chapter in the strategy of the Islamic world and produced the diplomacy of smart resistance. In this regard, religious lifestyle is one of the fundamental concepts of human life that has an important and influential role in various individual and social dimensions, including job performance. The purpose of this study is to examine the political lifestyle of the martyr of the Islamic Revolution in the diplomacy of resistance. The main question of the article is about the nature of the martyr diplomat political lifestyle to strengthen the diplomacy of resistance. The main hypothesis is that the martyr's diplomat political lifestyle system has been based on two relevant factors of "diplomacy -field" and "diplomacy -ethics" by influencing the values of the Islamic Revolution, Islamic Resistance and the Personality Virtues of the Martyr Raisi government. This research is a practical and qualitative type with an interpretive approach and has used a library method that reflects the media on the subject of the paper.

**Keywords:** Diplomacy of Resistance, Ethics, Politics, Lifestyle.

---

<sup>۱</sup> Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran, Email: aa.rahbar @atu.ac.ir

---

---

## America's Dual -Games in the East Mediterranean to Dominate the European Gas Market

Seyed Mahdi Madani Alkhansari<sup>1</sup>

Habibollah Fazeli<sup>2</sup>

### Abstract

Development and commercialization of hydraulic fracturing technologies and horizontal drilling in the United States has increased production and then enhanced its LNG exports to large consumption markets. However, serious competitors such as Iran, Russia and Qatar, as well as Turkey's efforts to become Iran -Russian export energy hubs to Europe, as Ankara activated the East Mediterranean gas, has led the United States to design a multilayer game to preserve its export market. This study seeks to prove the increase in production and export of natural liquefied gas as a first assumption, using valid statistical resources data and then, while examining US sanctions against Russia and Iran in the field of energy, examines the barriers to Turkey in the East Med project, as well as possible sanctions on projects that are likely to convert Turkey into energy hubs. The results of the study show that the United States has increased shale gas production with the development of fracking technology, and has weakened competitors using sanctions and regional project management, and also dominated the European gas market. This study, with a descriptive-analytical approach, analyzes the geopolitical and economic dimensions of these equations and predicts future scenarios.

**Keywords:** Hydraulic Fracturing, Shale Gas, Sanction, LNG Export, East Med.

---

<sup>1</sup> Ph.D., Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Sciences, Tehran University, Tehran, Iran, Email: karevanrafto@gmail.com, (Corresponding Author)

<sup>2</sup> Associated Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Law and Political Sciences, Teheran University, Tehran, Iran, Email: h.fazeli@ut.ac.i

---

## Post-Colonial Readings of Hormozgan's Myths in Gholamhossein Saedi's "Fear and Chill" Story Collection Looking at Edward Said's Post-Orientalism Perspectives

Ehsan Alirezaei<sup>۱</sup>

Alireza Davari<sup>۲</sup>

### Abstract

The folk and regional stories of any country are the source of understanding the social behaviors and actions of each society. Hormozgan as one of Iran's most important subcultures is also subject to this rule. The present study has been qualitatively adapted to Gholamhossein Saedi's "Fear and Chill" story collection and it seeks to show that by examining the subject of colonialism in his fictional collection, one can understand the symbolic approach and ways to identity and way of fighting colonialism with the help of fiction literature. Using the ancient myths and the long-standing beliefs of the people of southern Iran and using symbolic mythical elements, Saedi has illustrated the confrontation between tradition and modernity and other problems of current societies, especially Third World countries. The theoretical context of this research is based on post-colonial and Oriental theories of Edward Said. This paper attempts to answer whether the reproduction and re-read of this critical approach leads to the colonialist view by introducing the legends of Hormozgan coastal residents and their colonial aspects. In this work, Saedi has studied the life of the people of southern Iran, drawing on the political situation of Iran, which has become the field of invasion and the presence of colonialist aliens, and has attempted to show that government agencies have a parallel relationship with aliens in promoting colonial culture by lack of opportunities for rural development.

**Keywords:** Colonialism, Edward Said, Legend, Gholamhossein Saedi, Fear and Chill.

---

<sup>۱</sup> Assistant Professor, Department of Art, Faculty of Architecture and Civil Engineering, Islamic Azad University, Science and Research Branch. Tehran, Iran. Email: ۲۲۹۸۱۱۳۰۱۷@iau.ir (Corresponding Author)

<sup>۲</sup> Master of Art, Shiraz Art Institute, Shiraz, Iran, Email: art.gambroon@gmail.com

---

## Shiite discourses in Indonesia Investigating the Performance of the Ahl al-Bayt Community of Indonesia (ABI)

Mohammad Ali Nazary<sup>1</sup>

### Abstract

After the Islamic Revolution of Iran, the Shia was revived in Indonesia; But because of the oppression of the ruling system, there were no religious freedoms in the country. With the onset of the new era and the political open space during the reign of Abdul Rahman Vahid, the Shiites established the Ikatan Jamaah Ahlul Bait Indonesia (IJABI) national organization to preserve their identity and more active presence in the political and social sphere. This organization was a representative of the intellectual Shiite discourse that was not approved by the clerical-traditional community. Therefore, after a few years, a new National Organization of Ahl al-Bayt community of Indonesia (ABI) Founded by Shia Jurisprudence Discourse. Using a library data collection method, interviewing experts and officials of these organizations, and qualitative analysis, this study seeks to respond to how the ABI discourse in Indonesia is formed, what is its meaning system, and what are its influential factors? The results of the study show that ABI discourse has been formed in response to the IJABI ethics discourse and the pressure of anti -Shiite groups. The discourse and the semantic system of ABI is based on jurisprudence and leadership acceptance and its leaders such as Hossein al -Habashi, Omar Shahab and Hussein Shahab, etc. have been struggling to consolidate this discourse.

**Keywords:** Shiite Discourse, Indonesia, Ahl al-Bayt Community (ABI).

---

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Philosophy, Faculty of Theology and Islamic Studies, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, Email: m.a.nazary@iaiu.ac.ir

---

## Investigating Turkey's Strategy in Central Asia and its impact on Russian Influence in the Region

Ahmad Yusefpoor<sup>۱</sup>

Mohammadvali Modarres<sup>۲</sup>

### Abstract

Russia is a major regional power in Central Asia and this region is considered Moscow's sphere of influence. For this reason, Central Asia has been the focus of the Moscow government due to its rich energy resources and economic cycles. On the other hand, Turkey has played a role in Central Asia from ۲۰۱۴ to ۲۰۲۱ with various measures and through cultural and economic diplomacy, which has led to the reduction of Russian influence in this region. Considering the importance of the category of culture and economy in the international arena, as well as the necessity of explaining the adoption of the mentioned strategy in the studies of international relations, this research seeks to answer the question of "how has Turkey affected Russia's influence in the Central Asian region from ۲۰۱۴ to ۲۰۲۱?" In this research, an attempt has been made to prove the hypothesis that from ۲۰۱۴ to ۲۰۲۱, through cultural and economic diplomacy with the countries of Central Asia, Turkey has affected Russia's influence in this region and has also caused the reduction of this country's influence in Central Asia. The methodology of this research is analytical-explanatory, and data were collected by referring to library sources. Public diplomacy and the components of soft power have been used as the theoretical framework of this research. The results show that Turkey's strategy in the cultural and economic fields from ۲۰۱۴ to ۲۰۲۱ has had an impact in Central Asian countries and has led to the reduction of Russian influence in this region.

**Keywords:** Turkey, Russia, Central Asia, Public Diplomacy and Soft Power.

---

<sup>۱</sup> Assistant Professor, Department of Law and International Relations, Comprehensive University of Islamic Revolution, Tehran, Iran, Email: [ahmadyusefpoor@yahoo.com](mailto:ahmadyusefpoor@yahoo.com), (Corresponding Author)

<sup>۲</sup> Assistant Professor, Faculty of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran, Email: [mvmodarres@khu.ac.ir](mailto:mvmodarres@khu.ac.ir).